

SECRETS ON FIBONACCI TRADING

MASTERING FIBONACCI
TECHNIQUES IN
LESS THAN 3 DAYS

FRANK MILLER

<https://t.me/sanibabourse>

اسرار معامله با

فیبوناچی

تسلط بر تکنیک‌های فیبوناچی در کمتر از سه روز

نویسنده: فرانک میلر

ترجمه: سانی بورس

<https://sanibourse.com/>

فهرست مطالب

[مقدمه](#)[فصل ۱: معرفی فیبوناچی](#)[فصل ۲: نیاز به درک و شناسایی صحیح روند](#)[فصل ۳: سطوح بازگشتی فیبوناچی \(Fibonacci Retracement Levels\)](#)[فصل ۴: سطوح پروجکشن فیبوناچی \(Fibonacci Projection Levels\)](#)[فصل ۵: قدرت همگرایی فیبوناچی \(Fibonacci Convergence\)](#)[فصل ۶: زمان ایده‌آل برای باز کردن یک موقعیت](#)[فصل ۷: چگونه ورود به معامله را بهینه کنیم](#)[فصل ۸: هنر خروج از معامله](#)[فصل ۹: ترکیبی عالی از فیبوناچی و امواج الیوت \(Elliott Waves\)](#)[فصل ۱۰: اسرار مدیریت بهتر معامله](#)[فصل ۱۱: اشتباهات بزرگی که ممکن است هزینه زیادی برای شما داشته باشد](#)[فصل ۱۲: ابزارهای قدرتمند فیبوناچی در معاملات واقعی](#)[بعدش چی؟](#)[ضمیمه: نحوه تنظیم بازگشتی‌ها و اکستنشن‌های فیبوناچی](#)

فرض کنید مدتی است که معامله میکنید، اما خودتان را درگیر استرس ناشی از ضررهای پی‌درپی میبینید. استراتژی‌های شما گاهی اوقات کمک میکنند، اما بیشتر اوقات شکست میخورند. کم‌کم کنترل سیستم معاملاتی خود را از دست میدهید، شاید عصبی میشوید و به تصمیم‌گیری‌های معاملاتی ضعیف ادامه میدهید. از معامله می‌ترسید و نمیتوانید بفهمید چه چیزی واقعاً کار میکند و چه چیزی نه. میخواهید از این موقعیت‌های منفی فرار کنید و افق جدیدی را بیابید که سود در آن شکوفا شود.

در این کتاب، ابزارهایی را به شما نشان خواهم داد که هر معامله‌گری تا حدی در معاملات خود از آنها استفاده میکند: سطوح بازگشتی و امتدادی فیوناچی. این ابزارها با استفاده از اعداد طبیعی اثبات شده، به طور واقعی روانشناسی بازار را منعکس میکنند. آنها روش جدیدی برای شناسایی سطوح کلیدی در بازار باز خواهند کرد. دیگر نخواهید پرسید که یک نوسان از کجا شروع و کجا متوقف خواهد شد، زیرا ابزارهای موجود در این کتاب برای کمک به شما اینجا هستند. اگر اغلب از ضررهای متوالی خشمگین میشوید، ممکن است دلایل آن را در این کتاب بیابید. همچنین راه‌حل‌ها را نیز خواهید شنید.

در طول سال‌های گذشته، از طریق معامله‌گری امرار معاش کرده‌ام و استراتژی‌های خود را با بسیاری از معامله‌گران، بیشتر مبتدیان، به اشتراک گذاشته‌ام. همیشه به تحلیل حرکت قیمت و روند وسواس داشته‌ام. در میان تمام ابزارهای موجود در پلتفرم‌های معاملاتی، هیچ ابزاری به اندازه فیوناچی مرا مجذوب خود نکرده است. "فیوناچی" در واقع فقط روشی برای استفاده از الگوهای عددی در تصمیمات معاملاتی شماست. احتمالاً پیچیده به نظر میرسد، اما قول میدهم آن را آسان خواهیم کرد.

این ابزارها بیش از ده سال است که هسته اصلی استراتژی‌های معاملاتی من بوده‌اند، چه در معاملات سهام، فارکس، کالاها یا ارزهای دیجیتال. میخواهم به شما نشان دهم که این ابزارها چقدر قدرتمند هستند و چگونه میتوان به درستی از آنها بهره برد. در پایان این کتاب، شما به استراتژی‌های مؤثری مجهز خواهید شد که میتوانند در معاملات دارایی‌های مختلف، چه کوتاه‌مدت و چه بلندمدت، به شما سود برسانند.

همانطور که وارن بافت میگوید: "مهم‌ترین سرمایه‌گذاری که میتوانید انجام دهید، سرمایه‌گذاری روی خودتان است." مگر اینکه گام‌های ثابتی در تغییر نحوه رویکرد و تحلیل مؤثر بازار بردارید، برایتان سخت خواهد بود که در این تلاش، بلندمدت بمانید. عدم رویکرد صحیح به بازار میتواند منجر به از دست دادن پول به سختی به دست آورده‌تان بدون دانستن دلایل

اساسی شود. به عنوان یک مبتدی، مگر اینکه اساسی‌ترین و مهم‌ترین اصول بازار را که در ابزارهای فیوناچی نهفته است درک کنید، احتمالاً در سفر معاملاتی خود ضررهای غیرضروری خواهید کرد.

ابزارهای موجود در این کتاب ثابت کرده‌اند که سیگنال‌های معاملاتی عالی تولید میکنند و نتایج فوق‌العاده‌ای برای انواع معامله‌گران به ارمغان می‌آورند. تمام فصل‌های این کتاب ارتباط تنگاتنگی با یکدیگر دارند و تکنیک‌ها با مهم‌ترین عناصر اکشن قیمت در نمودار، مانند الگوهای کندل استیک، که به شما در درک بهترین رویکرد بازار کمک میکنند، به دقت تجزیه و تحلیل شده‌اند، به جای اینکه بیش از حد بر شاخص‌های پیچیده‌ای تمرکز کنید که ممکن است زمان و پول شما را هدر دهند.

علاوه بر این، خواهید فهمید که چگونه همگرایی در معامله‌گری میتواند در بسیاری از موارد شما را نجات دهد، و چرا سیگنال‌های تأیید هنگام انتخاب قیمت ورود "ضروری" هستند. همچنین اهمیت شکل دادن به ذهن خود برای موفقیت را کشف خواهید کرد. وقتی این کتاب را تمام کنید، بر ابزارهای ضروری که در بقیه دوران حرفه‌ای معامله‌گری خود همراه شما خواهند بود، تسلط خواهید یافت.

فصل ۱: معرفی فیبوناچی

فیبوناچی ابزاری قدرتمند برای تحلیل بازار است که توسط بسیاری از معامله‌گران فنی به منظور پیش‌بینی حرکات آتی قیمت در بازارهای مالی استفاده می‌شود. اگر ابزارهای فیبوناچی به طور دقیق استفاده شوند، می‌توانند به معامله‌گران در تعیین نواحی حمایت و مقاومت پیش رو (نقاط اوج و کف کوتاه‌مدت) کمک کنند.

فیبوناچی بر اساس مفاهیم ریاضی سری فیبوناچی، می‌تواند میزان حرکات قیمت، چه صعودی و چه نزولی، در بازارها را شناسایی کند. فیبوناچی یکی از معدود ابزارهایی است که ممکن است سطوح قیمت را پیش از وقوع حرکات قیمت شناسایی کند. سودمندی فیبوناچی ناشی از تعیین سطوح کلیدی حمایت و مقاومت است و به شما در تصمیم‌گیری در مورد نقاط خرید و فروش کمک می‌کند.

مزیت فیبوناچی نسبت به اندیکاتورهای تاخیری

+ عملکرد بیشتر اندیکاتورها

بیشتر پلتفرم‌های معاملاتی مملو از اندیکاتورهایی هستند که معامله‌گران ممکن است برای تصمیم‌گیری‌های معاملاتی خود بر اساس برخی سیگنال‌های بصری به آن‌ها تکیه کنند. در حالیکه این اندیکاتورها ممکن است بسیار مفید باشند، بسیاری از اندیکاتورهای فنی مشکلات خاص خود را دارند.

اساساً، بسیاری از اندیکاتورهای فنی قبل از اعمال یک فرمول ریاضی بر روی دوره‌های قبلی برای تولید برخی سیگنال‌های بصری، به رفتارهای گذشته بازار متکی هستند. چنین سیگنال‌هایی تصمیم‌گیری را برای معامله‌گران تسهیل می‌کنند.

این اندیکاتورها، اندیکاتورهای تاخیری نامیده می‌شوند تا این واقعیت را منعکس کنند که آنها حرکات قیمت قبلی را تجزیه و تحلیل می‌کنند. این اندیکاتورها اغلب بازخورد تاخیری به معامله‌گران ارائه می‌دهند. برخی از نمونه‌های کلی اندیکاتورهای تاخیری عبارتند از میانگین‌های متحرک (MA)، میانگین متحرک همگرایی و واگرایی (MACD)، شاخص قدرت نسبی (RSI) یا اسیلاتورهای استوکاستیک.

+ قدرت فیبوناچی

در همین حال، استفاده از فیبوناچی از یک فرمول ریاضی ساده ناشی نمیشود که در آن اعداد مشخصی را وارد کنید و یک پاسخ سریع و مستقیم دریافت کنید. ماهیت آن پیش‌بینی‌کننده است، به همین دلیل به عنوان یک اندیکاتور پیشرو در نظر گرفته میشود. ابزارهای فیبوناچی به تعیین سطوح حمایت و مقاومت بالقوه قبل از رسیدن قیمت به آنجا کمک میکنند. اندیکاتورهای پیشرو به معامله‌گران اجازه میدهند تا حرکات آتی قیمت را پیش‌بینی کنند؛ از این رو، معامله‌گران قادر خواهند بود معاملات را احتمالاً در ابتدای حرکت اجرا کنند. با وجود قدرتمندی که ممکن است به نظر برسد، ابزارهای فیبوناچی اگر به تنهایی استفاده شوند، ممکن است سودهای بلندمدت ارائه نکنند. درجه اطمینان در این ابزارها به ترکیب آنها با سایر ابزارها و پرایس اکشن و همچنین مجموعه قوانین سختگیرانه در مورد مدیریت معاملات، که بعداً در این کتاب به آن خواهیم پرداخت، بستگی دارد.

اعداد فیبوناچی از کجا می‌آیند؟

لئوناردو پیزانو بوگولو، که با نام لئوناردو فیبوناچی نیز شناخته میشود، برای اولین بار در قرن سیزدهم سری فیبوناچی را به غرب معرفی کرد. این رشته اعداد شامل خواص ریاضی خاص و همچنین نسبت‌هایی است که می‌توان آنها را در طبیعت، آثار تاریخی و همچنین زیست‌شناسی یافت. دامنه وسیع دیده‌شدن این تناسبات در جهان هستی به بازارهای مالی نیز میرسد. این صرفاً یکی از دلایلی است که بسیاری از سرمایه‌گذاران از روش معاملاتی فیبوناچی برای تعیین نقاط عطف مهم در نمودارها استفاده میکنند. ابتدا، بیایید نگاهی به دنباله فیبوناچی بیندازیم.

دنباله فیبوناچی بر اساس چیزی به نام نسبت طلایی است. بیایید یک سری اعداد را با صفر و یک شروع کنیم. سپس، به اضافه کردن دو عدد قبلی برای به دست آوردن عدد بعدی ادامه میدهیم، و یک رشته بی‌پایان مانند این به دست خواهیم آورد: ۰، ۱، ۱، ۲، ۳، ۵، ۸، ۱۳، ۲۱، ۳۴، ۵۵، ۸۹، ۱۴۴، ۲۳۳، ۳۷۷، ۶۱۰، ۹۸۷... به عنوان مثال، به عدد ۳ نگاه کنید. این مجموع عدد ۲ و عدد ۱ (دو عدد قبلی) است.

این توضیح منشأ دنباله فیبوناچی است. هر عدد فیبوناچی موقعیت خاص خود را در این سری دارد. این دنباله اساس محاسبه نسبت‌های فیبوناچی، مانند بازگشتی‌ها یا امتدادها (که در فصل‌های بعدی به تفصیل شرح داده خواهند شد)، است.

دنباله فیبوناچی و نسبت‌ها و تناسبات مربوط به آن در بسیاری از جنبه‌های دنیای طبیعی ما به کار رفته‌اند. اما ممکن است تعجب کنید که ارتباط آن با بازارهای مالی چیست. بازارها در

واقع از افرادی تشکیل شده‌اند که تصمیمات سرمایه‌گذاری خود را میگیرند. اما وقتی افراد زیادی را جمع میکنید که همگی به عملکرد یکسان بازار نگاه میکنند، ممکن است احساسات مشابه، روانشناسی مشابه و واکنش‌های مشابهی دریافت کنید که همگی بازارها را هدایت میکنند. این واکنش‌ها و نتایج بازاری که به همراه دارند را میتوان یک قطعه دیگر از دنیای ما در نظر گرفت که در آن استفاده از تحلیل فیبوناچی مفید است.

نسبت‌های بازگشتی فیبوناچی

به زبان ساده، نسبت‌های بازگشتی فیبوناچی برای تعیین محل احتمالی بازگشت قیمت پس از یک نوسان استفاده میشوند و ورود به معامله را تسهیل میکنند. به عنوان مثال، در یک روند صعودی، سطوح بازگشتی فیبوناچی از کف اصلی یک نوسان تا اوج اصلی همان نوسان ترسیم میشوند و مجموعه‌ای از سطوح قیمت را ایجاد میکنند که ممکن است در هر بازگشت/اصلاح از نوسان قبلی به عنوان حمایت بالقوه عمل کنند.

این اصل در مورد روند نزولی نیز مشابه است، با این تفاوت که از این سطوح برای یافتن مقاومت بالقوه استفاده میشود. بین این اعداد ارتباطات قابل توجهی وجود دارد که اساس معامله‌گری فیبوناچی را تشکیل میدهد. در حالی که نمیتوانیم تمام این ارتباطات را در این فصل پوشش دهیم، برخی از نسبت‌های ذکر شده در زیر مهم‌ترین سطوح بازگشتی هستند که باید از آنها آگاه باشید.

اگر یک عدد را بر عدد بعدی تقسیم کنید، تقریباً ۰.۶۱۸ به دست می‌آید. این رقم اساس سطح بازگشتی ۶۱.۸ درصدی فیبوناچی است.

اگر یک عدد را بر دومین عدد بعد از آن تقسیم کنید، تقریباً ۰.۳۸۲ به دست می‌آید. این رقم اساس سطح بازگشتی ۳۸.۲ درصدی فیبوناچی است.

اگر یک عدد را بر سومین عدد بعد از آن تقسیم کنید، تقریباً ۰.۲۳۶ به دست می‌آید. این رقم اساس سطح بازگشتی ۲۳.۶ درصدی فیبوناچی است.

اگر سطوح بازگشتی فیبوناچی را در یک نمودار معاملاتی دیده‌اید یا در مورد آنها خوانده‌اید، احتمالاً سطوح اضافی دیگری را دیده‌اید که در واقع از نسبت‌های فیبوناچی مشتق نشده‌اند. نشانگر میانی یا بازگشتی ۵۰ درصدی یک نمونه معمولی از این مورد است. سطح ۵۰ درصد تأثیر روانی بر نمودار دارد. این جایی است که بازارها اغلب واکنش نشان میدهند، از این رو این سطح معمولاً توسط معامله‌گران استفاده میشود.

سطح محبوب دیگری که از دنباله فیبوناچی به دست نیامده است، ۷۸.۶ درصد است. افزودن این سطح به سطوح بازگشتی فیبوناچی حس تعادل را با نشانگر ۵۰ درصدی در وسط، دو سطح بالاتر و دو سطح پایین‌تر ایجاد میکند. علاوه بر این، اگرچه در اصل از دنباله فیبوناچی مشتق نشده است، مقدار ۰.۷۸۶ جذر ۰.۶۱۸ است که جنبه جالبی برای بررسی است. خط ۷۸.۶ درصد عمیق‌ترین سطح بازگشتی است. معامله‌گران هنگام اصلاح قیمت به این نقطه، پتانسیل بازگشت را به دقت تجزیه و تحلیل خواهند کرد. اکنون مهم‌ترین سطوح مورد استفاده در بازگشتی فیبوناچی را داریم: ۲۳.۶ درصد، ۳۸.۲ درصد، ۵۰ درصد، ۶۱.۸ درصد و ۷۸.۶ درصد.

نسبت‌های امتدادی/انبساطی فیبوناچی

نسبت‌های امتدادی/انبساطی فیبوناچی مشابه سطوح بازگشتی فیبوناچی هستند، با این تفاوت که از نسبت‌های فیبوناچی برای تعیین پایان احتمالی یک نوسان قیمت استفاده میکنند. با این حال، این ابزارها امواج حرکتی را در جهت روند کلی پس از یک بازگشت اندازه‌گیری میکنند. آنها فراتر از نقاط نوسان قبلی رفته و سطوح حمایت یا مقاومت را نشان میدهند، بنابراین به معامله‌گران کمک میکنند تا نقاط خروج از موقعیت‌های فعلی بازار را شناسایی کنند. تفاوت کلیدی بین استفاده از امتدادهای فیبوناچی و انبساط‌های فیبوناچی وجود دارد که در فصل ۴ به آن خواهیم پرداخت.

اکنون، بیایید به دنباله جادویی فیبوناچی برگردیم: ۰، ۱، ۱، ۲، ۳، ۵، ۸، ۱۳، ۲۱، ۳۴، ۵۵، ۸۹، ۱۴۴، ۲۳۳، ۳۷۷، ۶۱۰، ۹۸۷...

به یاد دارید که چگونه با تقسیم یک عدد بر عدد(های) بعدی آن، نسبت‌های بازگشتی را محاسبه میکردیم؟ در مورد سطوح امتدادی، قضیه برعکس است.

با حذف چند عدد اول، با ادامه یافتن سری، اگر یک عدد را بر عدد قبلی آن تقسیم کنید، نسبتی در حدود ۱.۶۱۸ به دست خواهید آورد، مانند تقسیم ۸۹ بر ۵۵.

اگر یک عدد را بر عددی که دو خانه در سمت چپ آن قرار دارد تقسیم کنید، نسبت حدود ۲.۶۱۸ به دست می‌آید.

اگر یک عدد را بر عددی که سه خانه در سمت چپ آن قرار دارد تقسیم کنید، نسبت حدود ۴.۲۳۶ خواهد بود.

مانند سطوح بازگشتی، سطوح امتدادی نیز شامل دو سطح "غیررسمی" هستند: ۱۰۰ درصد و ۲۰۰ درصد. این سطوح در واقع از دنباله فیبوناچی مشتق نشده‌اند، اما سطوحی هستند که واکنش‌های روانی معامله‌گران اغلب در آنها رخ میدهد.

نسبت طلایی فیبوناچی

همانطور که در بالا ذکر شد، هر عدد در این سری (به جز چند عدد اول) تقسیم بر عدد قبلی خود تقریباً ۱.۶۱۸ به دست می‌آید. این به عنوان نسبت طلایی فیبوناچی شناخته میشود. برای معامله‌گران فیبوناچی، نسبت طلایی و معکوس آن (۰.۶۱۸) چیزی است که آنها بیشترین توجه خود را هنگام جستجو برای سطح ورود و همچنین خروج به آن معطوف میکنند.

سایر ابزارهای فیبوناچی

شاید نام سایر ابزارهای معاملاتی فیبوناچی موجود را شنیده باشید و تعجب کنید که چرا من در این کتاب به آنها اشاره نمیکنم. پاسخ کوتاه این است که برنامه معاملاتی من بر اساس سطوح بازگشتی و امتدادی است و به نظر من، اینها برای انجام معاملات موفق کافی هستند. نمیگویم که سایر ابزارها ارزش امتحان کردن ندارند. در واقع، برخی از معامله‌گران هنوز از بادبزن‌های فیبوناچی، مناطق زمانی یا کمان‌ها به عنوان هسته اصلی سیستم خود استفاده میکنند. ممکن است در مقطعی از دوران حرفه‌ای معامله‌گری خود این موارد را امتحان کنید. اگر نظر من را بخواهید، توصیه میکنم قبل از استفاده از بقیه، ابتدا بر سطوح بازگشتی و امتدادی تسلط پیدا کنید.

کاربرد استراتژی‌های سطوح بازگشتی و امتدادی فیبوناچی

سطوح بازگشتی و امتدادی فیبوناچی هم در روند صعودی و هم در روند نزولی کار میکنند. در حالیکه سعی میکنم استراتژی‌ها را در هر دو جهت در این کتاب پوشش دهم، موارد خاصی وجود دارد که از روند صعودی به عنوان مثال استفاده میکنم. در چنین حالتی، لطفاً به خاطر داشته باشید که در روند نزولی نیز موارد مشابه عمل میکنند. برای مثال: اگر پیشنهاد کنم در صورت شکستن قیمت بالاتر از میانگین متحرک ساده ۵۰ (SMA) در یک روند صعودی، یک دستور خرید (long) قرار دهید، میتوانید نتیجه بگیرید که در صورت شکستن قیمت پایین‌تر از SMA ۵۰ در یک روند نزولی، میتوان یک دستور فروش (short) قرار داد.

فصل ۲: نیاز به درک و شناسایی صحیح روند

روندهای بازار

قبل از اینکه یاد بگیریم چگونه سطوح بازگشتی و امتدادی فیبوناچی را به طور مؤثر ترسیم و تحلیل کنیم، ابتدا بیایید در مورد "روند" صحبت کنیم زیرا این رکن اصلی در ایجاد موفقیت در معامله‌گری با فیبوناچی است.

روند، جهت کلی قیمت هر دارایی در یک دوره معین است. دو نوع بازار رونددار وجود دارد: روند صعودی (که روند گاوی یا روند رو به بالا نیز نامیده میشود) و روند نزولی (که روند خرسی یا روند رو به پایین نیز نامیده میشود). هنگامی که روندی وجود ندارد، آن را بازار جانبی (بازار محدود به دامنه یا بازار در حال نوسان) مینامیم. کلید موفقیت در معامله‌گری با فیبوناچی، معامله در جهت روند کلی است.

ساده به نظر میرسد، اما تعیین جهت صحیح روند همیشه آسان نیست. به عبارت دیگر، تعیین یک روند فراتر از آن چیزی است که در هر لحظه آشکار است. برای کسب سود، باز کردن یک موقعیت در جهت درست ضروری است. اگر روند صعودی باشد و شما موقعیت فروش (short) باز کنید، احتمالاً با ضرر مواجه خواهید شد. تعیین نادرست روند ممکن است منجر به یک نتیجه فاجعه‌بار شود.

سه نوع رفتار بازار

اکنون، بیایید عمیق‌تر به این سه نوع رفتار بازار و همچنین برخی روش‌های قابل اعتماد برای شناسایی یک روند بپردازیم.

+ بازار جانبی

بازار جانبی (بازار محدود به دامنه یا بازار در حال نوسان) هیچ روند قیمت قابل تشخیصی به سمت بالا یا پایین ندارد. در یک بازار جانبی، قیمت‌ها در یک دامنه حرکت میکنند و قبل از اینکه یک روند واضح شکل بگیرد و توسعه یابد، چندین بار جهت خود را تغییر میدهند.

آمار نشان میدهد که قیمت ۳۰ درصد مواقع روند دارد و در ۷۰ درصد باقی‌مانده در محدوده‌ها حرکت میکند. بازارهای جانبی میتوانند برای معامله‌گران بسیار خسته‌کننده باشند. در این نوع

بازار، یک معامله‌گر باید صبور باشد تا زمانی که سیگنال‌هایی مبنی بر پایان دوره جانبی و روند واضح صعودی یا نزولی بازار وجود داشته باشد. بیایید به یک بازار محدود به دامنه در زیر نگاهی بیندازیم.



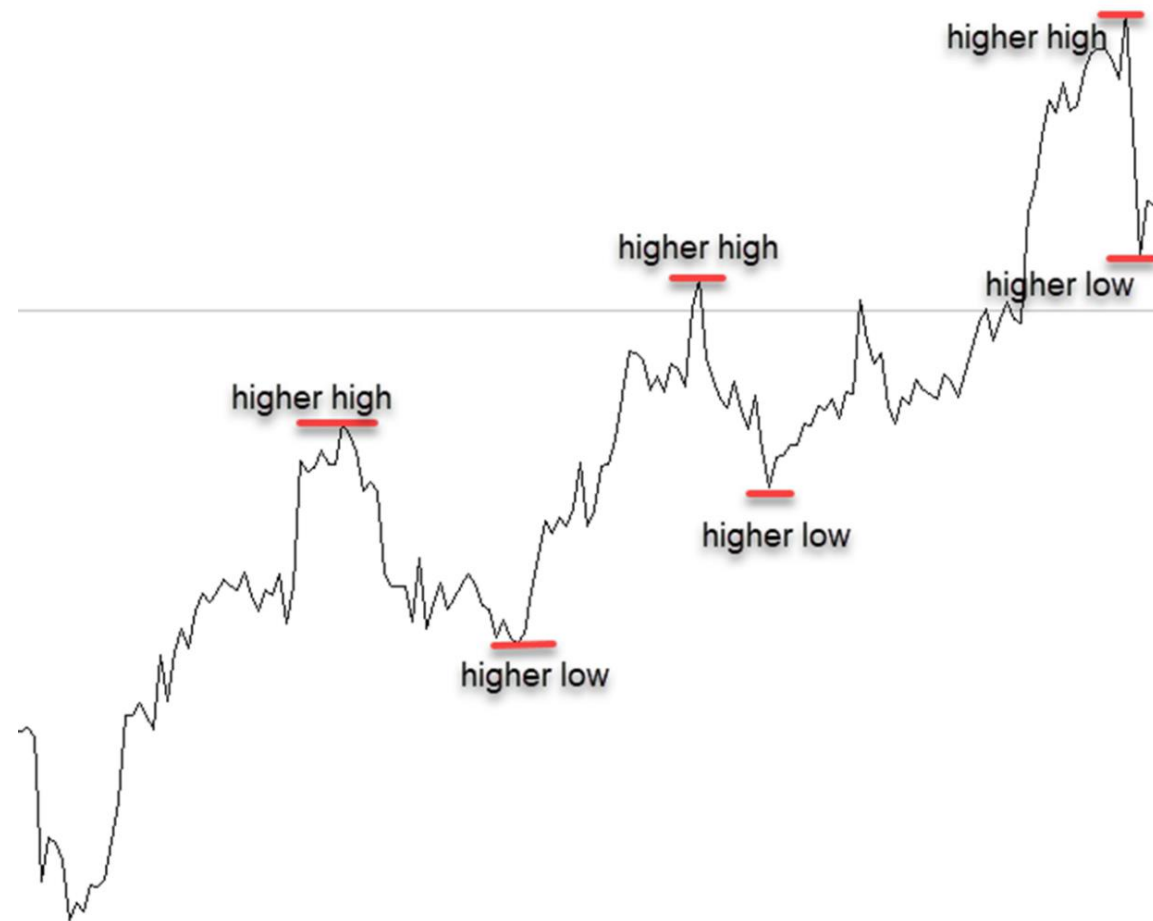
معامله در یک بازار محدود به دامنه می‌تواند دشوار باشد. بدون یک روند واضح برای سوار شدن بر آن، تعیین نقاط ورود و خروج خوب دشوار است و منجر به ضررهای بالقوه فاجعه‌بار می‌شود. برای بیشتر معامله‌گران، توصیه می‌شود از بازار در حال نوسان دوری کنند.

+ بازارهای رونددار

نقطه مقابل بازار جانبی، بازار رونددار است که شامل روند صعودی و روند نزولی می‌شود.

توجه داشته باشید که در هر نمودار معاملاتی، احتمالاً خواهید دید که قیمت‌ها در هیچ جهتی در یک خط مستقیم حرکت نمی‌کنند، بلکه در یک سری از اوج‌ها و کف‌ها حرکت می‌کنند.

بیایید در مورد روند صعودی صحبت کنیم. یک روند صعودی، حرکت کلی قیمت به سمت بالا را نشان میدهد که از اوجهای بالاتر و کفهای بالاتر تشکیل شده است. به مثال زیر نگاه کنید:



در یک روند نزولی، قیمت‌ها اوج‌های پایین‌تر و کف‌های پایین‌تر ایجاد میکنند. مجدداً، بیاپید به یک روند نزولی معمولی در زیر نگاهی بیندازیم:



تعیین اوج‌ها و کف‌های اصلی نقش مهمی در ترسیم سطوح بازگشتی و امتدادی فیبوناچی ایفا میکند، که بعداً به تفصیل به آن خواهیم پرداخت.

به خاطر داشته باشید که در برخی موارد غیرمعمول، قیمت ممکن است مستقیماً به سمت بالا یا پایین حرکت کند. این امر بیشتر زمانی اتفاق میافتد که اخبار غیرمنتظره‌ای باعث وحشت یا سرخوشی در بین معامله‌گران میشود. ممکن است در نمودار امیدوارکننده به نظر برسد؛ با این حال، معامله در چنین شرایطی فوق‌العاده خطرناک است.



روش دیگر برای شناسایی روند

ابزارهای تحلیل تکنیکال را میتوان برای شناسایی روند فعلی بازار استفاده کرد. یکی از محبوبترین اندیکاتورهایی که توسط بسیاری از معامله‌گران باتجربه استفاده میشود، میانگین متحرک ساده (SMA)، یعنی SMA ۲۰۰ است. هنگامی که قیمت بالاتر از SMA ۲۰۰ باشد، به گرفتن یا ماندن در موقعیت خرید خود فکر کنید. در غیر این صورت، باید به دنبال موقعیت فروش باشید.

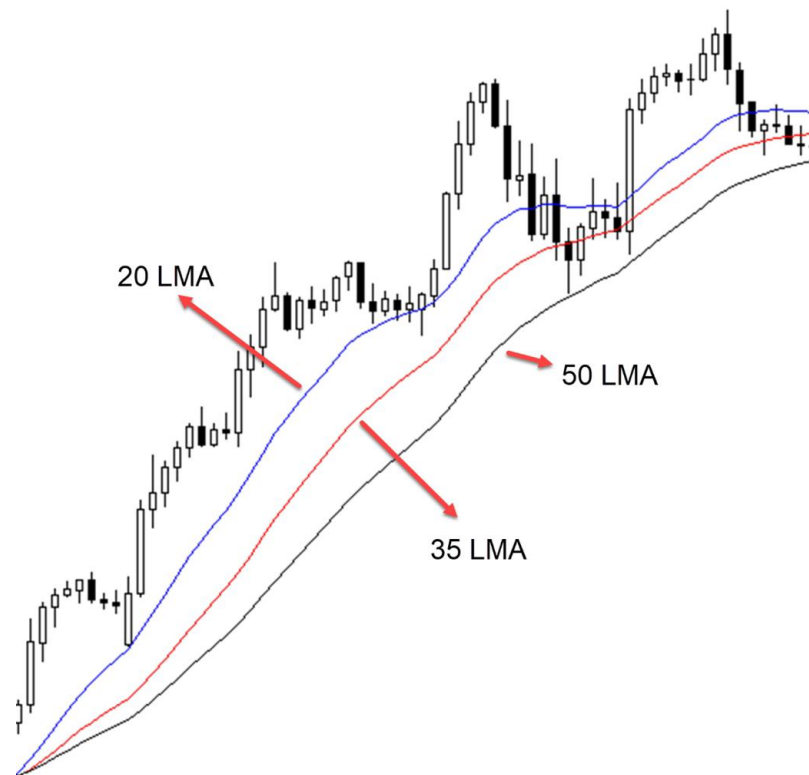
اینکه از کدام میانگین متحرک استفاده شود، تا حد زیادی به سلیقه معامله‌گر بستگی دارد. برخی از معامله‌گران ممکن است SMA ۲۰۰ را ترجیح دهند، در حالی که برخی دیگر به SMA ۵۰ یا SMA ۳۰ توجه میکنند. هیچ پیشنهاد ثابتی در مورد اینکه کدام SMA باید استفاده شود وجود ندارد.

مجموعه میانگین‌های متحرک مورد علاقه من:

به منظور تأیید روند بازار، من یک مجموعه از میانگین‌های متحرک کوتاه‌تر را ترجیح میدهم، به شرح زیر:

- میانگین متحرک وزنی خطی ۲۰ (LMA ۲۰)
- میانگین متحرک وزنی خطی ۳۵ (LMA ۳۵)
- میانگین متحرک وزنی خطی ۵۰ (LMA ۵۰)

اصل: اگر ۲۰ LMA بالاتر از ۳۵ LMA و ۵۰ LMA باشد، و ۳۵ LMA در وسط قرار داشته باشد، احتمالاً روند صعودی است. در این حالت، من به دنبال ورود به موقعیت خرید (long) هستم. این در تصویر زیر نشان داده شده است.



اگر ۲۰ LMA پایین‌تر از ۳۵ LMA و ۵۰ LMA باشد، و ۳۵ LMA در وسط قرار داشته باشد، احتمالاً خرس‌ها کنترل را به دست میگیرند. در این حالت، من به دنبال ورود به موقعیت فروش (short) هستم. بیا ببینیم به نمودار زیر نگاهی بیندازیم.



اگر میانگین‌های متحرک درهم باشند و در هیچیک از شرایط فوق قرار نگیرند، ممکن است از ابزارهای دیگر برای کمک گرفتن استفاده کنم، یا فقط منتظر بمانم تا یک جهت واضح ظاهر شود.

اهمیت بازه زمانی طولانی‌تر

اکنون اطلاعات اولیه‌ای در مورد نحوه شناسایی روند فعلی دارید. اگر روندی در حال شکل‌گیری باشد و شما آن را با موفقیت شناسایی کنید، نیمی از راه یک معامله خوب را طی کرده‌اید. تعیین روند از اهمیت بالایی برخوردار است. با این حال، ممکن است برای معامله‌گران دشوار باشد زیرا گاهی اوقات نمودار چیزی جز تلاطم به شما نشان نمیدهد. در این موارد، برای داشتن تصویر واضح‌تری از بازار، باید به یک بازه زمانی طولانی‌تر بروید.

هر زمان که در مورد روند سردرگم شدید، آن را در یک بازه زمانی طولانی‌تر مشاهده کنید. در نمودار یک ساعته زیر، ممکن است فکر کنید که یک بازار محدود به دامنه است.



برای تأیید آن، به بازه زمانی چهار ساعته زیر نگاه کنید.



اکنون باید اطمینان بیشتری برای تأیید صعودی بودن روند داشته باشید.

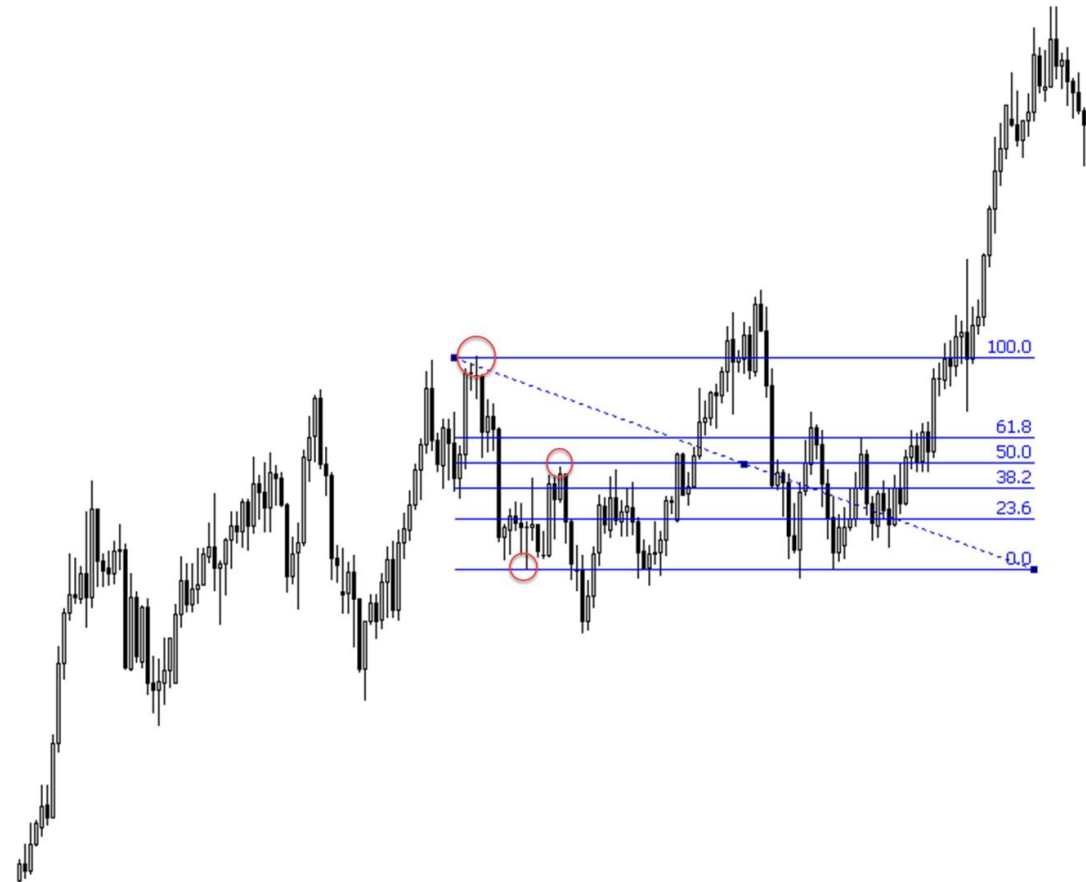
بیایید به چند مثال دیگر برویم که در آنها میتوانید ببینید چرا سیگنال‌های بازه زمانی طولانی‌تر بسیار سودمند هستند.

در زیر نمودار یک ساعته جفت ارز دلار استرالیا به دلار آمریکا (AUD/USD) نشان داده شده است.



به نظر میرسید شرایط برای ورود به موقعیت فروش (short) مساعد است، جایی که قیمت پس از یک نوسان نزولی تقریباً در سطح ۵۰ درصد بازگشت کرد.

برای تأیید، بیایید به یک بازه زمانی طولانی‌تر برویم. در زیر نمودار چهار ساعته همان جفت ارز نشان داده شده است.



همانطور که می‌بینید، اوضاع در نمودار چهار ساعته بسیار متفاوت است. گرفتن موقعیت فروش (short) ممکن است شما را در معرض خطر قرار دهد زیرا روند اصلی صعودی بود. روند نزولی ظاهری که در نمودار یک ساعته دیدیم، صرفاً بخشی از یک اصلاح بود.

در اینجا برخی مفاهیم فنی با سطوح فیبوناچی ترسیم شده روی نمودار وجود دارد که ممکن است برای شما به عنوان یک معامله‌گر گیج‌کننده باشد. نگران نباشید؛ آنها در فصل‌های بعدی به تفصیل شرح داده خواهند شد. تصاویر بالا فقط برای نشان دادن این ایده هستند که یک بازه زمانی طولانی‌تر به شما در شناسایی روند بازار کمک بهتری خواهد کرد.

فصل ۳: سطوح بازگشتی فیبوناچی

در فصل قبل، شما با محبوب‌ترین سطوح بازگشتی (۲۳.۶ درصد، ۳۸.۲ درصد، ۵۰ درصد، ۶۱.۸ درصد، ۷۸.۶ درصد) آشنا شدید. در این فصل، خواهید آموخت که چگونه سطوح بازگشتی فیبوناچی را به درستی ترسیم کنید و چگونه می‌توانید سطوح ورود و حد ضرر را بر اساس تحلیل این سطوح شناسایی کنید.

کاربرد سطوح بازگشتی فیبوناچی

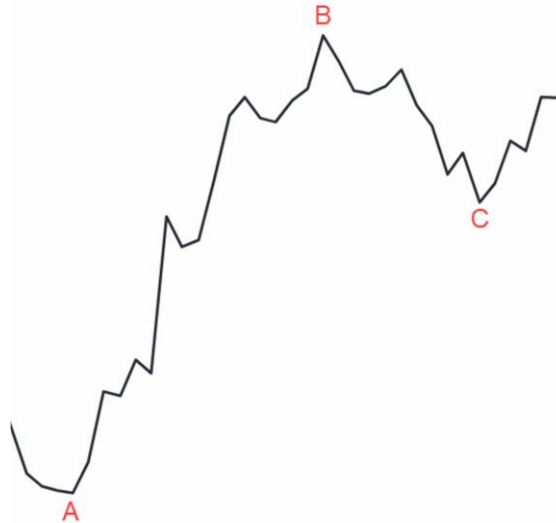
سطوح بازگشتی فیبوناچی عمدتاً برای تعیین سطوح حمایت و مقاومت استفاده میشوند. در مقطعی، همبستگی بین عرضه و تقاضای بازار ممکن است تغییر کند و طرف غالب ممکن است در مسیر خود قدرت از دست بدهد. بازار ممکن است قبل از ادامه روند کلی خود، شاهد برخی اصلاحات باشد. در یک روند صعودی، می‌توانید در یک اصلاح به سمت پایین تا یک سطح حمایت کلیدی، زمانیکه قیمت تا یکی از سطوح مقاومت کلیدی اصلاح میشود، موقعیت خرید (long) باز کنید، در حالیکه در یک روند نزولی، ممکن است به دنبال موقعیت فروش (short) باشید.

چگونه سطوح بازگشتی را ترسیم کنیم؟

تاکنون نشان داده‌ایم که در یک بازار رونددار، قیمت به ندرت مستقیماً به سمت بالا یا پایین حرکت میکند. در واقع، حرکات آن اغلب برای ایجاد اوج‌های بالاتر و کف‌های بالاتر، یا بالعکس، عمل میکنند.

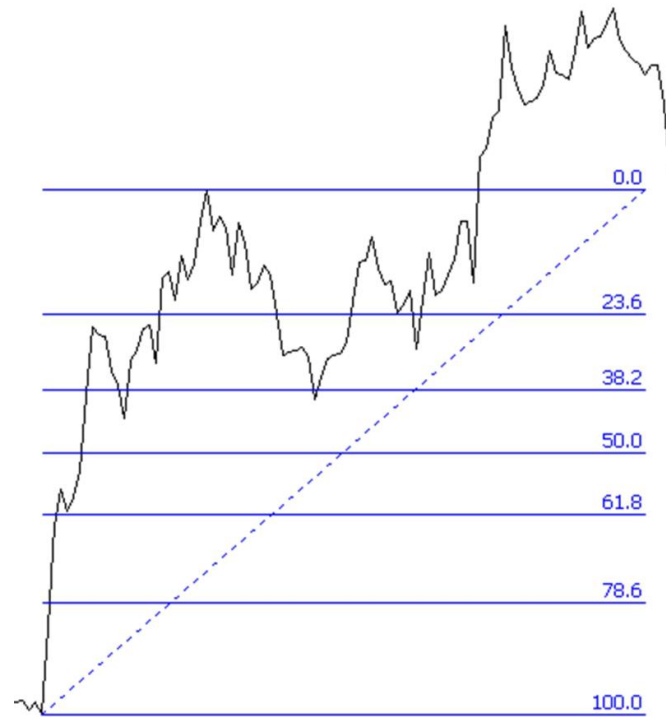
به عبارت دیگر، قیمت در اشکال زیگزاگی حرکت میکند که اغلب به عنوان نوسان یا موج شناخته میشوند. ترسیم سطوح بازگشتی فیبوناچی بر روی نمودار معاملاتی نیازمند دانش واضحی در مورد اوج و کف نوسان است.

ابتدا، باید یک حرکت نوسانی در جهت روند کلی (از A به B) شناسایی کنیم. پس از نوسان اصلی، باید یک اصلاح در جهت مخالف تا نقطه C وجود داشته باشد. نقطه C باید بین نقاط A و B قرار گیرد. در نموداری که یک روند صعودی را نشان میدهد، ممکن است به این شکل باشد:



در زیر چهار مرحله اساسی برای ترسیم صحیح سطوح بازگشتی فیبوناچی آورده شده است:

۱. مشخص کنید که آیا ساختار بازار واضحی وجود دارد (شکل‌های زیگزاگی بزرگ).
 ۲. روند کلی (صعودی یا نزولی) را شناسایی کنید.
 ۳. اوج و کف نوسان اصلی اخیر را تعیین کنید.
 ۴. دو نقطه انتهایی A و B را به هم وصل کنید (از بالاترین به پایین‌ترین نقطه در طول یک روند نزولی، و از پایین‌ترین به بالاترین نقطه در طول یک روند صعودی).
- بیاپید به سطوح بازگشتی فیبوناچی ترسیم شده بر روی یک نمودار صعودی نگاه کنیم.

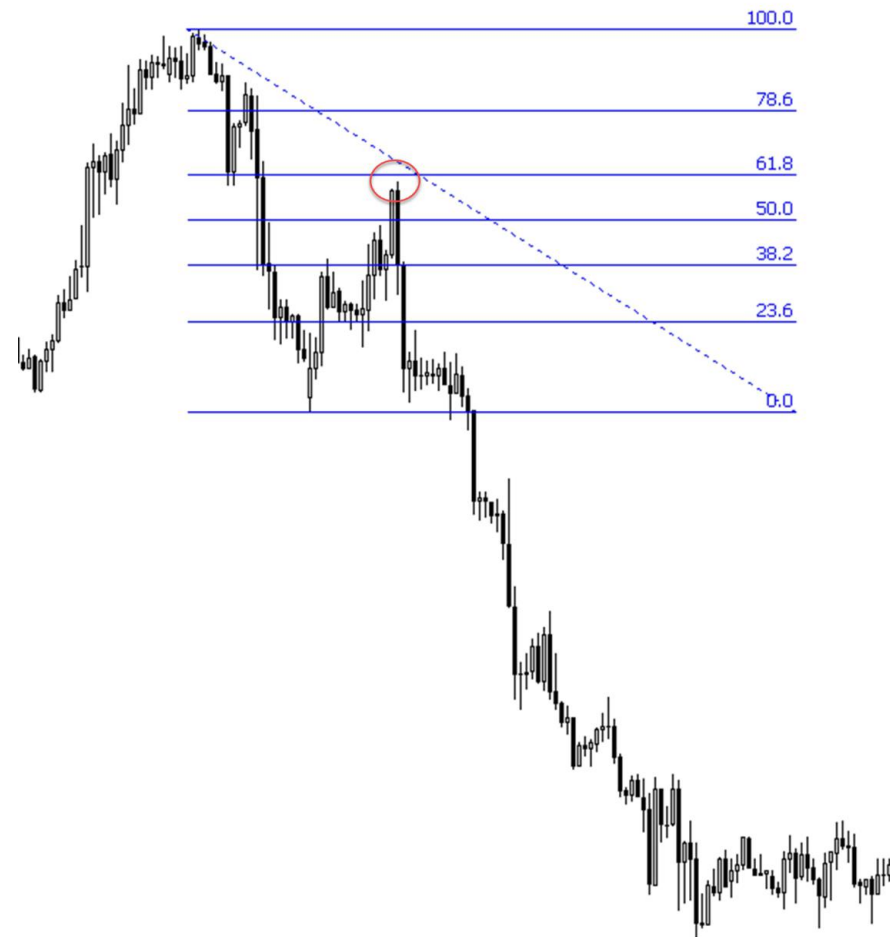


آیا قیمت باید سطح بازگشتی را لمس کند؟

برخی از معامله‌گران ممکن است سطوح ترجیحی خود را داشته باشند که فکر میکنند بازار اغلب به آنها بازگشت میکند، مانند ۶۱.۸ درصد یا ۳۸.۲ درصد از نوسان قبلی. تجربه آنها در معاملات و روندهای متعدد ممکن است باعث شود که از این سطوح به طور سفت و سخت استفاده کنند. با این حال، بازگشت ممکن است کمی کم عمق تر یا عمیق تر از سطح دقیق فیبوناچی باشد، و همچنان یک حرکت معتبر است.

همه ما باید برای آن زمان‌ها آماده باشیم تا فرصت‌های خوب را از دست ندهیم.

به نمودار دلار آمریکا/فرانک سوئیس (USD/CHF) در زیر نگاه کنید.



همانطور که میبینیم، یک روند نزولی غالب وجود داشت. سپس اصلاح شروع شد، جایی که به نظر میرسید قیمت سطح بازگشتی ۶۱.۸ درصد را لمس خواهد کرد، اما این اتفاق نیفتاد. با این حال، این همچنان یک اصلاح معتبر بود. پس از بازگشت، قیمت به شدت به روند اصلی خود بازگشت.

سطوح بازگشتی فیبوناچی بین ۰ تا ۱۰۰ درصد

همانطور که قبلاً اشاره کردم، استفاده از برخی از رایج‌ترین سطوح بازگشتی فیبوناچی بیش از اندازه کافی است. نمی‌گویم که سطوح دیگر بی‌فایده یا غیر مؤثر هستند. شما می‌توانید از سطوح بیشتری استفاده کنید، اما در مرحله شروع، ممکن است بخواهید آن را ساده نگه دارید و تصمیمات خود را بر اساس برخی از سطوح نشان داده شده در زیر بنا کنید. با گذشت زمان، وقتی تجربه بیشتری کسب کردید، تصمیم خواهید گرفت که کدام یک مهم‌ترین هستند و کدام یک را ترجیح می‌دهید استفاده کنید. بر این اساس، این سطوح را در نظر بگیرید:

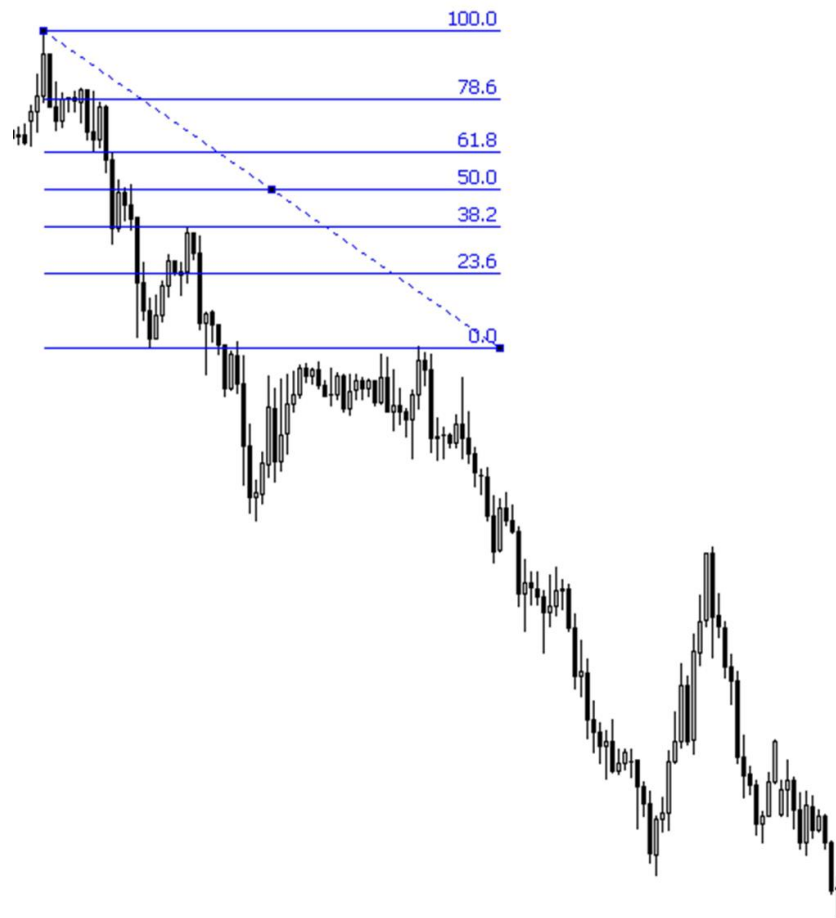
- ۲۳.۶ درصد
- ۳۸.۲ درصد
- ۵۰ درصد
- ۶۱.۸ درصد
- ۷۸.۶ درصد

استفاده از فیبوناچی برای تعیین قدرت بازار

بر اساس تجربه من، هرچه بازگشت‌ها کم‌عمق‌تر باشند، روند کلی قوی‌تر است. یک پولبک کم‌عمق اغلب در حوالی سطوح ۲۳.۶ درصد و ۳۸.۲ درصد ظاهر می‌شود. طبیعتاً، پولبک‌های کم‌عمق معمولاً در یک بازار با روند بسیار قوی دیده می‌شوند. هنگامی که یک بازار به شدت در یک جهت حرکت می‌کند، ما اغلب حمایت کافی در پشت حرکت مخالف نمی‌بینیم. به عبارت دیگر، اگرچه طرف غالب در حال از دست دادن قدرت است، طرف مقابل به اندازه کافی قوی نیست که یک اصلاح قابل توجه ایجاد کند. بنابراین، احتمال بسیار زیاد است که روند در جهت اصلی خود ادامه یابد. با این حال، نمیتوانیم این واقعیت را انکار کنیم که یک بازگشت به سطح ۶۱.۸ درصد (یا حتی ۷۸.۶ درصد) ممکن است همچنان یک روند بسیار قوی را بعداً تحریک کند.

بازگشت‌های کم‌عمق را از نزدیک تماشا کنید زیرا احتمالاً بعداً سوار یک روند قوی خواهید شد. با یک روند بسیار قوی و یک بازگشت کم‌عمق (مانند ۲۳.۶ درصد یا ۳۸.۲ درصد)، میتوانید به دنبال راه‌هایی برای ورود به معامله باشید که احتمال ضررهای بزرگ را کاهش میدهد. در فصل ۶ و فصل ۷ به تفصیل به این موارد خواهیم پرداخت.

به نمودار پوند انگلیس به ین ژاپن (GBP/JPY) در زیر نگاه کنید.



توجه کنید که چگونه قیمت قبل از یک فروش قوی، سطح ۳۸.۲ درصد را لمس کرد. در این حالت، یک بازگشت کم‌عمق، سیگنالی برای یک جهش سریع و قوی به جهت اصلی بود.

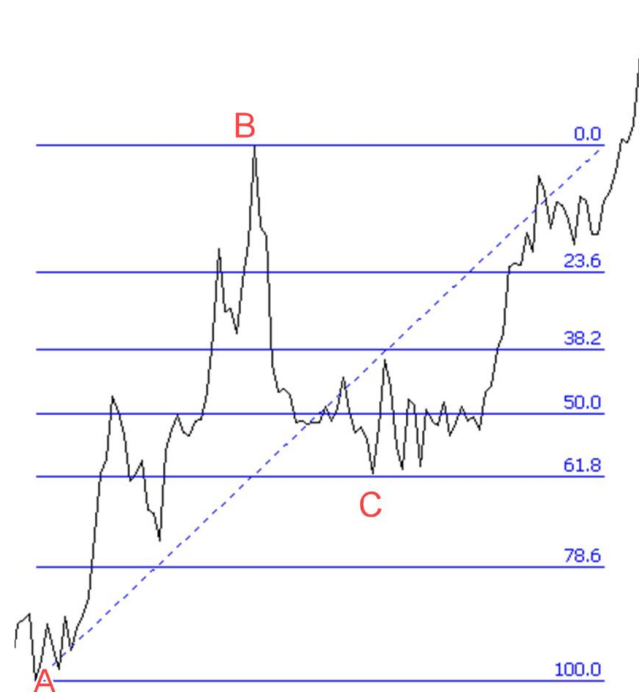
شناسایی نقطه ورود

هنگامی که میدانید چگونه خطوط بازگشتی را ترسیم کنید، میتوانید معامله‌ای را با قیمت بهتری باز کنید.

اما چه زمانی باید وارد معامله شوید؟

این بزرگترین چالش پس از ترسیم صحیح سطوح بازگشتی است. میتوانید راهنمایی‌های دقیق‌تری در مورد ورود به معامله در فصل ۶ و فصل ۷ بیابید. اما قبل از رفتن به آن فصل‌ها، مهم است که برخی از گزینه‌های اساسی خود را هنگام نزدیک شدن قیمت به سطوح بازگشتی درک کنید.

بیایید به نمودار زیر نگاه کنیم.



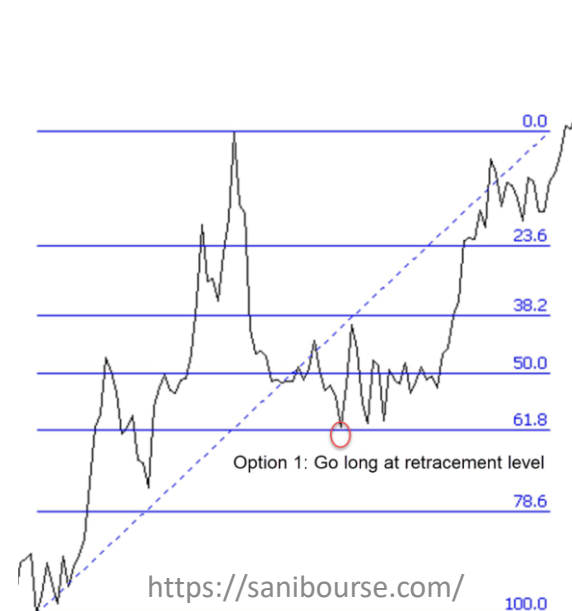
برای ساده‌سازی، ما از یک نمودار خطی استفاده میکنیم. با این حال، در معاملات واقعی خود، به جای آن از نمودار شمعی استفاده کنید. نمودار شمعی همیشه جزئیات بیشتری نسبت به نمودار خطی ارائه میدهد.

واضح است که یک روند صعودی غالب بود. پس از یک حرکت نوسانی از A به B، یک اصلاح قوی به C رخ داد. در این سناریو، ما منتظر یک موقعیت خرید (long) هستیم زیرا روند کلی صعودی بود.

اکنون دو گزینه برای باز کردن یک موقعیت داریم.

گزینه ۱: معامله‌گری تهاجمی

در این حالت، شما مایل به پذیرش ریسک بالا در ازای بازده احتمالی بزرگ هستید. هنگامی که قیمت (تقریباً) به سطح ۶۱.۸ درصد میرسد، یک موقعیت خرید باز میکنید. سطح ۶۱.۸ درصد اغلب یک سطح روانی در نظر گرفته میشود؛ از این رو، در بسیاری از موارد، قیمت ممکن است این سطح را لمس کند (یا اگر طرف مقابل بسیار قوی باشد، تقریباً لمس کند) و معکوس شود.



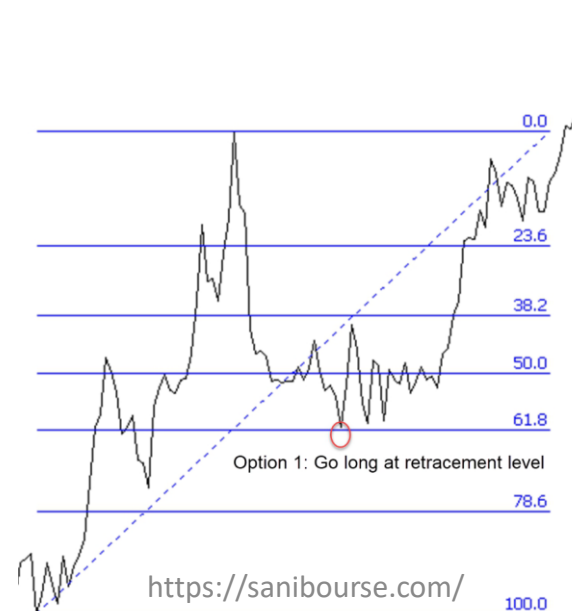
برای ساده‌سازی، ما از یک نمودار خطی استفاده میکنیم. با این حال، در معاملات واقعی خود، به جای آن از نمودار شمعی استفاده کنید. نمودار شمعی همیشه جزئیات بیشتری نسبت به نمودار خطی ارائه میدهد.

واضح است که یک روند صعودی غالب بود. پس از یک حرکت نوسانی از A به B، یک اصلاح قوی به C رخ داد. در این سناریو، ما منتظر یک موقعیت خرید (long) هستیم زیرا روند کلی صعودی بود.

اکنون دو گزینه برای باز کردن یک موقعیت داریم.

گزینه ۱: معامله‌گری تهاجمی

در این حالت، شما مایل به پذیرش ریسک بالا در ازای بازده احتمالی بزرگ هستید. هنگامی که قیمت (تقریباً) به سطح ۶۱.۸ درصد میرسد، یک موقعیت خرید باز میکنید. سطح ۶۱.۸ درصد اغلب یک سطح روانی در نظر گرفته میشود؛ از این رو، در بسیاری از موارد، قیمت ممکن است این سطح را لمس کند (یا اگر طرف مقابل بسیار قوی باشد، تقریباً لمس کند) و معکوس شود.



به خاطر داشته باشید که سطح ۶۱.۸ درصد فقط برای اهداف آموزشی است. در برخی موارد، اگر تحلیل شما نشان می‌دهد که قیمت ممکن است در سطوح دیگر بازگشت کند، میتوانید انتخاب کنید که معامله را در آن سطوح باز کنید.

این نوع معامله‌گری خطرناک محسوب میشود. به یاد داشته باشید که قیمت ممکن است به یک اوج جدید جهش نکند. شما نمیدانید که آیا بازار اصلاح عمیق‌تری خواهد داشت یا خیر. استفاده از این گزینه معاملاتی ممکن است باعث اضطراب شدید معامله‌گران شود.

یکی از مزایای این روش این است که اگر بازار طبق انتظار شما پیش برود، ممکن است سودهای هنگفتی کسب کنید.

گزینه ۲: معامله‌گری محافظه‌کارانه با استفاده از سیگنال‌ها/محرک‌های تأیید

در این روش، معامله خود را همراه با سایر سیگنال‌ها و محرک‌های تأیید اجرا خواهید کرد که احتمال موفقیت را به نفع شما بیشتر میکنند.

همچنان با استفاده از مثال قبلی، اگر میبینید که احتمالاً سطح ۶۱.۸ درصد، سطح بازگشتی است که ممکن است از آن جهش به بالا رخ دهد، باید برای گرفتن موقعیت خرید (long) آماده شوید.

با این حال، برخلاف حالت اول، شما منتظر محرک‌های تأیید میمانید.

در واقع، الگوهای فیبوناچی بهترین استفاده را در ترکیب با الگوهای کندل استیک و اندیکاتورها دارند.

انتظار برای محرک‌های تأیید به معنای انتظار برای واکنش قیمت در سطوح فیبوناچی است. از بهترین واکنش‌ها برای ورود میتوان به شکست قیمت (بریک‌آوت) یا یک الگوی کندل استیک (الگوی پوششی، پین بار یا سقف/کف دوقلو و غیره) اشاره کرد.

هنگامی که یک سیگنال تأیید وجود دارد، شما موقعیت خرید (long) باز میکنید. به خاطر داشته باشید که سیگنال‌های تأیید همیشه ۱۰۰ درصد درست نیستند و سودآوری معاملات را نیز تضمین نمیکند. با این حال، هنگامی که بسیاری از اندیکاتورها در یک جهت اشاره میکنند، میتوانید ایده خوبی از جهت حرکت قیمت به دست آورید.

کدام یک بهتر است؟

برخی از معامله‌گران ممکن است به نفع گزینه اول باشند تا سود بالقوه را به حداکثر برسانند. آن‌ها استدلال میکنند که روش دوم ممکن است قیمت ورود بدتری به آن‌ها بدهد که سودشان را کاهش میدهد.

با این حال، اگر به اندازه کافی صبور باشید، در افزایش احتمال موفقیت به نفع خود بهتر عمل میکنید. دلیلش این است:

- همانطور که بحث کردیم، فیبوناچی ۱۰۰ درصد مواقع کار نمیکند. اگر شک دارید که آیا بازار به سطح فیبوناچی احترام میگذارد یا خیر، باید منتظر تأییدیه قابل اعتماد از سایر ابزارها و سیگنال‌ها باشید.
 - اگرچه سطوح فیبوناچی اغلب مورد احترام بازار قرار میگیرند، اما انتخاب یک سطح ورود ایده‌آل در عین اطمینان از مدیریت سرمایه خوب، به دلیل فاصله زیاد بین سطوح میتواند دشوار باشد. با داشتن محرک‌های تأیید، معامله‌گران میتوانند به راحتی حد ضرر مطلوب‌تری قرار دهند و یک نسبت ریسک به پاداش بهتر تنظیم کنند.
- هر معامله‌گر قبل از تصمیم‌گیری در مورد اینکه کدام روش برای او بهترین کارایی را دارد، باید چندین بار تمرین کند. روشی که معامله‌گران انتخاب میکنند تا حد زیادی به مهارت‌های معاملاتی، قدرت ذهنی، سبک‌های معاملاتی و موارد دیگر آن‌ها بستگی دارد. به نظر من، معامله با حداقل یک سیگنال تأیید (غیر از فیبوناچی) چیزی است که من بیشتر اوقات انتخاب میکنم.

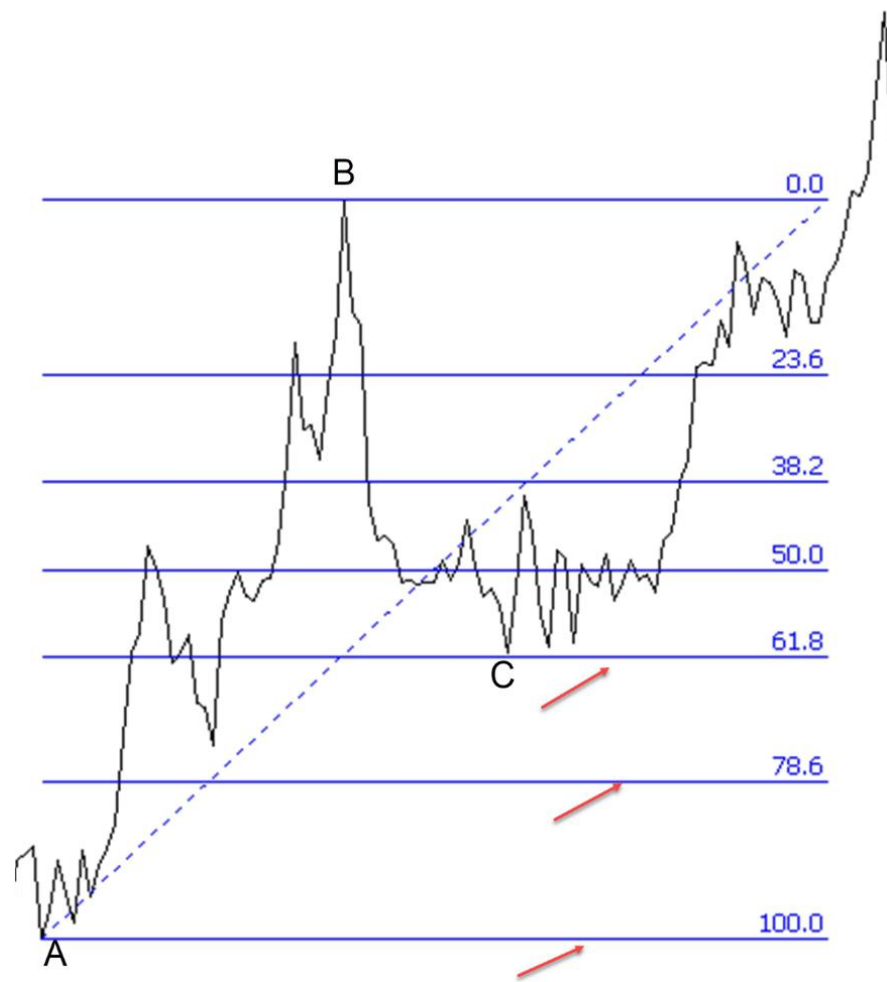
در فصل‌های بعدی، به تفصیل شرح خواهیم داد که چه زمانی و کجا با ترکیب فیبوناچی و ابزارهای مختلف، موقعیت خود را باز کنید.

قرار دادن حد ضرر

قرار دادن حد ضرر در معامله‌گری با فیبوناچی کمی دشوار است. معامله‌گرانی که از فیبوناچی در ترکیب با الگوهای کندل استیک یا اکشن قیمت استفاده میکنند، ممکن است حد ضرر تنگ‌تری را برای بهره‌مندی از نسبت ریسک به پاداش خوب ترجیح دهند. در حالیکه نمیتوان نقش آن را در تضمین یک مزیت برد بلندمدت انکار کرد، معامله‌گری به این روش به دلیل نوسانات بازار نیز میتواند خطرناک باشد.

اکنون، بیایید به سطوح بازگشتی فیبوناچی مراجعه کنیم تا برخی از مکان‌های بالقوه برای حد ضرر را ببینیم.

ابتدا فرض کنید که شما یک موقعیت خرید (long) پس از اصلاح به نقطه C در نمودار زیر باز کرده‌اید. دستور حد ضرر را کجا باید قرار دهید؟



سه گزینه برای انتخاب وجود دارد:

- گزینه اول، درست زیر سطح ۶۱.۸ درصد: این تنگ‌ترین حد ضرر است و بهترین نسبت ریسک به پاداش را ارائه می‌دهد. با این حال، همانطور که در بالا اشاره کردم، میتواند تحت تأثیر نوسانات بازار قرار گیرد.
 - گزینه دوم، درست زیر سطح ۷۸.۶ درصد: ایمن‌تر به نظر میرسد؛ با این حال، در طول یک بازار بسیار پرنوسان، این سطح حد ضرر نیز ممکن است فعال شود. نسبت ریسک به پاداش به خوبی گزینه اول نیست.
- این دو روش تنظیم حد ضرر هستند که مورد ترجیح بسیاری از معامله‌گران قرار دارند. در حالیکه در بسیاری از موارد میتواند ایده‌آل باشد، موقعیت‌های خاصی وجود دارد که آنها شاهد فعال شدن حد ضرر خود هستند در حالیکه تحلیل قبلی آنها همچنان درست از آب در می‌آید.
- گزینه سوم، درست زیر سطح ۱۰۰ درصد. این روش قرار دادن حد ضرر به معامله شما فضای بیشتری برای تنفس در میان نوسانات می‌دهد. شکست زیر این سطح به این معنی است که معامله شما یک بازنده است. با این حال، این روش میتواند منجر به برخی نسبت‌های ریسک به پاداش نامطلوب شود زیرا ممکن است حد ضرر گسترده‌ای داشته باشید که متناسب با پاداش بالقوه شما نباشد. علاوه بر این، اگر اندازه موقعیت خود را حفظ کنید در حالیکه یک حد ضرر گسترده تنظیم میکنید، ممکن است متحمل ضرر بزرگی شوید، به خصوص زمانی که موقعیت خود را در یکی از سطوح اولیه فیبوناچی باز می‌کنید.

کدام یک بهتر است؟

به نظر من، هیچ یک از این سه گزینه برتر نیست. شناسایی حد ضرر به شدت به هر وضعیت بازار، شکل‌گیری کندل استیک‌ها، تمایل به ریسک‌پذیری و موارد دیگر بستگی دارد. بهتر است از دانش خود در مورد این عناصر برای تجزیه و تحلیل هر محیط معاملاتی برای انتخاب یک سطح حد ضرر قابل اعتماد استفاده کنید.

در معامله‌گری، قرار دادن حد ضرر یک امر قطعی نیست و معامله‌گران نباید صرفاً به خطوط فیبوناچی به عنوان مبنایی برای قرار دادن حد ضرر تکیه کنند. با این حال، اگر بتوانید بسیاری از عناصر معاملاتی از جمله ابزارهای فیبوناچی را ترکیب کنید، به معامله خود شانس موفقیت بیشتری بدهید، که با یک نقطه ورود و حد ضرر مناسب شروع میشود.

یک نکته آخر: اگر از من بپرسید که کدام گزینه از این سه روش را بیشتر در معاملات خود استفاده میکنم، می‌گویم گزینه اول و دوم.

فصل ۴: سطوح پروجکشن فیبوناچی

در فصل قبل، برخی از روش‌های انتخاب نقطه ورود و همچنین سطح حد ضرر را معرفی کردیم.

در این فصل، با سطوح پروجکشن فیبوناچی آشنا خواهید شد و خواهید آموخت که چگونه از آنها برای تعیین نقطه خروج خود استفاده کنید. این ابزار عالی پاسخ مهم‌ترین و در عین حال دشوارترین وظیفه یک معامله‌گر را ارائه می‌دهد: کجا و چه زمانی سود کسب کنید.

تکنیک خروج

برای روشن‌تر شدن موضوع، ابزارهای پروجکشن فیبوناچی که در این فصل مورد بحث قرار می‌دهیم شامل امتدادهای فیبوناچی (Fib extensions) و انبساط‌های فیبوناچی (Fib expansions) میشوند. بسیاری از افراد به پروجکشن‌ها به عنوان انبساط اشاره میکنند، که از نظر نحوه ترسیم با امتدادها متفاوت هستند. این فقط نحوه نامیدن آنها توسط ما است و تأثیری بر نحوه معامله ما ندارد. در هر صورت، آنچه باید به خاطر بسپارید این است که دو روش برای پیش‌بینی سطوح قیمت با فیبوناچی برای تعیین اهداف احتمالی سود وجود دارد. تفاوت اصلی بین این دو روش در تعداد نقاط نوسانی است که برای ترسیم سطوح استفاده میکنیم. به طور خاص، در انبساط‌ها از سه نقطه نوسانی استفاده میکنیم، در حالیکه در امتدادها فقط به دو نقطه نیاز داریم. نگران نباشید زیرا فقط از دو نقطه برای ترسیم سطوح امتدادی فیبوناچی استفاده میشود. نکته مهمی که باید به آن توجه شود این است که هر دو ابزار پروجکشن به نسبت‌های جادویی فیبوناچی متکی هستند، بنابراین استفاده از یکی از این دو ابزار نباید تفاوت زیادی در سیگنال‌های معاملاتی منتشر شده ایجاد کند.

به زودی عمیق‌تر به تکنیک ترسیم خواهیم پرداخت، اما ابتدا، بیایید در مورد اهمیت پروجکشن‌های فیبوناچی صحبت کنیم.

چرا پروجکشن‌های فیبوناچی بسیار مهم هستند؟

یکی از مهم‌ترین مراحل در اجرای یک معامله، شناسایی قیمت سودگیری است. اگر مدت زیادی است که معامله میکنید، ممکن است احساس تلخ بستن معامله خود با ضرر یا در نقطه سر به سر به جای سود هنگفت مورد انتظار را تجربه کرده باشید. این میتواند به دلایل زیادی اتفاق بیفتد، اما بر اساس تجربه من، دلیل اصلی آن مربوط به عدم تعیین یک هدف سودگیری مناسب و منطقی توسط معامله‌گر است.

به یاد داشته باشید که سود جاری شما تا زمانی که معامله بسته نشود، محقق نخواهد شد. به عبارت دیگر، تا زمانی که معامله را نبندید و سود را برداشت نکنید، این فقط یک سود مجازی است. بازار دائماً در حال تغییر است. ممکن است اخبار مهمی منتشر شود، قیمت ممکن است برخلاف جهت شما حرکت کند، و در عرض چند دقیقه، ممکن است در حال محاسبه میزان ضرر خود باشید.

به همین دلیل بستن معاملات بسیار مهم است. به نظر من، بستن معاملات بسیار مهم‌تر از باز کردن آنها است. حتی یک معامله‌ای که به طور ضعیفی باز شده است، اگر در لحظه مناسب از آن خارج شوید، میتواند سودآور شود. سؤال این است که چه زمانی زمان مناسب است و کجا میتوانید سود کسب کنید؟

پروژکشن فیبوناچی میتواند به شما در یافتن پاسخ‌ها کمک کند.

چگونه یک پروژکشن قیمت فیبوناچی را ترسیم کنیم

با انبساط‌های فیبوناچی

برای تعیین دقیق یک انبساط موفق، به سه نقطه نیاز داریم.

این سه نقطه در طول یک بازار رونددار (یک روند صعودی یا یک روند نزولی)، یعنی A، B (نقاط انتهایی) و C (نقطه بازگشت) تعیین میشوند.

در زیر مراحل لازم برای ترسیم انبساط‌های فیبوناچی آورده شده است:

۱. روند کلی (صعودی یا نزولی) را شناسایی کنید.
۲. اوج‌ها و کف‌های نوسان اصلی اخیر را تعیین کنید.
۳. دو نقطه انتهایی A و B را به هم وصل کنید (از بالاترین به پایین‌ترین نقطه در طول یک روند نزولی و از پایین‌ترین به بالاترین نقطه در طول یک روند صعودی).
۴. نشانگر ماوس را نگه دارید و از اوج اصلی (در یک روند صعودی) و کف اصلی (در یک روند نزولی) به نقطه بازگشت (C) بکشید.

ابتدا، یک خط از A به B به صورت زیر ترسیم میکنیم.



سپس، روی نقطه B کلیک کنید، سپس نگه دارید و نشانگر ماوس را به نقطه C، جایی که اصلاح به پایان میرسد، حرکت دهید.



اکنون سطوح بالقوه‌ای را دارید که بازار ممکن است به آنها برسد. سه سطح محبوب عبارتند از ۶۱.۸ درصد، ۱۰۰ درصد و ۱۶۱.۸ درصد. طبق مثال زیر، خروج در سطح ۱۶۱.۸ درصد به گرفتن بیشتر حرکت کمک میکند.



معنای تارگت‌ها

به خاطر داشته باشید که سطوح انبساط از نقطه C محاسبه میشوند:

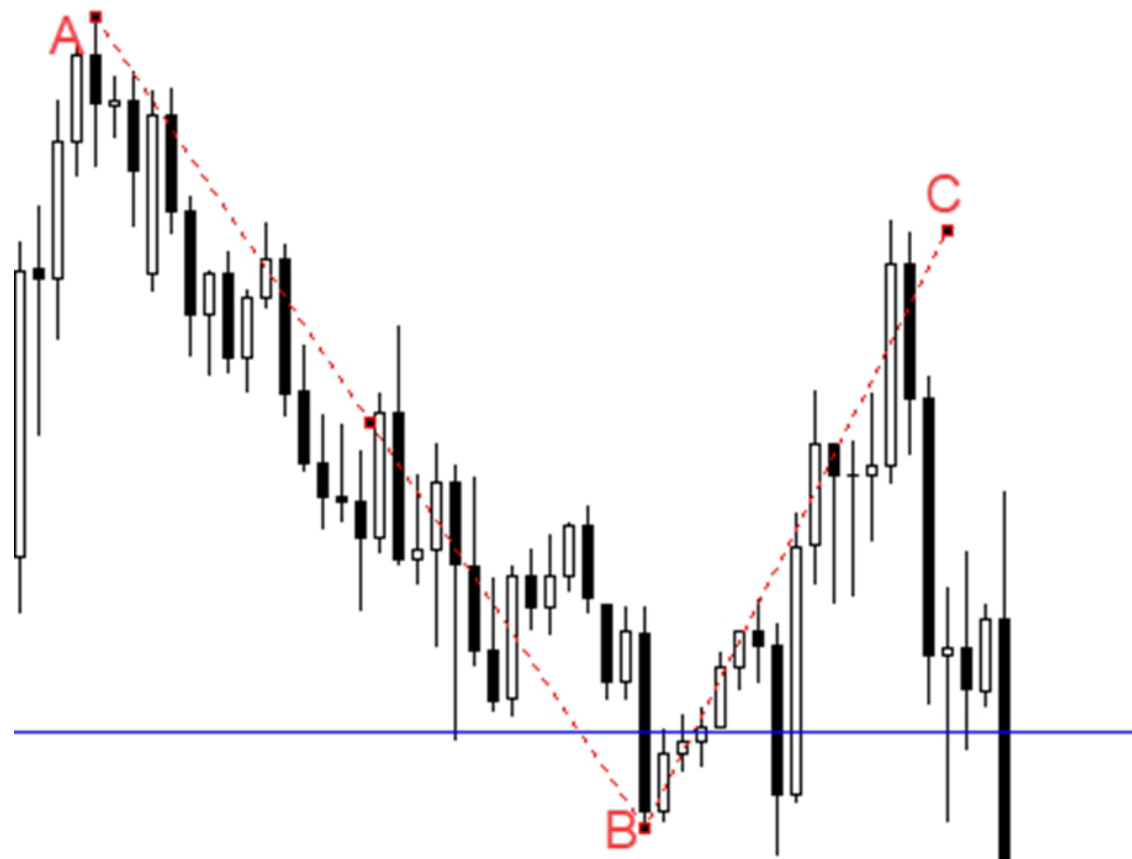
- تارگت ۶۱.۸ درصد، ۰.۶۱۸ برابر فاصله بین A و B است.
- تارگت ۱۰۰ درصد برابر با فاصله بین A و B است.
- تارگت ۱۶۱.۸ درصد، ۱.۶۱۸ برابر فاصله بین A و B است.

به همین دلیل در مثال بالا، تارگت اول (۶۱.۸ درصد) درست بالای نقطه B قرار دارد. قبل از اینکه روند از سر گرفته شود، یک اصلاح نسبتاً عمیق انجام شد.

در یک مثال دیگر، انبساطها را در یک روند نزولی ترسیم میکنیم. باید مطمئن شویم که روند نزولی قبل از شناسایی نوسان AB و اصلاح به C قوی است. ما با اتصال A و B شروع میکنیم.



سپس، روی B کلیک میکنیم و نشانگر ماوس را به C (جایی که اصلاح به پایان رسید) میکشیم.

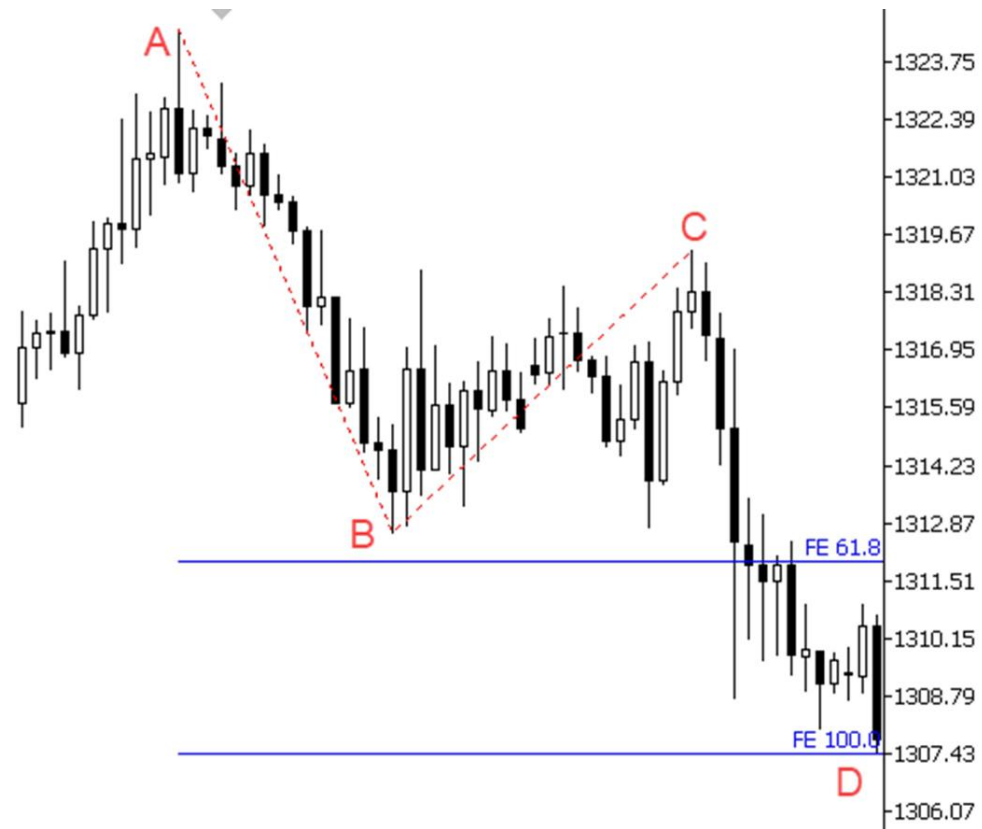


اکنون سطوح انبساط به درستی ترسیم شده‌اند. در این مثال، قیمت به شدت به سمت پایین حرکت کرد و سطح ۱۶۱.۸ درصد یک هدف عالی برای یک معامله موفق خواهد بود.



اکنون، بیایید به مثال دیگری پردازیم تا ببینیم چگونه انبساط‌های فیوناچی می‌توانند به عنوان حمایت و مقاومت به خوبی عمل کنند.

نمودار پیش‌بینی قیمت طلا (XAU/USD) در زیر، برخی از سطوح انبساط فیوناچی و همچنین نقطه بالقوه D را به عنوان هدف سود نشان می‌دهد. D به عنوان پیشروی یا انبساط ۱۰۰ درصدی از نقطه بازگشت C در جهت حرکت اصلی مشخص شده است. توجه داشته باشید که طول CD با طول AB یکسان است.



با نگاهی به تصویر بزرگتر نمودار، میتوانیم ببینیم که سطوحی وجود دارند که به عنوان حمایت یا مقاومت قوی عمل کرده‌اند. سطح انبساط ۶۱.۸ درصد از اهمیت بالایی برخوردار است.



برای مثال، یک معامله‌گر نزولی که اندکی پس از اوج نوسان در C موقعیت فروش باز میکند، ممکن است به خط انبساط ۶۱.۸ درصد به عنوان اولین نقطه خروج و به انبساط ۱۰۰ درصد به عنوان هدف سودگیری ثانویه نگاه کند. به خاطر داشته باشید که قیمت اغلب به شکل زیگزاگ حرکت میکند. پس از تأیید خستگی در انبساط ۱۰۰ درصد، تمرکز به سطح ۶۱.۸ درصد تغییر میکند. نمودار بالا نشان می‌دهد که قیمت قبل از یک فروش قوی، از این علامت جهش کرده است.

با نگاهی کمی دورتر، سطح ۱۶۱.۸ درصد نیز به همین شکل عمل کرد، زمانی که قیمت تقریباً آن را لمس کرد و به سمت پایین برگشت. اکنون میتوانید ببینید که چگونه سطوح انبساط فیبوناچی (۶۱.۸ درصد، ۱۶۱.۸ درصد) میتوانند هم به عنوان سطوح حمایت و هم مقاومت به خوبی عمل کنند. این نمونه‌ای از نظریه مشهور است که پس از شکسته شدن یک سطح حمایت، میتواند به عنوان یک سطح مقاومت قابل اعتماد عمل کند و بالعکس.

با امتدادهای فیبوناچی (اکستنشن‌ها)

مانند سطوح بازگشتی فیبوناچی، امتدادهای فیبوناچی فقط بر اساس دو انتهای نوسان ترسیم میشوند. در این حالت از نقطه C برای پروجکشن‌ها استفاده نمیشود. در زیر مراحل لازم برای ترسیم امتدادهای فیبوناچی آورده شده است:

۱. روند کلی (صعودی یا نزولی) را شناسایی کنید.
 ۲. اوج و کف نوسان اصلی اخیر را تعیین کنید.
 ۳. دو نقطه انتهایی A و B را به هم وصل کنید (از بالاترین به پایین‌ترین نقطه در طول یک روند نزولی، و از پایین‌ترین به بالاترین نقطه در طول یک روند صعودی). این فاصله بین A و B فاصله استاندارد است. بر این اساس، سطوح امتداد، فاصله اضافی اضافه شده به نقطه B را منعکس میکنند.
- برای مثال، سطح امتداد ۱۳۸.۲ درصد برابر با ۱.۳۸۲ برابر فاصله بین A و B است که از A محاسبه میشود.

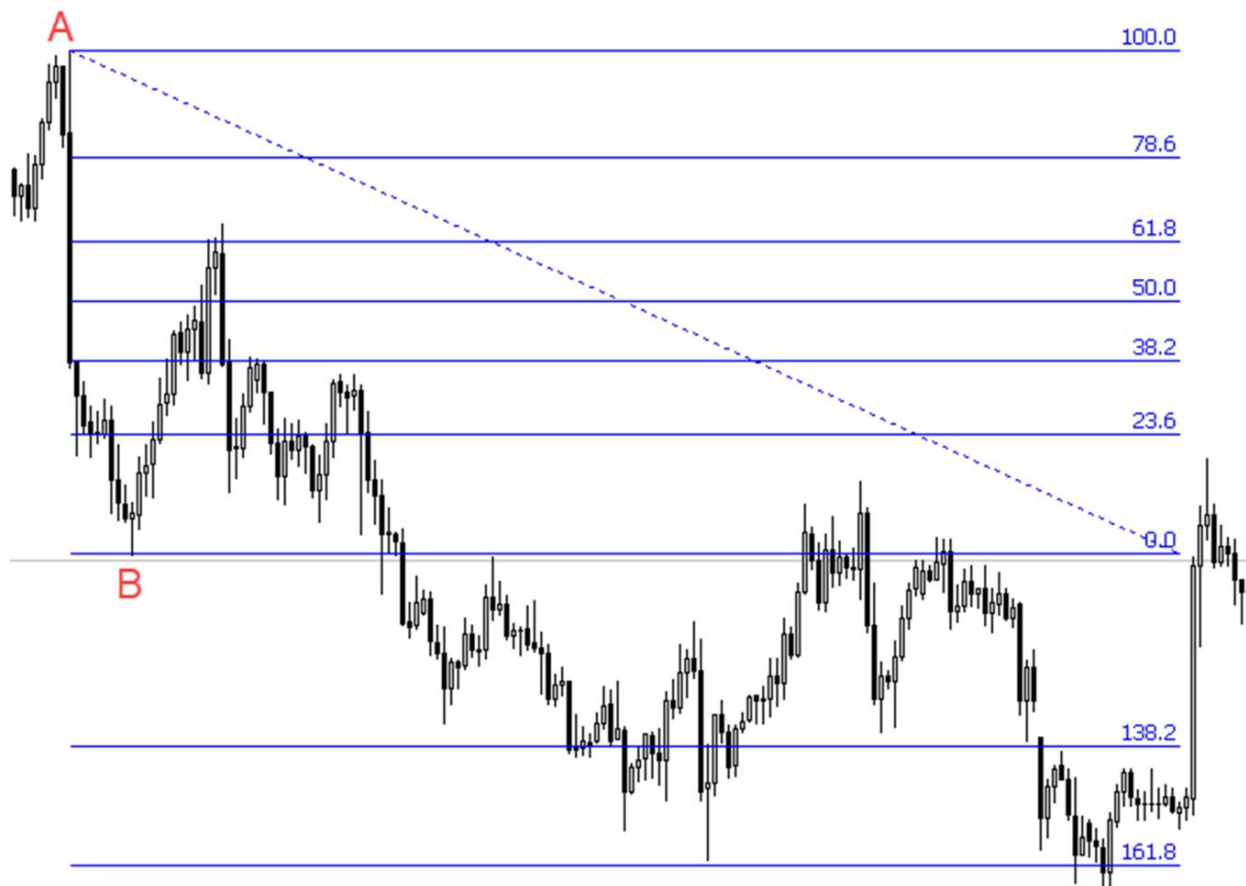


همانطور که میبینید، در این روش شناسایی امتدادها از نقطه C (جایی که اصلاح به پایان میرسد) استفاده نمیشود. برخی افراد ممکن است در صورت عدم استفاده از C به قابلیت اطمینان سیگنال شک کنند. با این حال، همانطور که قبلاً گفته شد، این امر تأثیر منفی بر تعیین دقیق سطوح حمایت و مقاومت ندارد. شخصاً، هنگام جستجوی پروجکشن‌های قیمت، امتدادها را به انبساطها ترجیح میدهم، عمدتاً به این دلیل که میتوانم امتدادها را با بازگشتی‌ها روی نمودار تنها با یک بار کشیدن نشانگر ماوس ترکیب کنم. در قسمت آخر این کتاب، یکترفند مفید برای ترکیب این دو ابزار روی یک نمودار به شما نشان خواهم داد تا بتوانید به راحتی تصویر بزرگتری از حرکات بازار را مشاهده کنید.



اصلاح در سطح بازگشتی ۶۱.۸ درصد به پایان رسید و قیمت با یک رالی قوی به سطح امتدادی ۲۰۰ درصد رسید.

در یک مثال دیگر از بازار با روند نزولی، میتوانیم یک اصلاح به سطح بازگشتی ۶۱.۸ درصد را نیز مشاهده کنیم. از آن نقطه، فروشندگان وارد عمل شدند و قیمت پس از چند اصلاح دیگر به سطح امتدادی ۱۶۱.۸ درصد کاهش یافت.



بعداً در این کتاب، مثال‌های بیشتری از معاملات با استفاده از هر دو سطح پروجکشن و بازگشتی فیبوناچی ارائه خواهم داد. در حال حاضر، مهم است که تفاوت جزئی بین امتدادها و انبساط‌های فیبوناچی را درک کنید.

انبساط‌ها: ۳ نقطه (A, B, C) برای شناسایی سطوح انبساط

امتدادها: ۲ نقطه (A, B) برای شناسایی سطوح امتداد

همانطور که در بالا بحث شد، ابزار مورد علاقه من امتدادهای فیبوناچی است. خواهید دید که در بسیاری از مثال‌های این کتاب، من عمدتاً از امتدادها استفاده می‌کنم. اگر انبساط‌های فیبوناچی را ترجیح می‌دهید، میتوانید آن را امتحان کنید و استراتژی‌های معاملاتی خود را بر اساس آن بسازید.

انتظار شما واقعاً مهم است

مهم است بدانید که هیچ چیز در معامله‌گری ۱۰۰ درصد قطعی نیست. شما نمیتوانید از قبل بدانید که قیمت کجا متوقف خواهد شد. سطوح پروجکشن باید به عنوان مکان‌هایی در نظر گرفته شوند که احتمال توقف یا حتی بازگشت قیمت در آن‌ها وجود دارد.

همچنین، مانند سطوح بازگشتی، امتدادها آهنگ را نیستند که قیمت را در آنجا نگه دارند.

در کتاب "معامله‌گری در منطقه" (Trading in the Zone)، نویسنده مارک داگلاس میگوید که آقای بازار به انتظارات، تحلیل‌ها یا احساسات هیچ معامله‌گری اهمیت نمیدهد. گاهی اوقات قیمت برای مدتی در سطوح امتداد متوقف میشود و سپس اگر روند به اندازه کافی قوی باشد، به حرکت خود ادامه میدهد. در موارد دیگر، حرکت ممکن است قبل از بازگشت، به سطوح امتداد برسد یا تقریباً به آن برسد. به همین دلیل است که معامله‌گران باید یاد بگیرند که واکنش قیمت را در سطوح امتداد (همراه با سایر ابزارها) قبل از تصمیم‌گیری‌های معاملاتی به دقت مشاهده کنند.

فصل ۵: قدرت همگرایی فیبوناچی

در فصل ۲، به اشتراک گذاشتم که چگونه استفاده از بیش از یک سیگنال برای اجرای معاملات شما می‌تواند به نفع شما باشد. در این فصل، به بحث در مورد نحوه تجزیه و تحلیل ورود به معامله بر اساس بیش از یک سیگنال ادامه می‌دهیم. تنها تفاوت این است که این سیگنال‌ها همگی از ابزارهای فیبوناچی می‌آیند. به آن همگرایی فیبوناچی می‌گویند.

همگرایی زمانی رخ می‌دهد که خطوط اصلاحی فیبوناچی را برای بیش از یک نوسان رسم کنید. نکته جالب این است که برخی از سطوح از تنظیمات مختلف فیبوناچی در مجاورت نزدیک یکدیگر در نمودار قیمت رخ می‌دهند، و این سطوح/مناطق را به نشانه‌ای قوی‌تر از حمایت/مقاومت تبدیل می‌کنند.

همگرایی می‌تواند بسیار مفید باشد، اما برای معامله‌گران جدید، استفاده مؤثر از آن بلافاصله آسان نیست. در این فصل، سعی خواهم کرد آن را به اندازه‌ای ساده کنم که همه معامله‌گران بتوانند در معاملات خود از آن استفاده کنند.

قبل از معامله با همگرایی فیبوناچی، باید با استفاده از سطوح اصلاحی و امتدادی فیبوناچی راحت باشید. باید بتوانید نوسان قیمت را برای تنظیم شبکه‌های فیبوناچی شناسایی کنید. اگر تجربه زیادی ندارید، نگران نباشید! با گذشت زمان، تجربه بیشتری در استفاده از اصلاح و امتداد به دست خواهید آورد.

قبلاً بحث کردیم که در یک بازار رونددار، قیمت اغلب به صورت زیگزاگ حرکت می‌کند. به شما نشان دادم که چگونه می‌توانید نوسان را برای رسم اصلاحات یا امتدادهای فیبوناچی انتخاب کنید. روندها بر اساس نوسانات مختلف زیادی ساخته می‌شوند. جالب اینجاست که برخی از نوسانات مختلف ممکن است سطوح اصلاحی فیبوناچی مشابهی ایجاد کنند که به حمایت/مقاومت بسیار قوی تبدیل می‌شوند.

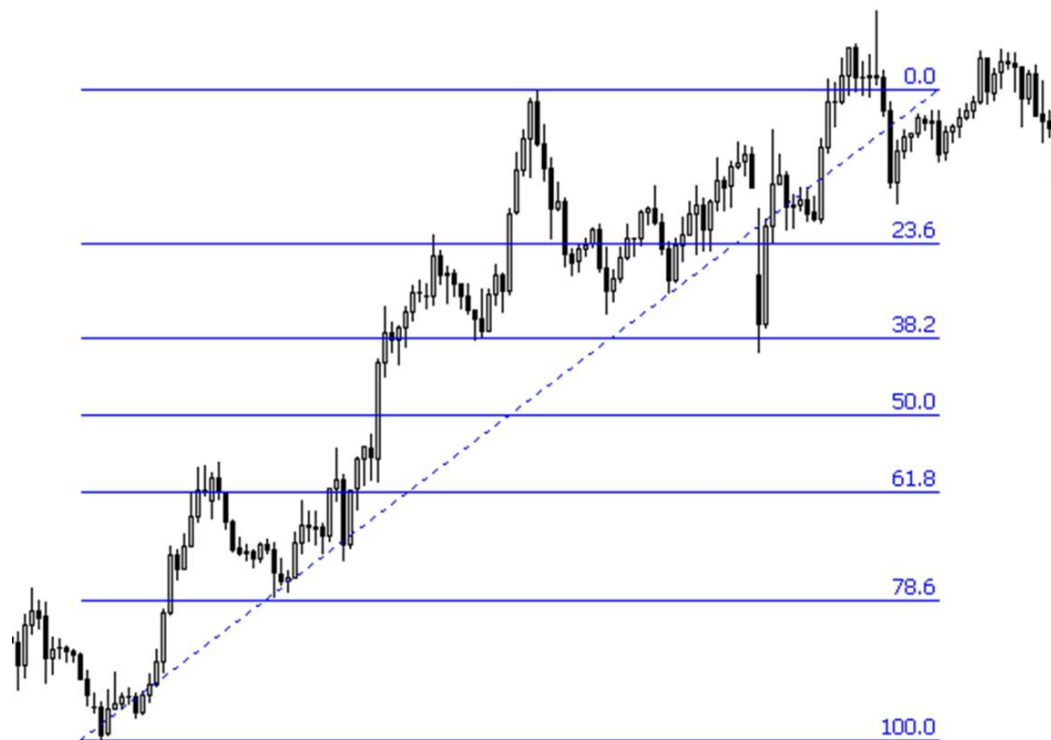
در مثال زیر، قیمت به سمت بالا حرکت میکند و سقف‌ها و کف‌های نوسانی ایجاد میکند. نوسانات خوبی برای انتخاب جهت اعمال اصلاحات فیوناچی وجود دارد.



در زیر یکی از روش‌های رسم خطوط اصلاحی نشان داده شده است.



همچنین، میتوانیم از سقف و کف نوسانی یک محدوده بزرگتر استفاده کنیم، جایی که قیمت تا سطح ۳۸.۲ درصد اصلاح می‌کند.



وقتی این دو خط اصلاحی فیوناچی را با هم قرار می‌دهیم، می‌بینیم که برخی از آنها در سطوح مشابهی قرار دارند.



متوجه خواهید شد که اولین سطح همگرایی، سطح ۶۱.۸ درصدی از محدوده بزرگ‌تر (BR) و سطح ۷۸.۶ درصدی از محدوده کوچک‌تر (SR) بود. سپس، دومین همگرایی بین سطح ۳۸.۲ درصدی (BR) و سطح ۵۰ درصدی (SR) ایجاد شد. قیمت یک سطح حمایت قوی پیدا کرد و از آن نقطه، روند صعودی ادامه یافت.

سطوح تلاقی فیبوناچی میتوانند در بسیاری از کاربردهای معاملاتی مفید باشند، از جمله یافتن نقاط ورود بهینه یا شناسایی سطوح هدف بالقوه برای بستن معاملات. همچنین میتوان از آنها در ترکیب با سطوح قیمت افقی کلیدی برای کمک به تعیین مناطق احتمالی بازگشت استفاده کرد. علاوه بر این، برخی از معامله‌گران ممکن است با ترکیب سطوح تلاقی فیبوناچی با الگوهای کندل استیک یا سایر ابزارهای تکنیکال، به دنبال سیگنال‌های قوی‌تری از بازار باشند.

علاوه بر این، درک این نکته ضروری است که هرچه تلاقی حول یک سطح سنگین‌تر باشد، احتمال جذب قیمت توسط آن سطح بیشتر است. به عنوان مثال، یک تلاقی فیبوناچی که از سه اندازه‌گیری جداگانه تشکیل شده باشد، سطح حمایت قوی‌تری را نسبت به سطحی که فقط از دو اندازه‌گیری فیبوناچی تشکیل شده است، نشان میدهد.

در نهایت، از نظر خود ابزارهای فیبوناچی، یک تلاقی میتواند تنها توسط یک ابزار فیبوناچی یا ترکیبی از دو یا چند ابزار ایجاد شود. به عنوان مثال، یک تلاقی فیبوناچی میتواند با استفاده از چندین اصلاح فیبوناچی، یا با استفاده از اصلاحات فیبوناچی با امتدادهای فیبوناچی، یا با استفاده از دو امتداد فیبوناچی شکل بگیرد. هرچه سطوح مهم‌تر باشند، تلاقی/خوشه قوی‌تر خواهد بود.

فصل ۶: زمان ایده‌آل برای باز کردن یک موقعیت معاملاتی

در این فصل، روشی محافظه‌کارانه برای ورود به معامله با استفاده از فیوناچی و یکی از رایج‌ترین الگوهای حرکات قیمت در نمودار معاملاتی، یعنی شکست (Breakout)، را نشان خواهیم داد.

همانطور که احتمالاً به خاطر دارید، قبلاً اشاره کردم که هرچه اصلاحات کم‌عمق‌تر باشند، روند کلی قوی‌تر است.

یک پولبک کم‌عمق اغلب در حدود سطح ۲۳.۶ درصد و ۳۸.۲ درصد، یا هر سطحی که عمیق‌تر از ۳۸.۲ درصد نباشد، ظاهر میشود.

پولبک‌های کم‌عمق معمولاً در یک بازار با روند قوی دیده میشوند. هنگامی که بازار به شدت در یک جهت حرکت میکند، ممکن است قبل از ادامه روند اصلی خود، برای مدت طولانی قدرت خود را از دست ندهد. معامله بر اساس شکست، در ترکیب با ابزارهای فیوناچی، انتخاب بسیار خوبی در چنین محیطی است تا ضمن حفظ نسبت ریسک به ریوارد مطلوب، احتمال موفقیت خود را افزایش دهید.

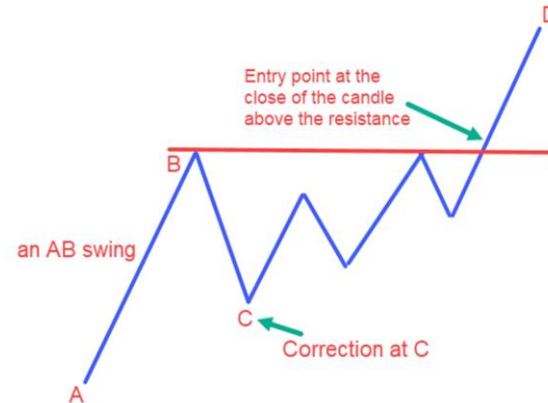
دو روش وجود دارد که میتوانید برای باز کردن یک موقعیت معاملاتی در نظر بگیرید:

روش اول: ریسک بیشتری میپذیرید

اصل این روش:

اگر یک اصلاح کم‌عمق (یعنی عمیق‌تر از ۳۸.۲ درصد نباشد) را مشاهده کنیم که به دنبال آن شکست از سقف نوسانی قبلی (در یک روند صعودی) یا کف نوسانی قبلی (در یک روند نزولی) رخ دهد، این سیگنالی برای باز کردن یک موقعیت معاملاتی خواهد بود. مزیت استفاده از این روش این است که احتمال زیان‌های بزرگ را کاهش میدهد و در عین حال امکان سودهای بالقوه بزرگ را فراهم میکند.

از نظر تئوری، باید شبیه شکل زیر باشد.

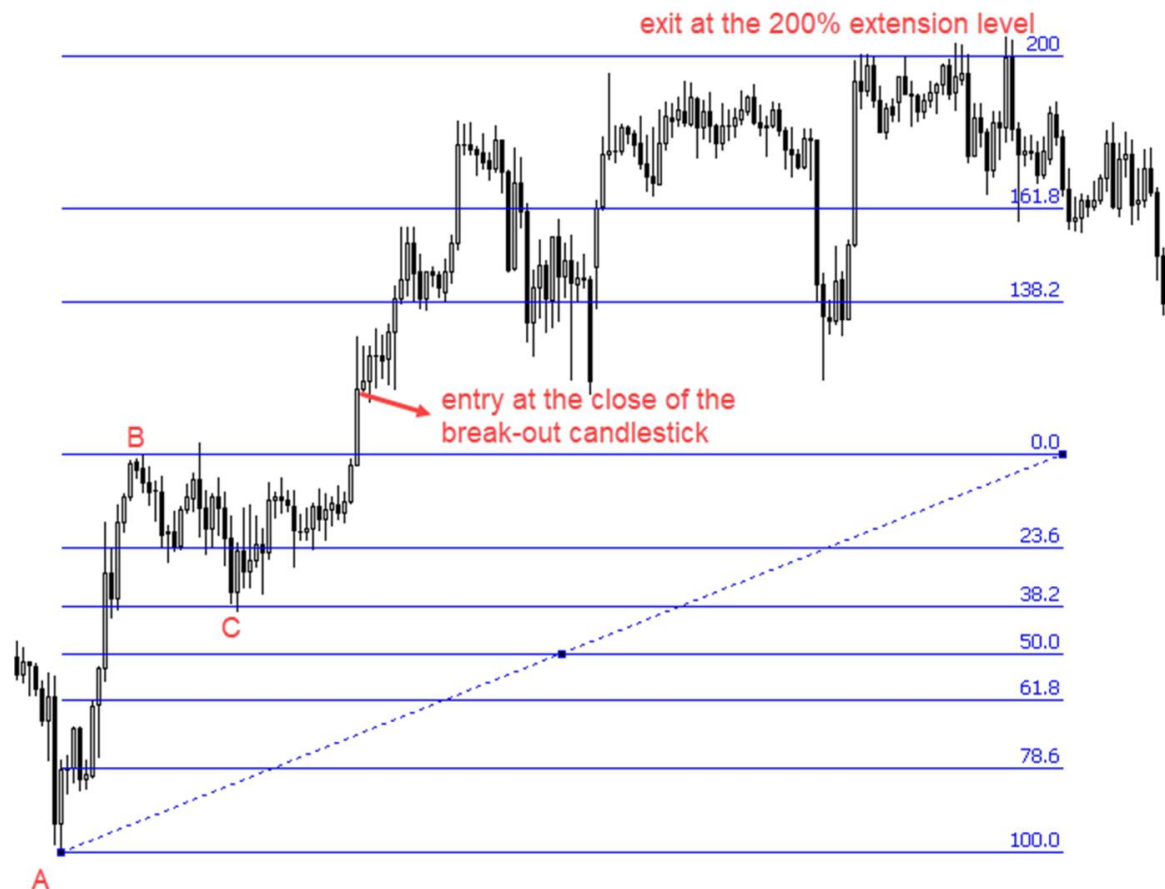


در زیر مراحل مشخص برای ورود به معامله آورده شده است:

۱. روند کلی را شناسایی کنید. شما باید از روند کلی آگاه باشید و بدانید که در چه جهتی به دنبال ورود به معامله خواهید بود.
 ۲. بالاترین و پایین‌ترین نوسان اصلی اخیر را برای رسم خطوط اصلاحی و امتدادی فیبوناچی تعیین کنید.
 ۳. پس از اینکه قیمت به نقطه اصلاحی C رسید، منتظر شکست قیمت بالاتر از سقف نوسانی برای ورود به موقعیت خرید در یک روند صعودی (یا پایین‌تر از کف نوسانی برای ورود به موقعیت فروش در یک روند نزولی) بمانید. نقطه ورود، بسته شدن قیمت بالاتر از آخرین سقف نوسانی است.
 ۴. منتظر بمانید تا قیمت به هدف سود بر اساس سطوح امتدادی فیبوناچی (نقطه D) برسد.
- نقطه خروج شما یکی از خطوط امتدادی خواهد بود (اطلاعات بیشتر در مورد بستن موقعیت‌ها در فصل ۸). هدف شما گرفتن بیشتر حرکت بین سطح ۰ درصد (نقطه B) و سطوح امتدادی (یعنی ۱۳۸.۲ درصد، ۱۶۱.۸ درصد، ۲۰۰ درصد و غیره) است.

مثال‌ها:

بیایید نگاهی به نمودار پوند انگلیس در برابر ین ژاپن (GBP/JPY) در زیر بیندازیم. از یک بازه زمانی طولانی مشخص است که روند کلی صعودی است. پس از رسیدن به B (سقف نوسانی در طول روند صعودی)، بازار یک اصلاح کم عمق تا C (سطح ۳۸.۲ درصد فیوناچی) را تجربه کرد. همانطور که در اصل ۳ بالا ذکر کردم، باید پس از تشکیل نقطه C منتظر شکست بمانیم. همانطور که میبینید، پس از مدتی، یک شکست بالاتر از نقطه B (آخرین سقف) رخ میدهد. سود بالقوه در این معامله بسیار زیاد است (تا سطح ۲۰۰ درصد امتداد فیوناچی).



گاهی اوقات، به دلیل حجم معاملات بالا، بازار ممکن است به سرعت از آخرین سقف/کف عبور کند و یک کندل با بدنه بلند تشکیل دهد. در نتیجه، بسته شدن این کندل ممکن است به دلیل نسبت ریسک به ریوارد نامطلوب، برای ورود به معامله ایده‌آل نباشد. این یکی از مشکلاتی است که در یک بازار با روند قوی رخ میدهد. در این موارد، فقط منتظر فرصت دیگری باشید. به یاد داشته باشید که بازار پر از فرصت‌هایی است که میتوانید از آنها استفاده کنید.

کلید موفقیت در معامله‌گری، صبر و حوصله است. در برخی از روزهای معاملاتی، ممکن است چند موقعیت خوب یا حتی بسیار خوب و معاملات موفق داشته باشید. در روزهای دیگر، ممکن است تمام روز منتظر یک موقعیت بمانید، اما بازار چیزی به شما ندهد. توصیه میشود در این مواقع وارد هیچ معامله‌ای نشوید. فقط منتظر ظاهر شدن یک موقعیت معاملاتی خوب قبل از اقدام باشید.

مثال بعدی نمودار چهار ساعته نفت WTI را نشان میدهد. روند کلی صعودی بود؛ بنابراین، ما به دنبال ورود به موقعیت خرید بودیم. پس از مدتی، نوسان AB ظاهر شد و به دنبال آن یک اصلاح ملایم تا C رخ داد. توجه داشته باشید که قیمت فقط تا سطح ۲۳.۶ درصد فیبوناچی اصلاح کرد، که نشان میدهد گاوها به اندازه‌ای قوی بودند که توانستند از افت عمیق‌تر قیمت جلوگیری کنند.



توجه کنید که چگونه قیمت پس از آن به خط امتداد ۱۶۱.۸ درصد جهش کرد، که یک سطح مقاومت قوی و همچنین بهترین نقطه خروج بود. به خاطر داشته باشید که در یک بازار با روند قوی مانند این، قیمت ممکن است در سطح ۱۶۱.۸ درصد متوقف نشده و تغییر جهت ندهد. شما میتوانید بخشی از موقعیت خود را در سطح ۱۶۱.۸ درصد ببندید و بقیه را برای یک سطح هدف بالقوه دیگر باز بگذارید. در فصل ۸ در این مورد بیشتر توضیح خواهیم داد. بیایید ببینیم چگونه میتوان از این استراتژی در یک روند نزولی استفاده کرد.



این یک نمودار روزانه طلا است. بازار در یک روند نزولی قرار داشت؛ بنابراین، معامله‌گران باید به دنبال ورود به موقعیت فروش باشند. یافتن نوسان AB دشوار نیست. با این حال، بازار یک اصلاح کم‌عمق در سطح ۲۳.۶ درصد ایجاد کرد. ما منتظر شکست قیمت پایین‌تر از نقطه B برای ورود به موقعیت فروش می‌مانیم. مومنتوم نزولی بسیار قوی بود و در خط امتداد ۲۰۰ درصد به پایان رسید. کسانی که از ابزارهای فیوناچی استفاده می‌کردند، ممکن است سود بسیار زیادی کسب کرده باشند.

باز هم، یکی از مزایای استفاده از فیبوناچی این است که میتواند یک سطح خروج بالقوه را قبل از حرکت قیمت پیش‌بینی کند، جایی که هم نسبت ریسک به ریوارد و هم سود مطلوب باشند. به این ترتیب، فیبوناچی از همان ابتدا به معامله‌گران کمک میکند تا بهترین برنامه را برای خروج از معامله داشته باشند.

تعیین محل حد ضرر (Stop-Loss)

بسیاری از معامله‌گران ممکن است حد ضرر خود را "چند پیپ" پایین‌تر از سطح شکسته شده قرار دهند (پیپ، یا "درصد در نقطه"، یک حرکت کوچک و افزایشی در قیمت است). با این حال، با این روش، آنها مکانیک بازار را در نظر نمیگیرند. همانطور که اشاره کردم، بازار پر از نوسانات است؛ بنابراین، چنین دستورات حد ضرری ممکن است در بسیاری از موارد فعال شوند. در واقع، قیمت ممکن است چند بار به مناطق قبلی بازگردد، اما در نهایت، همچنان در جهت روند کلی حرکت میکند و همچنان یک امتداد معتبر است.

در این روش، باید از یک حد ضرر وسیع‌تر درست زیر سطح ۲۳.۶ درصد (در یک روند صعودی) استفاده شود. در حالیکه این امر تأثیر زیادی بر مشخصات ریسک به ریوارد ندارد، میتواند اثرات نامطلوب نوسانات بازار را کاهش دهد.

اگر قیمت نتواند در جهت روند اصلی حرکت کند و به سطوح اصلاحی بازگردد، ممکن است یک نگرانی ایجاد شود. در این حالت، ممکن است مشکلی در قدرت روند کلی وجود داشته باشد (حداقل در آن لحظه).

فرض کنید به جای افزایش با روند کلی، قیمت به سطح اصلاحی ۲۳.۶ درصد باز می‌گردد. چه خواهید کرد؟

برخی از معامله‌گران ممکن است حد ضرر خود را به سطوح عمیق‌تر (یعنی ۳۸.۲ درصد یا ۶۱.۸ درصد) منتقل کنند و به بازار فضای بیشتری برای تنفس بدهند تا بتوانند از سود مورد انتظار خود بهره‌مند شوند.

توصیه من ساده است: هنگامی که قیمت نتواند در جهت روند کلی حرکت کند و به سطح ۲۳.۶ درصد بازگردد، فقط موقعیت حد ضرر خود را حفظ کنید. اگر حد ضرر شما فعال شد، آن را بپذیرید.

امیدوار نباشید که قیمت در جهت مورد انتظار شما حرکت کند. بازار هرگز نمیداند شما چه میخواهید و چگونه معامله خود را برنامه‌ریزی میکنید. بازار مالی همیشه بالا و پایین دارد. وقتی

چیزی باعث میشود قیمت برخلاف انتظار شما حرکت کند، آن را بپذیرید و به دنبال فرصت دیگری باشید. به همین سادگی.

حد ضرر درست زیر سطح ۲۳.۶ درصد پیشنهاد من است. این سطحی است که من در آن احساس راحتی در معامله میکنم. اگر احساس میکنید سطح ۱۴.۶ درصد شما را با معامله خود راحت میکند، آن را امتحان کنید و نتایج کلی را پس از تعداد معینی از معاملات تجزیه و تحلیل کنید.

از طرف دیگر، تعیین حد ضرر بسیار وسیع‌تر از سطح ۲۳.۶ درصد توصیه نمیشود. به این ترتیب، معامله شما نسبت ریسک به ریوارد مطلوبی نخواهد داشت.

روش دوم: منتظر تست مجدد باشید

اگر تجربه ای در معامله‌گری دارید، موافق خواهید بود که هیچ چیز ۱۰۰ درصد قطعی نیست.

بیاپید روند صعودی را به عنوان مثال در نظر بگیریم.

در حالیکه یک اصلاح کم‌عمق نشان میدهد که روند اصلی قوی است و این احتمال وجود دارد که بازار پس از یک اصلاح پیشرفت کند، اما تضمین نمیکند که چنین پیشرفتی همیشه اتفاق بیافتد.

گاهی اوقات، بازار شاهد شکست یک سطح حمایت یا مقاومت است، اما سپس قیمت برای مدتی در یک محدوده حرکت میکند و باعث ایجاد اضطراب و سردرگمی برای معامله‌گران شکست میشود. به مثال زیر نگاهی بیندازید.

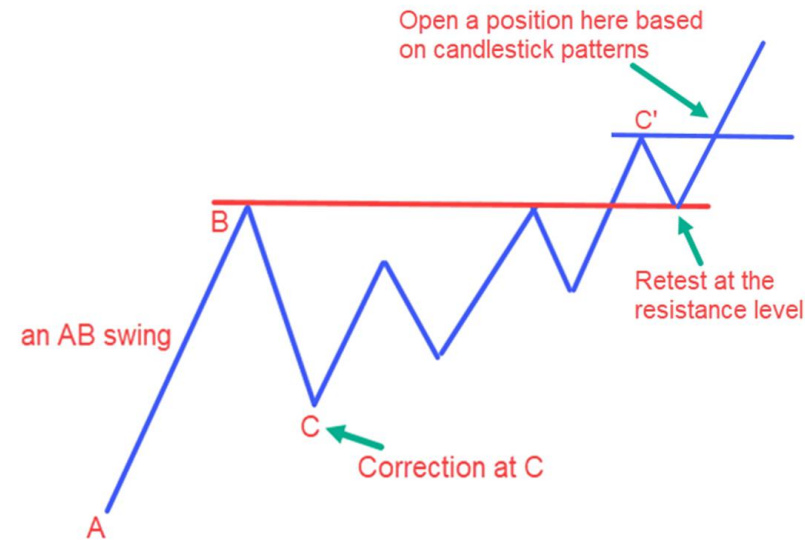


بازار در ادامه نتوانست از چندین کندل عبور کند. اگر بلافاصله پس از کندل شکست وارد معامله میشدید، ممکن بود ضرر کنید.

قانون این روش

ایده پشت این روش این است که شما تا زمانی که قیمت سطح حمایت یا مقاومت شکسته شده را دوباره آزمایش نکند، وارد معامله خود نخواهید شد. اگر به اندازه کافی معامله کرده باشید، میدانید که سقف و کف دوقلو محبوب هستند، به خصوص زمانی که به یک بازه زمانی کوتاهتر سوئیچ میکنید. صبر کردن برای بازآزمایی قبل از ورود به معامله، احتمال موفقیت معامله را به طور قابل توجهی افزایش میدهد.

از نظر تئوری، باید شبیه تصویر زیر باشد.



در زیر مراحل مشخص برای ورود به معامله آورده شده است:

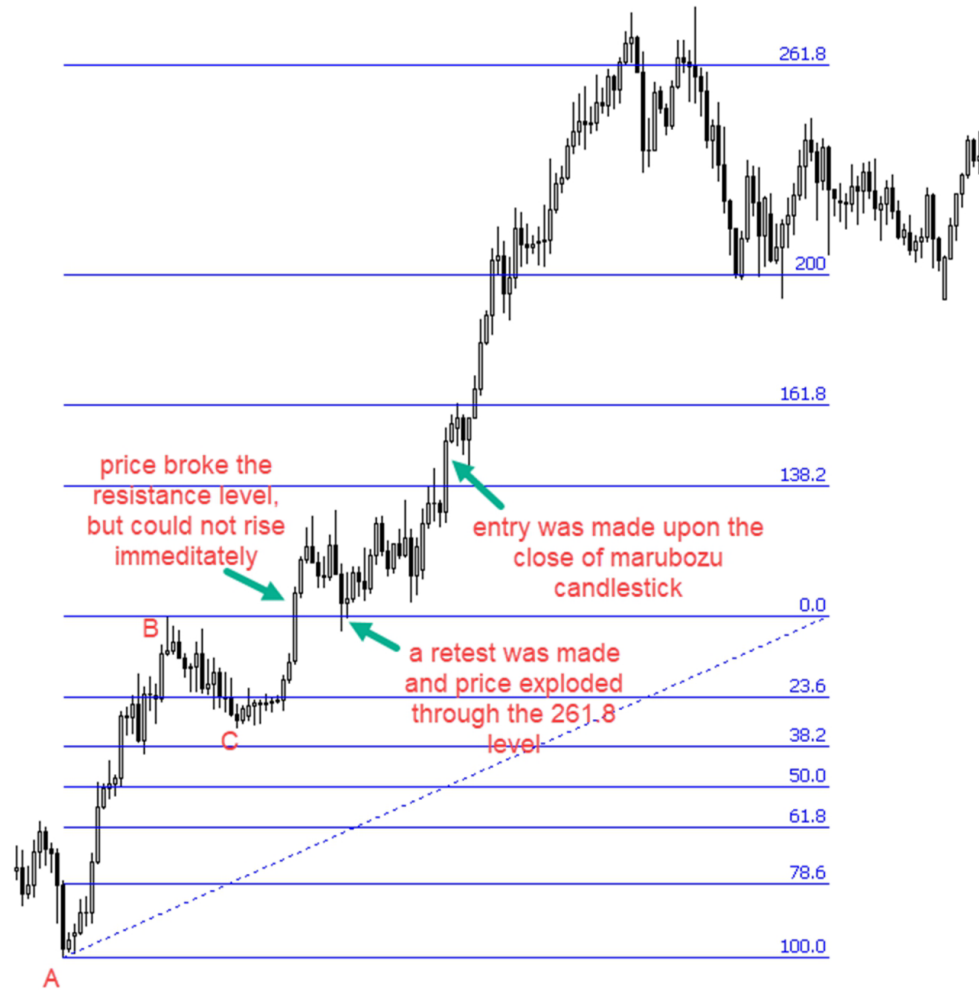
۱. روند کلی را شناسایی کنید. شما باید از روند کلی آگاه باشید و بدانید که در چه جهتی به دنبال ورود به معامله خواهید بود.
۲. بالاترین و پایین‌ترین نوسان اصلی اخیر را برای رسم خطوط اصلاحی و امتدادی فیوناچی تعیین کنید.
۳. پس از اینکه قیمت به نقطه اصلاحی C رسید، منتظر شکست قیمت بالاتر از سقف نوسانی باشید تا سقف جدیدی در C' ایجاد شود.
۴. از C'، منتظر بمانید تا قیمت قبل از ادامه در جهت روند اصلی، سطح حمایت و مقاومت را دوباره آزمایش کند.
۵. موقعیت ورود بر اساس الگوی کندل استیک در سطح شکست باز میشود.
۶. منتظر بمانید تا قیمت به هدف سود بر اساس سطوح امتدادی فیوناچی برسد.

توجه: الگوهای کندل استیک یک ابزار تحلیل تکنیکال هستند که حرکت قیمت‌ها را به صورت گرافیکی در نمودار کندل استیک نشان می‌دهند. برخی از محبوب‌ترین الگوهای کندل استیک عبارتند از پین بار، الگوی پوششی و ماروبوزو.

من فرض می‌کنم که شما دانش اولیه‌ای در مورد الگوهای کندل استیک دارید، بنابراین آنها را به تفصیل شرح نمی‌دهم. هدف اصلی این کتاب شرح معاملات فیبوناچی است. به نمودار چهار ساعته زیر نگاهی بیندازید که در آن بازار یک نوسان AB و یک اصلاح تا C را نشان می‌دهد.



در زیر، میبینیم که خطوط اصلاحی فیوناچی رسم شده‌اند، و قیمت بالاتر از سطح B شکسته است. با این حال، نتوانست تا زمان تست مجدد سطح B صعود کند.



در این مثال، بازآزمایی یک سیگنال عالی برای ادامه روند اصلی است. قیمت هرگز منطقه حمایتی را نقض نکرد (توجه داشته باشید که سطح مقاومت پس از شکسته شدن به سطح حمایت تبدیل میشود) و از نقطه بازآزمایی، قیمت به سطح امتداد ۲۶۱.۸ درصد جهش کرد. با قرار دادن حد ضرر زیر کندل استیک ماروبوزو، میتوانید یک نسبت ریسک به ریوارد ایده‌آل در حدود ۱:۴ به دست آورید.

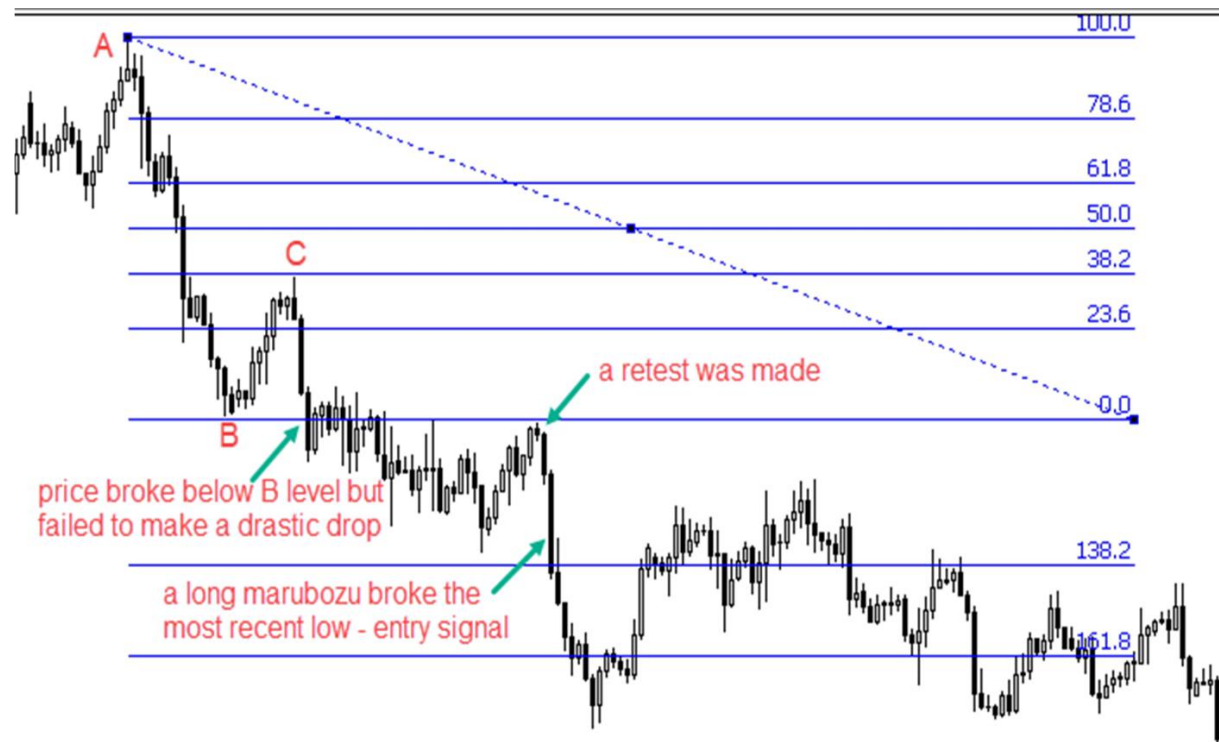
حال ممکن است استدلال کنید که با پذیرش ریسک بیشتر و باز کردن معامله در شکست سطح B، ممکن است سود بیشتری کسب کنید.

این ممکن است درست باشد. با این حال، به یاد داشته باشید که مهم‌ترین مزیت این روش به حداقل رساندن تله‌های بازار است، جایی که قیمت ممکن است چند بار به سطوح اصلاحی بازگردد و باعث فعال شدن حد ضرر شما شود. بازآزمایی در سطح B (بدون شکست آن به سمت پایین) و پیشروی بالاتر از آخرین سقف از طریق یک الگوی کلاسیک کندل استیک، سیگنال خوبی خواهد بود که قیمت احتمالاً در جهت روند غالب حرکت خواهد کرد.

بیایید به مثال دیگری در یک بازار نزولی برویم. در زیر نمودار چهار ساعته دلار آمریکا در برابر دلار کانادا (USD/CAD) قرار دارد، جایی که به راحتی میتوانیم A، B و C را در یک ترسیم اصلاحی فیبوناچی مشاهده کنیم.



حالا ببینیم قیمت پس از شکستن سطح B چه واکنشی نشان داد.



میبینیم که اگرچه قیمت یک اصلاح کم عمق انجام داد، اما این بدان معنا نبود که قیمت به راحتی میتواند در جهت اصلی ادامه یابد. توجه کنید که چقدر برای قیمت دشوار بود که پایین برود تا اینکه از آخرین حمایت، که سپس به سطح مقاومت تبدیل شد، بازآزمایی کرد. بلافاصله پس از بازآزمایی، یک کندل استیک ماروبوزو قوی ظاهر شد و آخرین کف را شکست، و نشان داد که یک افت قوی در راه است. میبینید که اگرچه قیمت تلاش های بیشتری برای افزایش انجام داد، اما نتوانست از سقف کندل استیک ماروبوزو، که یک سطح ایده آل برای تعیین دستور حد ضرر است، فراتر رود.

حالا ببینیم قیمت پس از آن تا کجا میتواند پیش برود:



نتیجه‌گیری: معامله با فیوناچی در ترکیب با بازآزمایی و شکست، یکی از بهترین روش‌های استفاده از تکنیک قدرتمند فیوناچی است. از منظر تکنیکال، اگر قیمت‌ها سطح شکست را بدون شکستن آن بازآزمایی کنند، این سیگنالی مبنی بر معتبر بودن شکست است. بازار ممکن است علاقه زیادی به جهت شکست نشان دهد.

تعیین محل حد ضرر

در این روش، می‌توانید بسته به محیط بازار و میزان تحمل ریسک خود، حد ضرر را درست زیر الگوهای کندل استیک یا درست زیر سطح ۲۳.۶ درصد انتخاب کنید. برای من، من بیشتر از روش اول استفاده می‌کنم. با این حال، اگر شما یک معامله‌گر محافظه‌کارتر هستید، ممکن است سطح ۲۳.۶ درصد را انتخاب کنید.



چگونه از شکست‌های کاذب اجتناب کنیم

معامله‌گران اغلب ممکن است بین یک شکست واقعی و یک شکست کاذب (که معمولاً به عنوان فیک‌اوت شناخته می‌شود) اشتباه کنند. در واقع، بسیاری از شکست‌های به ظاهر واقعی در نمودار معاملاتی در واقع فیک‌اوت هستند.

یکی از ترفندها برای اجتناب از شکست‌های کاذب، صبر کردن برای بسته شدن کندل است تا ببینید قیمت بسته شدن کجا قرار دارد. برای مثال، وقتی بسته شدن کندل در طرف دیگر خط مقاومت/حمایت باشد و سایه کندل در مقایسه با بدنه آن کوچک باشد، ممکن است به عنوان یک شکست در نظر گرفته شود.

نمودار GBP/JPY در زیر می‌تواند این ترفند را نشان دهد. ما یک سطح حمایت در ۱۴۹.۱۳۸ داریم. همانطور که می‌بینید، تلاش‌های اول و دوم هر دو شکست کاذب بودند زیرا بسته شدن آن کندل‌ها بالاتر از سطح حمایت بود. در نهایت، تلاش دیگری صورت گرفت، اما برخلاف تلاش‌های قبلی، آن کندل استیک با موفقیت از خط حمایت عبور کرد. این سیگنالی برای ورود به معامله فروش بود.



باز هم، لطفاً توجه داشته باشید که بازار پر از نوسانات است و این سیگنال تأیید همیشه به خوبی کار نمیکند. با این حال، به نظر من، در بسیاری از موارد درست از آب در می‌آید. در زیر چند نکته در مورد معامله بر اساس استراتژی‌های ارائه شده در این فصل آورده شده است:

۱. خطوط یا مناطق؟

ممکن است قیمت دقیقاً به سطح شکست بازنگردد. به همین دلیل است که در برخی موارد باید به جای یک خط، علامت‌گذاری یک منطقه حمایت یا مقاومت را در نظر بگیرید. در مثال‌های بالا و همچنین در سراسر این کتاب، من از یک خط برای تجسم و درک بهتر استفاده می‌کنم.

۲. دستورات پندینگ

بر اساس تجربه من، معامله بر اساس بازآزمایی یک نقطه شکست نباید با استفاده از دستور پندینگ اجرا شود. این ممکن است معامله را در معرض خطر قرار دهد، جایی که شما سیگنال‌های تأیید کافی از قدرت بازار جمع‌آوری نمی‌کنید. شما نمیتوانید از قبل بدانید که آیا سطح حمایت یا مقاومت قبل از اینکه قیمت آن را "بازآزمایی" کند، حفظ خواهد شد یا خیر. از این رو، اگر یک دستور پندینگ قرار دهید و قیمت به جای بازگشت، از آن عبور کند، احتمالاً حد ضرر شما فعال خواهد شد.

۳. سایر روش‌های مؤثر

در این فصل، دو روشی را که اغلب در معامله با یک اصلاح کم‌عمق استفاده می‌کنم، به شما نشان دادم. با این حال، این بدان معنا نیست که شما فقط میتوانید از این استراتژی‌ها برای معامله زمانی که قیمت یک اصلاح ملایم انجام می‌دهد استفاده کنید. در واقع، راه‌های زیادی برای باز کردن یک موقعیت مربوط به هر نوع تشکیل بازار وجود دارد. در فصل بعد، برخی از استراتژی‌های مؤثری را که میتوان در هر نوع اصلاح فیبوناچی اعمال کرد، با شما به اشتراک خواهم گذاشت.

فصل ۷: چگونه ورود به معامله را بهینه کنیم

در این فصل، اصلاحات عمیق‌تر پس از یک نوسان، مانند سطوح ۵۰ درصد، ۶۱.۸ درصد و ۷۸.۶ درصد را بررسی خواهیم کرد. ما به تفصیل شرح خواهیم داد که چگونه با استفاده از ترکیبات مختلف فیبوناچی و سایر ابزارها برای یک معامله آماده شویم و همچنین کجا دستور حد ضرر خود را قرار دهیم.

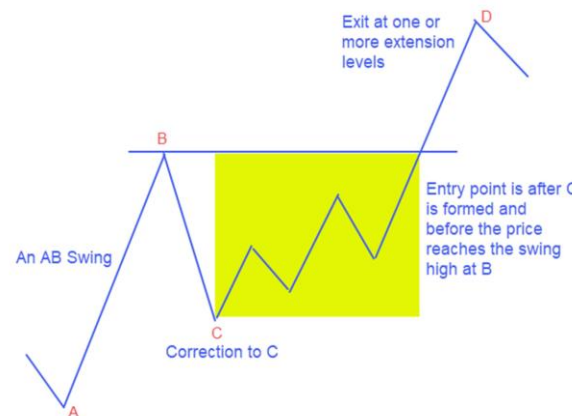
به یاد داشته باشید که این استراتژی‌ها نه تنها برای پولبک‌های عمیق و متوسط کاربرد دارند، بلکه می‌توانند در طول یک اصلاح کم‌عمق نیز استفاده شوند. به همین دلیل است که در برخی از مثال‌های ارائه شده در زیر، خواهید دید که قیمت به سطوح کم‌عمق مانند خط ۳۸.۲ درصد اصلاح می‌کند.

به طور کلی، شما با استفاده از استراتژی‌های ارائه شده در این فصل ریسک بیشتری خواهید کرد، اما منطقی پشت این قضیه وجود دارد. شما می‌توانید به جای صبر کردن برای شکست قیمت از پایین‌ترین یا بالاترین نوسان قبلی، به دنبال یک ورود زودهنگام باشید. در نتیجه، سود شما به طور بالقوه بیشتر است.

قانون

با این روش، معامله‌گران زودتر وارد معامله می‌شوند، جایی بین سطح حمایت (رسم شده از نقطه C - نقطه اصلاح) و سطح مقاومت (رسم شده از نقطه B - بالاترین نوسان). استراتژی فوق برای یک روند صعودی اعمال می‌شود. در مورد روند نزولی، اصل مشابه است، اما در جهت مخالف.

تصویر زیر این اصل را نشان می‌دهد.



در اینجا مراحل لازم برای باز کردن یک موقعیت معاملاتی آورده شده است:

۱. روند اصلی را شناسایی کنید. شما باید از روند اصلی آگاه باشید و بدانید که در چه جهتی به دنبال ورود به معامله خواهید بود.
۲. بالاترین و پایین‌ترین نوسان اصلی اخیر را برای رسم خطوط اصلاحی و امتدادی فیبوناچی تعیین کنید.
۳. منتظر پایان اصلاح تا نقطه C باشید.
۴. پس از اینکه قیمت یک نقطه اصلاحی پیدا کرد، برای باز کردن یک موقعیت معاملاتی منتظر یک سیگنال تأیید دیگر بمانید.
۵. معامله را در یک یا چند سطح امتدادی ببندید.

میبینید که چند مرحله مشابه روش‌های قبلی است. با این حال، نکته کلیدی در مهم‌ترین بخش این روش نهفته است.

در فصل ۳ اشاره کردم که چگونه معامله با فیبوناچی در ترکیب با سایر ابزارها میتواند سیگنال‌های قابل اعتمادی ارائه دهد. این کاری است که بسیاری از معامله‌گران باهوش فیبوناچی اغلب انجام میدهند، زیرا هرچه سیگنال‌های تأیید بیشتری در معامله شما وجود داشته باشد، احتمال موفقیت معامله شما بیشتر خواهد بود.

بیایید به هسته اصلی استراتژی برگردیم. فرض کنید در یک روند صعودی هستیم و نقطه C در نمودار به عنوان پایان اصلاح تعیین شده است. اکنون ما برای یک ورود خرید آماده هستیم.

سوال این است: چه زمانی باید موقعیت را باز کنیم؟

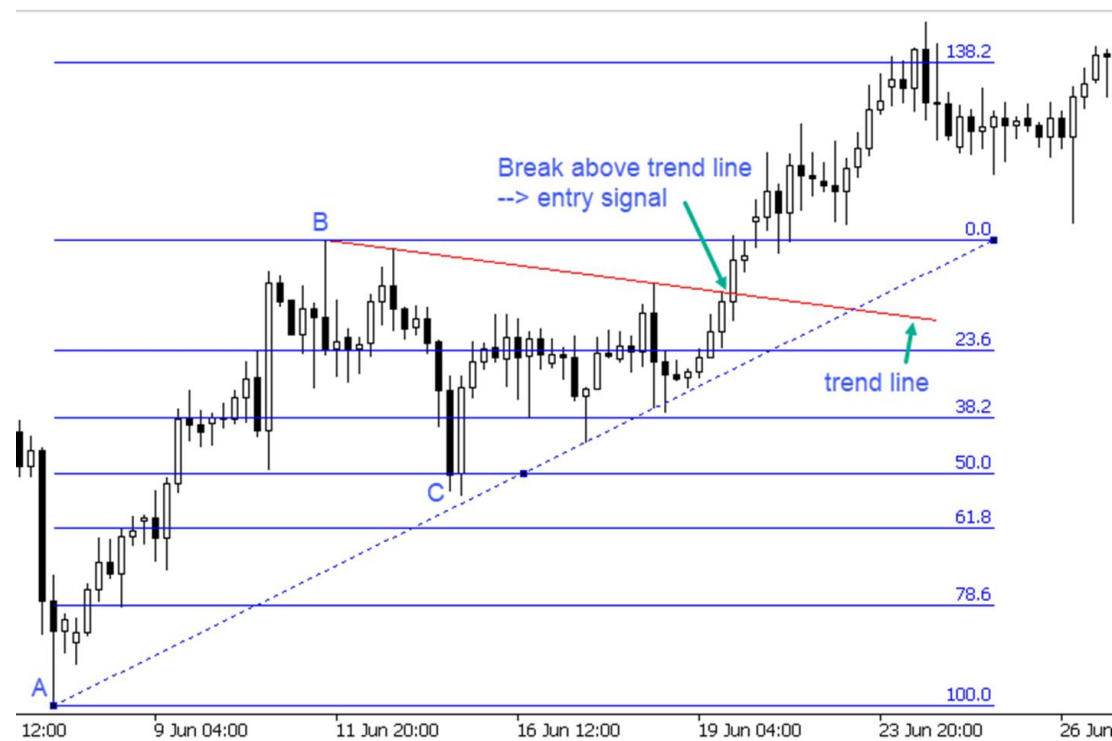
ما نباید با باز کردن یک موقعیت درست در سطح اصلاحی ریسک کنیم.

اگر در نمودار توجه کنید، هنگامی که بازار اصلاح را میپذیرد و به جهت اصلی بازمیگردد، اغلب حداقل یک سیگنال در جایی بین نقطه C و نقطه B وجود دارد، و این همان چیزی است که ما به دنبال آن هستیم.

شاید بپرسید که ما به دنبال چه نوع سیگنالی هستیم.

پاسخ این است که متفاوت است. ممکن است سیگنالی در قالب یک الگوی کندل استیک، حمایت/مقاومت، یا یک خط روند و غیره باشد. هرچه بیشتر تحقیق و تمرین کنید، در شناسایی

اینکه کدام سیگنال در هر موقعیت بهترین کارایی را دارد، بهتر خواهید شد. در این فصل، محبوب‌ترین سیگنال‌های تأیید در معامله با فیوناچی را معرفی خواهیم کرد. بیایید نگاهی به نمودار زیر بیندازیم.



در این مورد، سیگنال، شکست بالای خط روند است. همانطور که میبینید، پس از یک اصلاح ۵۰ درصدی در C، قیمت قبل از شکستن بالای خط روند در یک محدوده حرکت کرد و راه را برای یک روند صعودی واضح هموار کرد.

سیگنال‌های تأیید

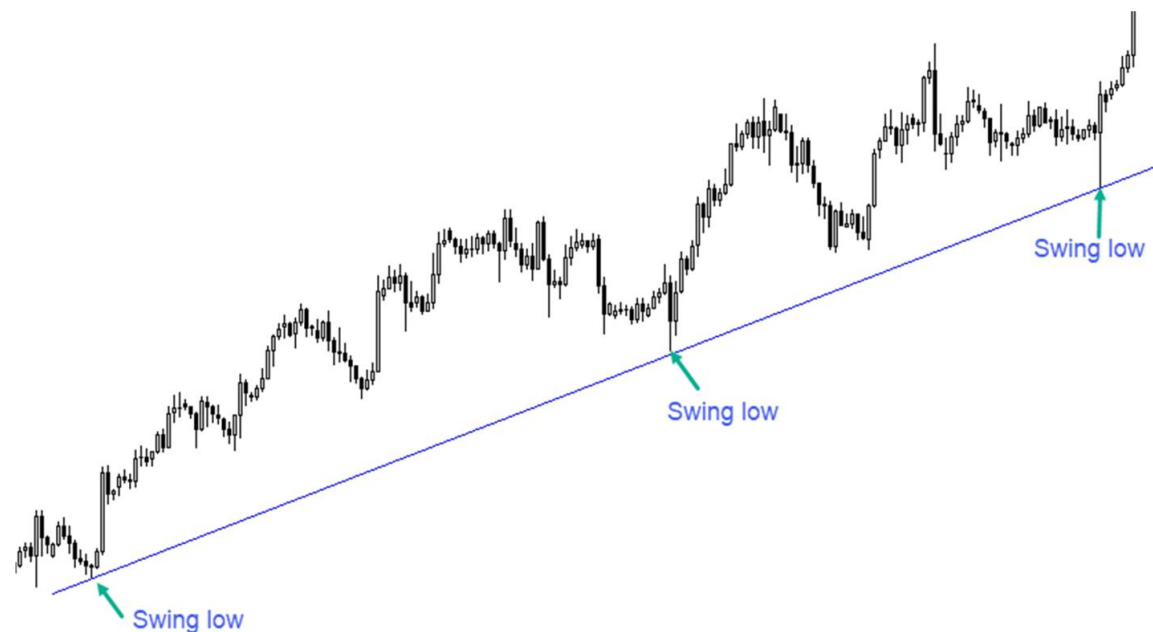
در اینجا برخی از بهترین سیگنال‌های تأییدی آورده شده است که می‌توانید هنگام انتخاب قیمت ورود بین نقطه B و نقطه C به دنبال آنها باشید.

تأیید ۱: خط روند

یکی از بهترین راه‌های استفاده از اصلاحات فیبوناچی برای شناسایی قیمت ورود، ترکیب آن با خطوط روند است.

در یک روند صعودی یا نزولی، رسم خطوط روند برای معامله‌گران آسان است. خط روند یک مثال معمولی از یک بازار رونددار است. ترکیب خط روند با سطوح اصلاحی فیبوناچی می‌تواند یک استراتژی معاملاتی سودآور برای شما به ارمغان بیاورد.

پس از تعیین روند کلی بازار، می‌توانید خط روند را با اتصال کف‌های نوسانی یا سقف‌های نوسانی رسم کنید.



فرض کنید شما منتظر بازآزمایی این خط روند هستید. در همین حال، میتوانید سطوح اصلاحی فیوناچی را نیز از یک کف نوسانی اصلی به یک سقف نوسانی اصلی رسم کنید.



در مثال بالا، میبینیم که چگونه قیمت‌ها از خط روند جهش کردند که با سطح ۳۸.۲ درصد نیز همزمان بود و یک منطقه حمایتی همگرا خوب را فراهم کرد. یک خط روند را با سطوح اصلاحی ترکیب کنید، و یک موقعیت معاملاتی با احتمال بالا و ریسک پایین در اختیار خواهید داشت.

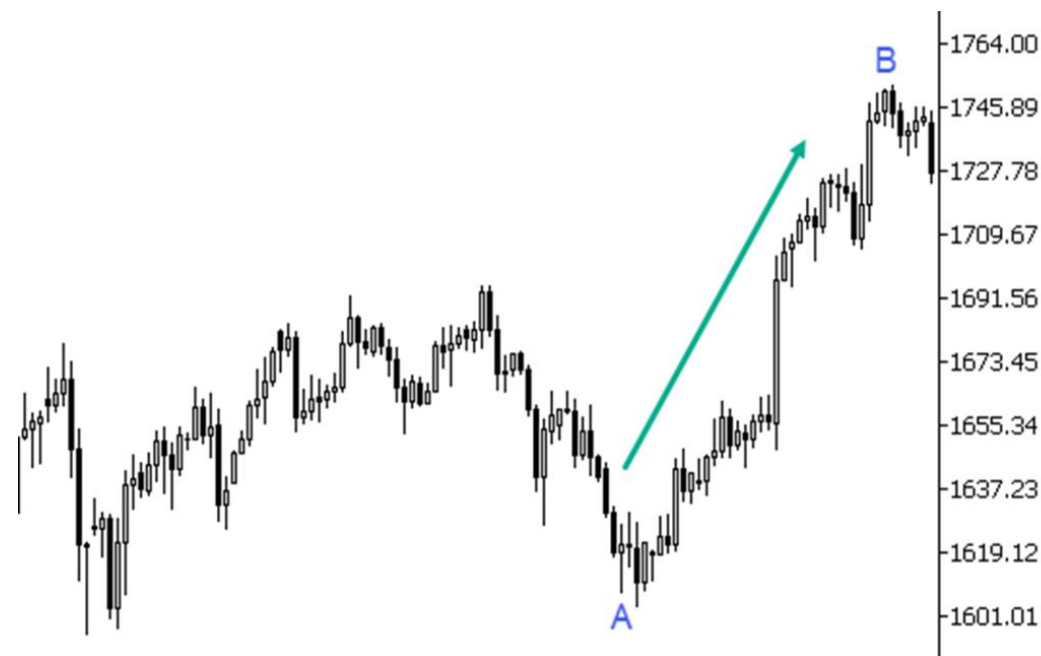
به یاد داشته باشید که این ترکیب ۱۰۰ درصد مواقع کار نمیکند، اما ثابت شده است که ترکیب بسیار خوبی است. خطوط روند قوی اغلب با اثرات روانی همراه هستند، جایی که فروشندگان تمایل به تثبیت سود دارند. بستن معاملات توسط فروشندگان به معنای ایجاد موقعیت‌های خرید توسط خریداران و بازگشت قیمت است.

تأیید ۲: سطوح حمایت/مقاومت

یکی از مؤثرترین روش‌های استفاده از ابزار اصلاحی فیبوناچی، ترکیب آن با سطوح حمایت یا مقاومت است. بسیاری از معامله‌گران با تجربه موافق هستند که پس از شکسته شدن یک سطح مقاومت، تمایل دارد به عنوان یک سطح حمایت در آینده عمل کند. به طور مشابه، پس از شکسته شدن یک سطح حمایت، ممکن است به عنوان یک سطح مقاومت در آینده عمل کند. ترکیب اصلاحات فیبوناچی با سطوح حمایت و مقاومت ممکن است به بهبود عملکرد معاملاتی شما کمک کند.

به یاد داشته باشید که سطوح فیبوناچی خود به عنوان حمایت و مقاومت در نظر گرفته میشوند. اگر آنها را با سایر مناطق قیمتی که قبلاً حمایت و مقاومت تشکیل داده‌اند ترکیب کنید، احتمال بازگشت قیمت از آن مناطق حتی بیشتر میشود.

در زیر یک نمودار چهار ساعته طلا آورده شده است.



شما تصمیم میگیرید که روند بازار صعودی است و میخواهید در این کالا موقعیت خرید باز کنید.

سوال این است: چه زمانی و کجا باید موقعیت خود را باز کنید؟

اولین قدم برای یافتن یک قیمت ورود قابل اعتماد، استفاده از اصلاحات فیبوناچی برای نشان دادن سطوح اصلاحی بالقوه پس از رسیدن قیمت به سقف نوسانی در B است.

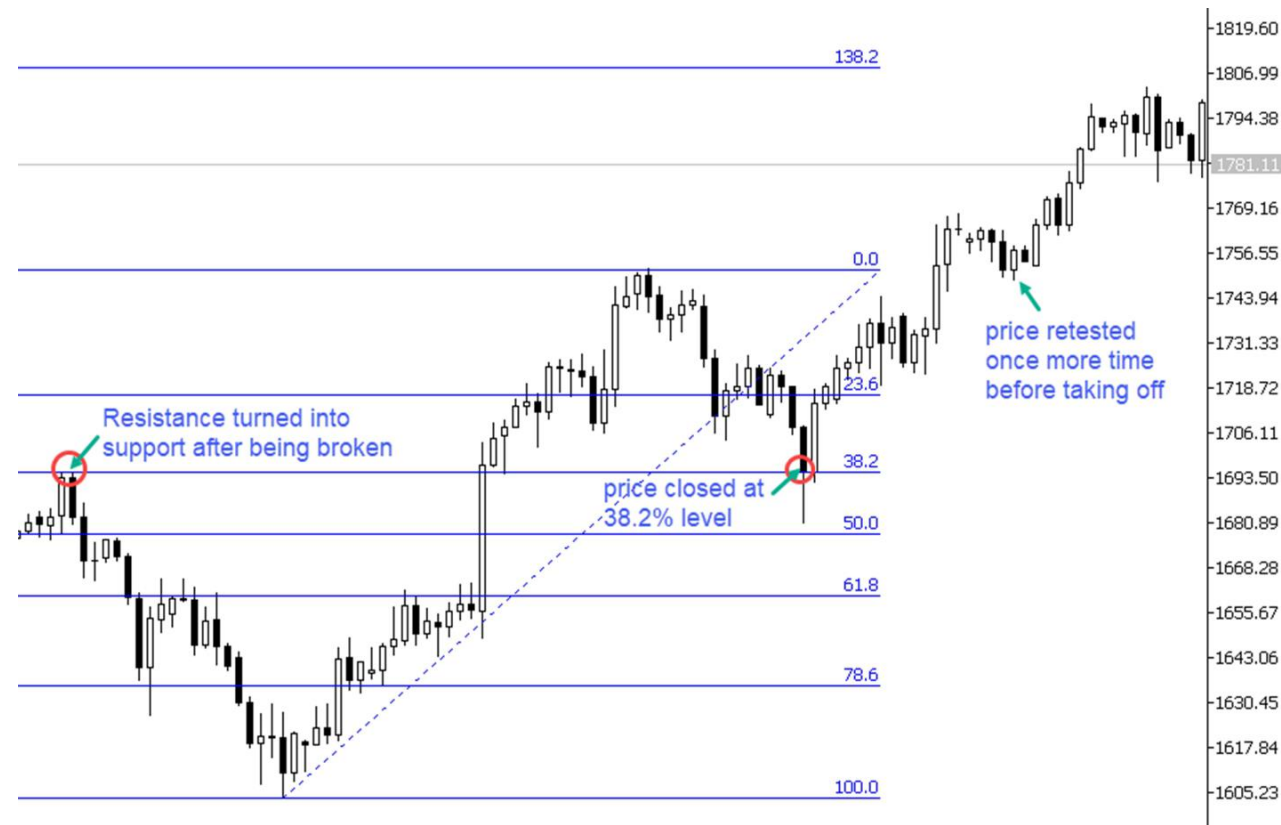
اکنون که سطوح اصلاحی فیبوناچی را روی نمودار داریم، گام بعدی تصمیم گیری در مورد انتخاب کدام سطح است.



در این مورد، سطوح حمایت و مقاومت میتوانند به شما کمک کنند.

با نگاهی به گذشته، میتوانیم یک سطح مقاومت خوب را در گذشته ببینیم. این سطح با سطح ۳۸.۲ درصد فیبوناچی همزمان بود.

اکنون که شکسته شده است، میتواند به یک سطح حمایت قابل اعتماد تبدیل شود، که مکان خوبی برای ورود به موقعیت خرید است. بیایید ببینیم در تصویر زیر چه اتفاقی افتاد:



اگر در حدود سطح ۳۸.۲ درصد فیوناچی سفارش گذاشته بودید، احتمالاً از سود خود لذت برده‌اید.

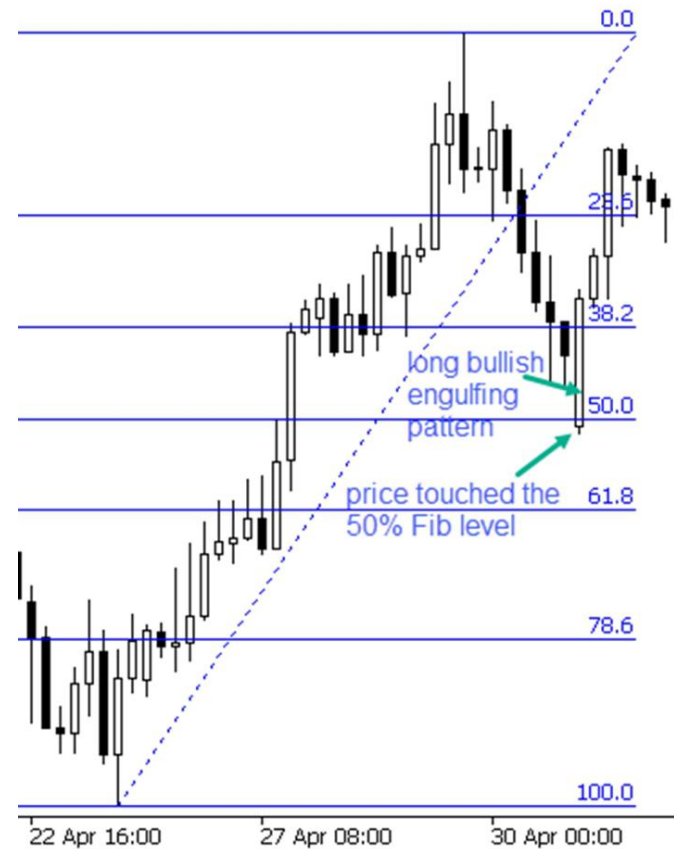
شما می‌توانید همین روش را در طول یک روند نزولی نیز اعمال کنید. نکته این است که باید برخی از سطوح قیمتی را پیدا کنید که در گذشته به نظر می‌رسید مورد توجه بوده‌اند. سطح حمایت/مقاومت خود منطقه‌ای است که وقتی قیمت شروع به نزدیک شدن به آن می‌کند، توجه بیشتر معامله‌گران را به خود جلب می‌کند. اکثر معامله‌گران در سطوح حمایت/مقاومت در موقعیت خرید/فروش قرار دارند. از این رو، هنگام ترکیب فیوناچی با این سطوح، احتمال زیادی وجود دارد که قیمت از این سطوح/مناطق همگرا جهش کند.

تأیید ۳: الگوهای کندل استیک

شما آموخته‌اید که هر خط اصلاحی فیبوناچی میتواند به عنوان یک سطح حمایت یا مقاومت عمل کند. علاوه بر این، اگر قیمت در نزدیکی یک سطح حمایت و مقاومت قوی تغییر جهت دهد، در بیشتر موارد، یک الگوی کندل استیک بازگشتی خواهید یافت. به همین دلیل است که ترکیب فیبوناچی با الگوهای کندل استیک میتواند به ارتقای نتایج معاملات شما کمک کند. در زیر یک نمودار چهار ساعته پوند انگلیس در برابر ین ژاپن (GBP/JPY) آورده شده است.



در نمودار بالا، میتوانیم ببینیم که بازار از کف نوسانی A تا سقف نوسانی B صعود کرده است، که نشان دهنده قدرت روند صعودی اصلی است. معامله در یک اصلاح از هر حرکت قوی همیشه به معامله‌گران توصیه میشود. حالا بیایید سطوح فیبوناچی را روی نمودار رسم کنیم:



به کندل صعودی بلند توجه کنید که قبل از پوشاندن کندل نزولی قبلی، سطح اصلاحی ۵۰ درصد فیوناچی را لمس کرد. این یک مثال استاندارد از هر دو کندل استیک ماروبوزو و کندل استیک پوششی است. این دو، از بهترین سیگنال‌های تأیید کندل استیک هستند که نشان می‌دهند طرف صعودی دوباره در حال قدرت گرفتن است و به زودی آماده افزایش قیمت خواهد بود. شما باید آماده خرید باشید، با حد ضرر زیر کندل صعودی بلند.

در زیر آنچه بعداً اتفاق افتاد را می‌بینید.



قیمت بالا رفت و به راحتی اولین مقاومت را در سطح ایده آل ۱۶۱.۸ درصد امتداد فیوناچی پیدا کرد. میبینید که الگوهای کندل استیک چقدر قدرتمند هستند وقتی با اصلاحات و امتدادهای فیوناچی ترکیب میشوند و به شناسایی سطوح ورود، حد ضرر و برداشت سود کمک میکنند.

تأیید ۴: میانگین‌های متحرک

یکی دیگر از سیگنال‌های تأیید عالی، میانگین‌های متحرک هستند. احتمالاً میدانید که برخی از میانگین‌های متحرک محبوب به خوبی به عنوان حمایت و مقاومت عمل میکنند.

از جمله رایج‌ترین میانگین‌های متحرک میتوان به میانگین‌های ۱۰، ۲۰، ۵۰، ۱۰۰ و ۲۰۰ دوره‌ای اشاره کرد.

برخی از معامله‌گران ممکن است استدلال کنند که میانگین‌های متحرک مهم دیگری نیز وجود دارند. به نظر من، این چیزی است که شما باید بر اساس سبک معاملاتی خود تصمیم بگیرید.

از مجموعه میانگین‌های فوق، مهم‌ترین آنها میانگین‌های طولانی‌تر هستند: ۵۰، ۱۰۰ و ۲۰۰. اگر بتوانید حداقل یکی از این سطوح را با اصلاح فیبوناچی برای جستجوی همگرایی در معاملات

متصل کنید، شانس خوبی برای انتخاب یک نقطه ورود خوب خواهید داشت.

در زیر یک نمودار چهار ساعته S&P۵۰۰ آورده شده است. میبینید که قیمت بالاتر از میانگین متحرک ساده ۵۰ (SMA) بود. سطوح اصلاحی فیبوناچی از یک نوسان بزرگ‌تر بازار رسم شده‌اند.

توجه کنید که چگونه اصلاح در C با سطح ۵۰ درصد فیبوناچی همزمان شد. این بدیهی است که یک سطح قابل اعتماد برای پیوستن مجدد به حرکت نزولی است.



از منظری دیگر، از آنجایی که میانگین متحرک به عنوان یک سطح حمایت/مقاومت در نظر گرفته میشود، حرکت برای شکستن آن به این معنی است که یک سطح حمایت/مقاومت شکسته شده است و امکان ورود را فراهم میکند.

یکی از سیگنال‌هایی که من اغلب به آن توجه میکنم، بسته شدن کندل بالاتر (یا پایین‌تر در روند نزولی) از میانگین متحرک ساده ۵۰ است. در بسیاری از موارد، وقتی قیمت بالاتر از آن سطح بسته میشود، این سیگنالی است که مومنتوم در حال تغییر است. همانطور که در زیر مشاهده میشود، پس از اصلاح به سطح ۵۰ درصد، من منتظر معامله پس از بسته شدن کندل زیر میانگین متحرک ساده ۵۰ خواهم بود.

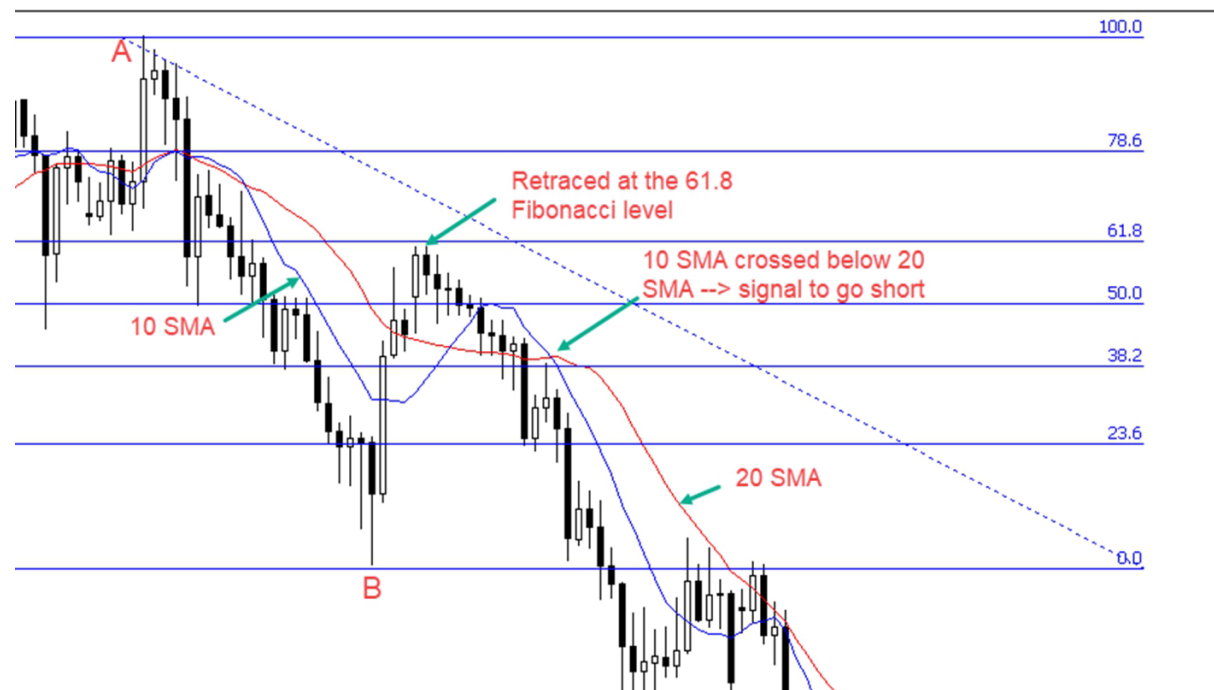


تقاطع میانگین‌های متحرک

گاهی اوقات، تقاطع بین دو میانگین متحرک میتواند تأیید کند که اصلاح به پایان رسیده و روند اصلی آماده ادامه است.

شما میتوانید مجموعه میانگین‌های متحرک دلخواه خود را برای معامله با فیبوناچی انتخاب کنید. بر اساس تجربه من، هیچ مجموعه میانگین متحرکی وجود ندارد که ۱۰۰ درصد برتر از بقیه باشد. برخی میانگین‌های متحرک سریع‌تر را ترجیح میدهند، در حالیکه برخی دیگر میانگین‌های کندتر را می‌پسندند.

در مثال زیر، دو میانگین متحرک ساده وجود دارد: میانگین متحرک ساده ۱۰ و میانگین متحرک ساده ۲۰. روند کلی نزولی بود. پس از اصلاح تا سطح ۶۱.۸ درصد، قیمت به شدت کاهش یافت. هنگامی که میانگین متحرک ساده ۱۰ از زیر میانگین متحرک ساده ۲۰ عبور کرد، یک سیگنال تأیید خوب برای قرار دادن سفارش فروش دریافت کردید.



باز هم، میانگین متحرک ساده ۱۰ و میانگین متحرک ساده ۲۰ فقط به عنوان مثال در اینجا نشان داده شده‌اند. ممکن است شما مجموعه دیگری از میانگین‌های متحرک را ترجیح دهید. مشکلی نیست. تا زمانی که از آنها سود میبرید، به استفاده از آنها ادامه دهید.

برخی از شما ممکن است تعجب کنید که چرا من به سادگی یک مجموعه استاندارد از میانگین‌های متحرک را برای پیروی به شما ارائه نمی‌دهم. همانطور که احتمالاً میدانید، برخی از معامله‌گران اغلب به نمودار چهار ساعته پایبند هستند. در این بازه زمانی، برخی از میانگین‌های متحرک بهتر از بقیه عمل میکنند. سایر معامله‌گران ممکن است نمودار پنج دقیقه‌ای را ترجیح دهند، جایی که میانگین‌های متحرک دیگر ممکن است سیگنال‌های بهتری تولید کنند. انتخاب یک مجموعه میانگین متحرک ساده مورد علاقه مستلزم تمرین، با آزمون و خطا است. این یک تصمیم سریع نیست. نیاز به صبر و اشتیاق دارد.

تعیین محل حد ضرر

حد ضرر نباید در این استراتژی‌های معاملاتی به عنوان سطوح ثابت در نظر گرفته شود. به طور خاص:

هنگامی که شما طرفدار یک حد ضرر خاص هستید، دو سناریو وجود دارد:

اگر اصلاح از سطح ۵۰ درصد تا ۶۱.۸ درصد باشد، بسته به میزان تحمل ریسک هر معامله‌گر، میتوان حد ضرر را زیر سطح اصلاحی ۷۸.۶ درصد یا زیر آخرین کف قرار داد. دومی ممکن است شما را از نوسانات بالای بازار نجات دهد اما نسبت ریسک به ریوارد نامطلوب‌تری نسبت به اولی ارائه میدهد.



- اگر C در سطح اصلاحی ۷۸.۶ درصد به پایان برسد، قرار دادن حد ضرر زیر سطح ۱۰۰ درصد میتواند ایده خوبی باشد. شکست زیر کف نوسانی قبلی به این معنی است که تحلیل شما نامعتبر شده و باید از موقعیت خود خارج شوید. علاوه بر این، با قرار دادن حد ضرر زیر دره قبلی، میتوانیم از یک نسبت ریسک به ریوارد (R/R) مطلوب اطمینان حاصل کنیم. به عنوان مثال، ورود به موقعیت خرید در حدود سطح ۷۸.۶ درصد فیوناچی، با حد ضرر قرار داده شده درست زیر سطح ۱۰۰ درصد، یک نسبت R/R ۱:۳ برای یک حرکت کوتاه به قله قبلی (۰ درصد) فراهم میکند.
- از طرف دیگر، اگر معامله‌گر انعطاف‌پذیرتری هستید، ممکن است ترجیح دهید حد ضرر را درست زیر سیگنال تأیید (یعنی درست زیر سایه پایینی یک کندل در یک شکست) در یک روند صعودی یا درست بالای آن سیگنال در یک روند نزولی قرار دهید. فعال شدن حد ضرر شما آسان‌تر است، اما نسبت R/R شما اکنون بسیار بهتر از دو روش فوق است.

همچنین، لطفاً توجه داشته باشید که اینها فقط پیشنهاداتی برای محل قرار دادن حد ضرر شما بر اساس تجربه شخصی من هستند. به نظر من، آنها در بسیاری از موارد کار میکنند، اما

همچنین، لطفاً توجه داشته باشید که اینها فقط پیشنهاداتی برای محل قرار دادن حد ضرر شما بر اساس تجربه شخصی من هستند. به نظر من، آنها در بسیاری از موارد کار میکنند، اما نمیتوانم تضمین کنم که در تک تک معاملات شما کار خواهند کرد.

علاوه بر این، ممکن است روش‌های خوب دیگری برای تعیین محل حد ضرر وجود داشته باشد که میتوانید از تجربه معاملاتی خود اتخاذ کنید.

شما باید چندین بار روی نمودارهای واقعی تمرین کنید و موردی را انتخاب کنید که برای شما بهترین کارایی را دارد. برای هر معامله‌گر، حد ضرر ترجیحی آنها ممکن است با گذشت زمان تغییر کند؛ بنابراین، تمرین کلید است. در صورتی که در تعیین حد ضرر خود اطمینان ندارید، میتوانید به سطوح پیشنهادی در بالا مراجعه کنید.

فصل ۸: هنر خروج از معامله

در هر ستاپ معاملاتی، سه سطح حیاتی وجود دارد که باید آنها را شناسایی کنید: ورود، حد ضرر و برداشت سود.

از بین سه سطح فوق، تعیین هدف سود به مراتب دشوارترین است زیرا ترکیبی از علم و هنر است. در واقع، جایی که سطح سود خود را قرار میدهید میتواند تأثیر قابل توجهی بر سودآوری معاملات شما داشته باشد.

مشکل اکثر معامله‌گران این است که بیش از حد بر یافتن بهترین قیمت ورود تمرکز میکنند.

با این حال، "بهترین قیمت" بیشتر به جایی مربوط میشود که شما از معامله خود خارج میشوید.

به عنوان مثال، معامله‌گر A ممکن است در قیمت ۱.۴۱۰۰ پوند/دلار خرید کند و در قیمت ۱.۴۱۲۰ با ۲۰ پیپ سود خارج شود. در همین حال، معامله‌گر B ممکن است در قیمت ۱.۴۱۱۰ خرید کند اما در قیمت ۱.۴۱۵۰ با ۴۰ پیپ سود خارج شود. بنابراین، حتی اگر معامله‌گر A موقعیت را با قیمت "بهتری" باز کرده باشد، معامله‌گر B سود بیشتری کسب کرده است. با گفتن این حرف، منظورم این نیست که محل باز کردن معامله و محل تعیین دستور حد ضرر شما مهم نیست. منظورم این است که تعیین یک سطح برداشت سود مناسب حتی مهم‌تر از انتخاب سطح ورود و حد ضرر است.

خوشبختانه، امتدادهای فیبوناچی میتوانند در این امر به شما کمک کنند.

اصل: بدون قوانین ثابت

معامله‌گری تماماً مربوط به احتمالات است؛ بنابراین، ما نباید از یک سطح ثابت برداشت سود استفاده کنیم. هنر تعیین هدف سود به هر محیط بازار و همچنین سبک معاملاتی معامله‌گر بستگی دارد، که بعداً در این فصل به آن خواهیم پرداخت. اما ابتدا، اجازه دهید یک ترفند کوچک به شما بگویم که میتوانید در بسیاری از موارد از آن استفاده کنید.

روش سه قسمتی

ایده پشت این روش این است که شما را از دست دادن آنچه باید سود شما میبود نجات میدهد. همچنین، شما را از طمع - یکی از بزرگترین دشمنان همه معامله‌گران در بازارهای مالی -

نجات میدهد. استفاده از این ترفند به شما کمک میکند تا سرمایه معاملاتی خود را محافظت کنید.

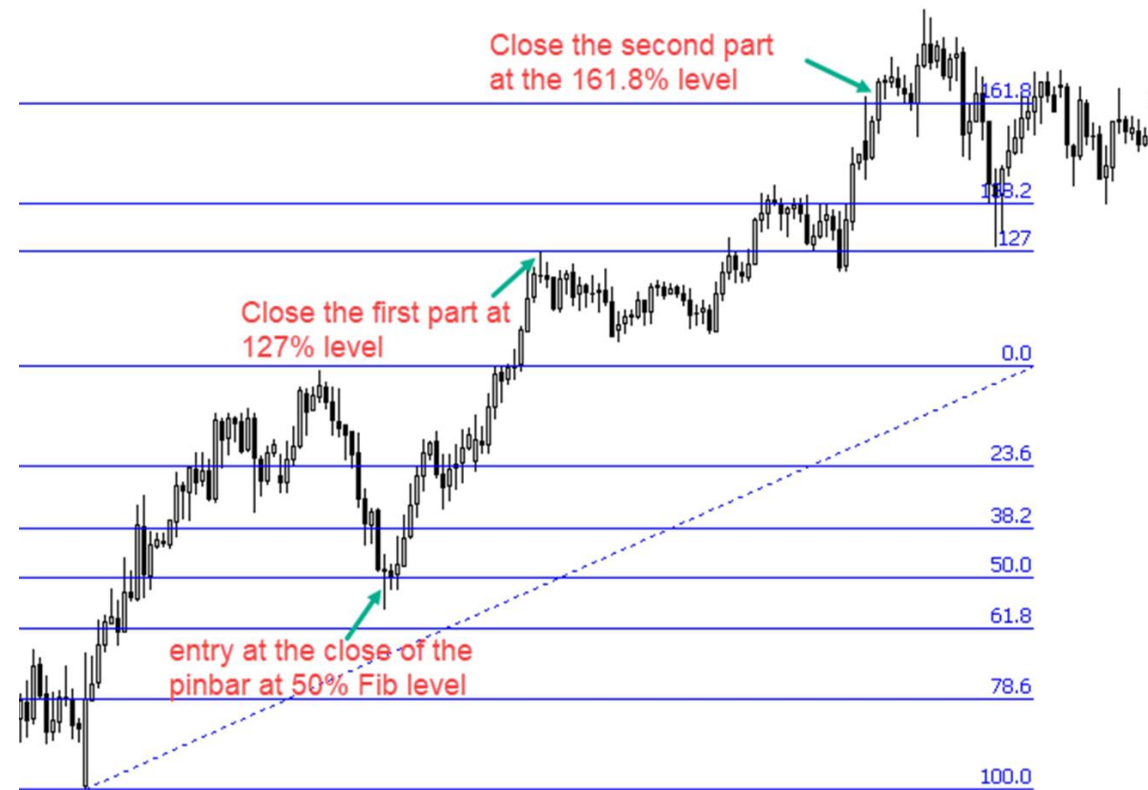
نحوه اعمال روش

ابتدا، تمام موقعیت‌های خود را در هیچ سطح قیمتی نمی‌بندید. در عوض، آن را گام به گام، همراه با بالا بردن سطح حد ضرر برای لذت بردن از سود، انجام می‌دهید. بر این اساس، اولین هدف باید سطح ۱۲۷ درصد یا ۱۳۸ درصد باشد، بسته به اینکه معامله را در کجا باز میکنید. پس از آن، اگر قیمت همچنان در جهت مورد انتظار شما حرکت کرد، به بستن قسمت دوم در سطح ۱۶۱.۸ درصد یا ۲۰۰ درصد ادامه دهید. در مورد یک سوم نهایی موقعیت، میتوانید بر اساس یک حمایت/مقاومت دیگر، الگوهای کندل استیک یا برخی دیگر از سیگنال‌های بازار برای افزایش سود خود تصمیم بگیرید.

نکته مهم در استفاده از این ترفند این است که پس از بسته شدن قسمت اول موقعیت، حد ضرر باید به نقطه ورود منتقل شود.

بیایید با یک مثال آن را روشن‌تر کنیم.

در مثال زیر، اصلاح در سطح ۵۰ درصد فیبوناچی به پایان میرسد. توجه کنید که چگونه بازار یک پین بار عالی در این سطح تشکیل داد، با قیمت بسته شدن آن درست بالای سطح میانی. یک موقعیت ورود میتواند در قیمت بسته شدن این کندل استیک قرار گیرد. هنگامی که معامله سودآور بود، قسمت اول در سطح امتداد ۱۲۷ درصد بسته شد. از آنجایی که قیمت به افزایش خود ادامه داد، قسمت دوم در سطح ۱۶۱.۸ درصد بسته میشود. در این مرحله ممکن است احساس راحتی کنید که به دنبال یک سیگنال خروج دیگر برای بستن قسمت سوم معامله باشید.



در مثال بالا، بازار روند بسیار قوی داشت. با این حال، اگر در مورد احتمال ادامه حرکت قوی در جهت کلی تردید دارید، بستن قسمت دوم در امتداد ۱۳۸ درصد را در نظر بگیرید. ببینید چگونه بازار هنگام رسیدن قیمت به امتداد ۱۳۸.۲ درصد در بالا، یک اصلاح ملایم انجام داد. گاهی اوقات، هدف اول محقق میشود، اما قیمت به سطح فیوناچی بعدی نمیرسد. در مثال زیر، یک روند نزولی وجود داشت. اصلاح عمیق بود، تا سطح ۶۱.۸ درصد اصلاحی. نقطه ورود در قیمت بسته شدن کندل زیر میانگین متحرک ۵۰ بود.



قیمت به خوبی تا سطح امتداد ۱۲۷ درصد پایین رفت و قسمت اول معامله بسته شد. ناگهان، خریداران وارد شدند. قیمت معکوس شد و شروع به افزایش کرد. هنوز دو قسمت از معامله باز بود، اما حد ضرر به نقطه ورود منتقل شده بود. انجام این کار برای مدیریت معاملات بسیار مهم است.

افزایش قیمت ادامه یافت. در نهایت، ما با فعال شدن حد ضرر از معامله خارج شدیم، اما همچنان معامله را با سود بستیم.

روش کار به این صورت است. گاهی اوقات خوش شانس هستید: روند قوی است و میتوانید هر سه قسمت را در سطوح بالاتری ببندید. در مواقع دیگر، با ضرر یا سود حاصل از بسته شدن در اولین سطح امتداد، از معامله خارج خواهید شد.

اگر این اصل برای شما خیلی پیچیده است، با تقسیم موقعیت خود به دو قسمت شروع کنید و از مزایای آن بهره‌مند شوید. به نظر من، حفظ سرمایه باید اولویت اول در معامله‌گری باشد.

چگونه سود کسب کنیم:

اکنون به مهم‌ترین بخش این فصل می‌رسیم: کجا دستور برداشت سود برای معامله خود را قرار دهیم.

همانطور که اشاره کردم، برداشت سود باید بر اساس هر محیط بازار و همچنین سبک‌های معاملاتی معامله‌گران باشد. بیایید به برخی از سناریوهای زیر بپردازیم:

۱. روند قوی با اصلاح کم‌عمق

قدرت روند جاری ممکن است به تعیین فاصله حرکت کمک کند. یک اصلاح کوتاه که به دنبال آن یک جهش سریع به جهت اصلی خود رخ می‌دهد، ممکن است نشان دهنده قوی بودن روند باشد. در این حالت، هدف حداقل در سطح ۱۶۱.۸ درصد یا سطح حمایت/مقاومت اصلی بعدی باید در نظر گرفته شود. به نمودار چهار ساعته طلا در زیر نگاهی بیندازید:



توجه کنید که چگونه میانگین متحرک ساده ۵۰ به عنوان یک حمایت عالی در سطح ۳۸.۲ درصد عمل کرد. در این خط اصلاح کم‌عمق، یک الگوی کندل استیک صعودی بلند تشکیل شد که به شدت توسط میانگین متحرک ساده ۵۰ حمایت میشد. این یک همگرایی عالی (اصلاح فیبوناچی، الگوی کندل استیک و میانگین متحرک ساده ۵۰) برای قرار دادن موقعیت خرید بود. طول نکشید که قیمت به سطح ۱۶۱.۸ درصد و سطح ۲۰۰ درصد رسید.

گاهی اوقات، اگر نوسانات خاصی در طول از سرگیری روند رخ دهد، میتوانید از روش سه قسمتی که در بالا بحث شد استفاده کنید. این روش ممکن است به شما کمک کند تا از بازگشت غیرمنتظره قیمت در امان بمانید. اقدام به تقسیم برداشت سود به سه مرحله، موفقیت معامله را بهتر تضمین می‌کند.

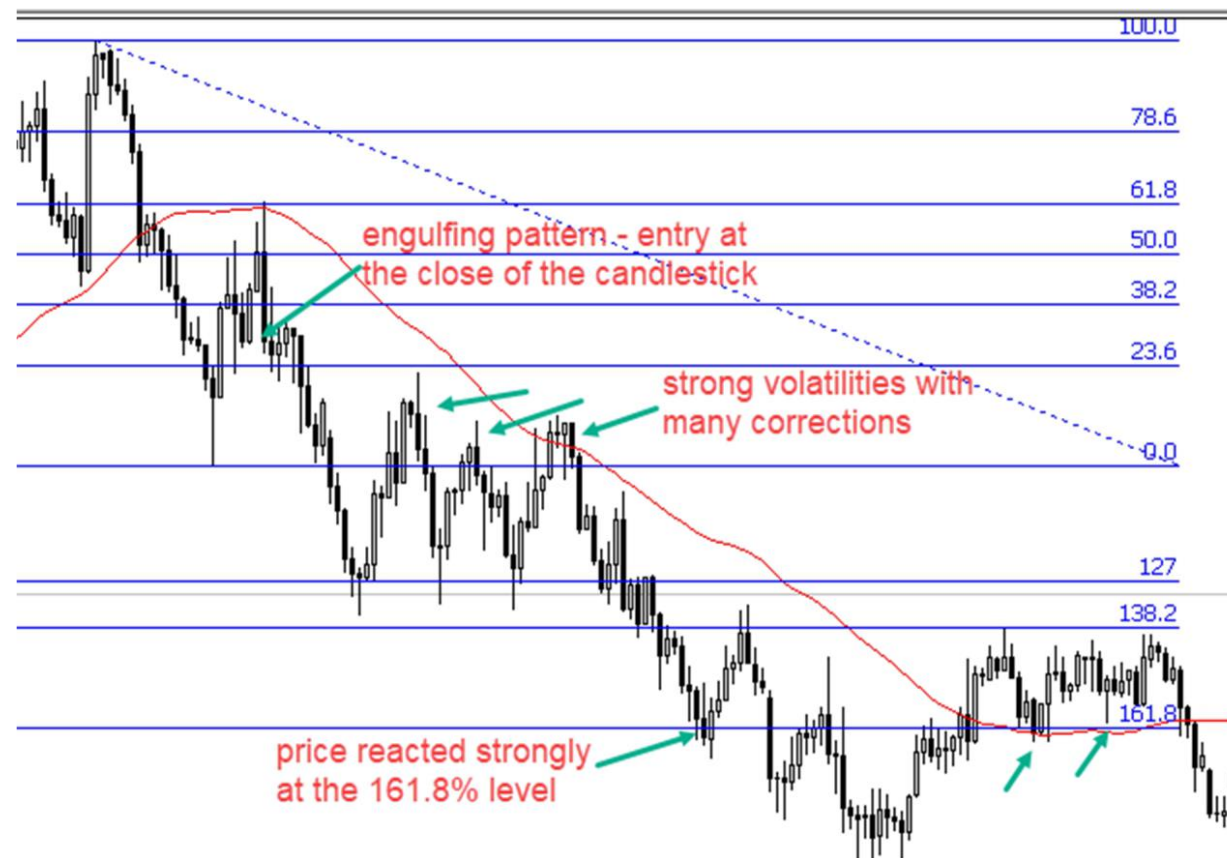
در این حالت، آخرین بسته شدن باید بر اساس حمایت/مقاومت یا نوعی الگوی کندل استیک بازگشتی باشد. باز هم از مثال بالا، با نگاهی به گذشته، یک سطح مقاومت در خط امتداد ۲۰۰ درصد مشاهده خواهیم کرد. به این ترتیب، هدف سود بالقوه بعدی باید سطح ۲۰۰ درصد باشد.



۲. بازار یک اصلاح متوسط/عمیق ایجاد میکند

یک اصلاح عمیق در سطح ۷۸.۶ درصد ممکن است نشان دهد که روند اصلی فاقد قدرت و مومنتوم است. در این حالت، انتخاب سطح ۱۳۸.۲ درصد ممکن است تصمیم مناسب‌تری باشد. در مورد اصلاح تا ۶۱.۸ درصد، در حالیکه یک اصلاح عمیق در نظر گرفته میشود، نسبت طلایی در معامله‌گری نیز محسوب میشود. از این رو، باید توجه بیشتری به آن سطح داشته باشید. قیمت برداشت سود ممکن است بالاتر، در خط ۱۶۱.۸ درصد، یا سطح حمایت/مقاومت اصلی بعدی باشد. با این حال، از آنجایی که مومنتوم ممکن است به اندازه یک اصلاح کم‌عمق قوی نباشد، روش سه قسمتی باید در این سناریو در نظر گرفته شود.

به طور مشابه، در مورد اصلاح ۵۰ درصد، خروج در حدود خط ۱۶۱.۸ درصد، همراه با روش سه قسمتی ممکن است در بسیاری از موارد انتخاب خوبی باشد. اگر معامله‌گر محافظه‌کارتری هستید، ممکن است بخواهید خروجی در حدود سطح ۱۳۸.۲ درصد را انتخاب کنید. با این حال، به یاد داشته باشید که گاهی اوقات، بازار ممکن است از این سطح عبور کند. به مثال زیر نگاهی بیندازید.



بازار در یک روند نزولی قرار داشت و در سطح ۶۱.۸ درصد اصلاح میکرد. درست پس از لمس این سطح، یک الگوی پوششی ظاهر شد و قیمت را تا سطح ۱۲۷ درصد پایین کشید، جایی که قسمت اول موقعیت باید بسته میشد. توجه کنید که چگونه بازار در این سطح واکنش شدیدی نشان داد اما نتوانست حد ضرر (که به قیمت ورود منتقل شده بود) را فعال کند. سپس بازار به مومنتوم نزولی خود ادامه داد و تا سطح ۱۶۱.۸ درصد پایین رفت. کسانی که از روش سه قسمتی استفاده کرده بودند، از سود این معامله بهره‌مند میشدند.

۳. میزان ریسک‌پذیری شما واقعاً مهم است

مهم‌تر از همه، میزان تحمل ریسک شما ممکن است بر تصمیم معاملاتی شما تأثیر بگذارد.

اگر معامله‌گر اگرسیوی هستید که مایل به پذیرش ریسک است، ممکن است سطح سود را در حدود خط ۱۶۱.۸ درصد یا بالاتر انتخاب کنید، در حالیکه یک معامله‌گر محافظه‌کار ممکن است سطح ۱۳۸.۲ درصد یا حتی ۱۲۷ درصد را انتخاب کند. علاوه بر این، روش سه قسمتی ممکن است بیشتر اوقات توسط آنها اتخاذ شود زیرا ممکن است آنها سرمایه معاملاتی را بسیار بالاتر از سودآوری در اولویت خود قرار دهند.

بیایید به مثال بالا برگردیم.



میبینیم که بازار یک پولبک عمیق انجام داد. یک معامله‌گر محافظه‌کار ممکن است پس از آن چندان به یک حرکت نزولی قوی اطمینان نداشته باشد. آنها ممکن است تصمیم بگیرند کل سود را در سطح ۱۲۷ درصد یا ۱۳۸.۲ درصد ببندند. توجه کنید که چگونه قیمت پس از لمس سطح ۱۲۷ درصد واکنش شدیدی نشان داد.

از طرف دیگر، یک معامله‌گر اگرسو ممکن است خوش‌بین‌تر باشد. آنها میدانند که ۶۱.۸ درصد یک نسبت طلایی است و یک اصلاح در این سطح ممکن است شروع یک از سرگیری قوی پس از آن باشد. به جای انتخاب ۱۲۷ درصد یا ۱۳۸.۲ درصد به عنوان هدف سود، ممکن است طرفدار روش سه قسمتی باشند. اولین و دومین بسته شدن باید در ۱۲۷ درصد و ۱۶۱.۸ درصد انجام شود، و یک سوم آخر میتواند برای یک سطح حمایت اصلی دیگر باز گذاشته شود.

گاهی اوقات، در انتخاب قیمت برداشت سود "درست" یا "غلط" وجود ندارد. این احساس شما در صورت برد یا باخت است که به شما کمک میکند تصمیم بگیرید کدام سطح را برای برداشت سود انتخاب کنید.

توجه: مشابه قیمت ورود، به خاطر داشته باشید که قیمت ممکن است تقریباً به سطح سود مورد نظر شما برسد و ناگهان معکوس شود.

این میتواند ناشی از این واقعیت باشد که بسیاری از معامله‌گران دیگر نیز به آن سطح چشم دوخته‌اند. هنگامی که قیمت به این سطح نزدیک میشود، بسیاری از آنها ممکن است معاملات خود را درست قبل از شما ببندند و باعث یک بازگشت غیرمنتظره شوند.

بستن معامله خود چند پیپ پایین‌تر/بالتر از سطح قیمت دقیق بسیار توصیه میشود. با انجام این کار، شانس خود را برای بستن معامله افزایش میدهید در حالیکه سود شما به طور قابل توجهی تحت تأثیر قرار نمیگیرد.

با این حال، در موارد خاص، قیمت ممکن است از سطح امتداد فراتر رود. همانطور که در بالا اشاره کردم، این بخشی از معامله‌گری است و باید آن را بپذیرید. مهم‌ترین چیز داشتن برنامه‌ای است که بتواند نقاط خروج قابل اعتمادی را به شما ارائه دهد. با گذشت زمان، با اعمال مداوم آنچه باید انجام دهید و اجتناب از آنچه نباید انجام دهید، پیشرفت خود را درک خواهید کرد. معامله‌گری تماماً مربوط به نتایج بلندمدت است.

نتیجه‌گیری

روش‌های مختلفی وجود دارد که امتدادهای فیبوناچی می‌توانند به شما در یافتن مناطق سود کمک کنند. اگر در مورد نحوه انتخاب یک هدف قابل اعتماد برای خروج خود مطمئن نیستید، استفاده از امتدادهای فیبوناچی بسیار توصیه می‌شود. این به شما کمک میکند تا عینیت را جایگزین ذهنیت در تصمیم‌گیری خود کنید و احتمال موفقیت را به نفع خود افزایش دهید.

فصل ۹: ترکیب عالی فیبوناچی و امواج الیوت

نظریه امواج الیوت یکی از جذاب‌ترین و مؤثرترین ابزارهای تحلیل در بازارهای مالی است. این ابزاری است که بسیاری از معامله‌گران با تجربه چه در معاملات سهام، فارکس، ارزهای دیجیتال یا کالا از آن استفاده میکنند.

در حالیکه بسیاری از معامله‌گران کسب سود در بازارهای مالی را دشوار میدانند، برخی هستند که سودآورند. این معامله‌گران دائماً در مورد "در چه موجی هستیم" صحبت میکنند. امواج الیوت یک ابزار پیش‌بینی است که میتواند برای بسیاری از معامله‌گران مفید باشد. امواج الیوت مانند فیبوناچی به شما ایده‌ای میدهد که بازارها ممکن است به کجا بروند.

امواج الیوت به ما کمک میکند تا روند غالب و روند خلاف جهت را شناسایی کنیم. در روند غالب، حرکات در جهت روند به عنوان حرکات ایمپالس (Impulse) شناخته میشوند، در حالیکه حرکات در خلاف جهت به عنوان حرکات اصلاحی (Corrective) شناخته میشوند.

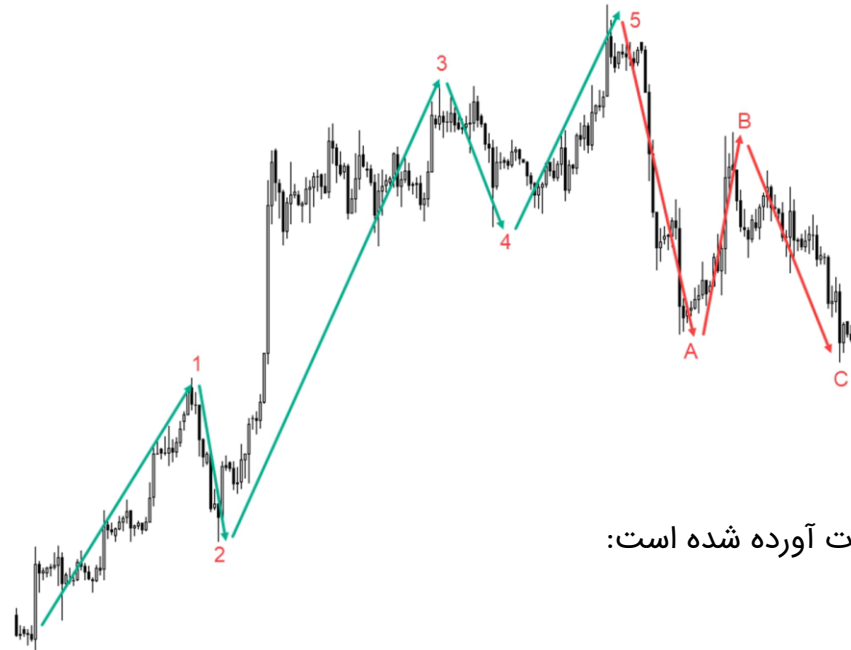
یک روند غالب معمولی تمایل دارد در پنج موج آشکار شود: (۱) ایمپالس، (۲) اصلاحی، (۳) ایمپالس، (۴) اصلاحی و (۵) ایمپالس.

بیاید به پنج موج در روند صعودی زیر نگاهی بیندازیم.



همانطور که مشاهده میشود، موج ۴ با موج ۱ همپوشانی ندارد. اگر این اتفاق بیافتد، آن موج دیگر به عنوان موج ۴ در الگوی موج ایمپالس واجد شرایط نخواهد بود. در این مورد بعداً بیشتر توضیح خواهیم داد.

در مورد روند خلاف جهت، اغلب شامل سه موج است که معمولاً به عنوان A، B و C شناخته میشوند. تصویر زیر هم روند غالب و هم روند خلاف جهت را نشان میدهد.



در اینجا برخی از قوانین برای یک چرخه استاندارد امواج الیوت آورده شده است:
روند غالب (فاز انگیزشی):

موج ۲ نمیتواند بیش از ۱۰۰ درصد موج ۱ را اصلاح کند.

موج ۳ هرگز کوتاهترین موج در بین پنج موج نیست. در بسیاری از موارد، موج ۳ طولانیترین است.

موج ۴ نمیتواند وارد قلمرو موج ۱ شود.

اغلب یک موج توسعه یافته در بین سه موج ایمپالس وجود دارد.

روند خلاف جهت (فاز اصلاحی):

۱. موج B از ابتدای موج A فراتر نمیرود.

۲. موج C از انتهای موج A عبور میکند.

چگونه ابزارهای فیبوناچی را با امواج الیوت در معامله‌گری ترکیب کنیم

اینجاست که ابزارهای فیبوناچی هیجان‌انگیز میشوند. همانطور که قبلاً میدانید، امتدادهای فیبوناچی به ما در تعیین اهداف قیمتی پیش‌بینی‌کننده کمک میکنند، در حالیکه اصلاحات فیبوناچی توقف‌های قیمتی احتمالی را پس از یک حرکت قوی نشان میدهند. هنگامی که ابزارهای فیبوناچی را با امواج الیوت ترکیب میکنیم، ممکن است به ما اجازه دهند از سود مستمر در معاملات لذت ببریم.

در زیر، نحوه استفاده از تکنیک‌های فیبوناچی را در هر یک از امواج روند غالب تجزیه و تحلیل خواهیم کرد.

موج ۱:

معمولاً در این موج هیچ نقطه پیش‌بینی وجود ندارد، صرفاً به این دلیل که این نقطه شروع شماسست و هنوز ناحیه اصلاحی وجود ندارد.

موج ۲ و ۴:

اگر تجربه معاملاتی داشته باشید، موج ۲ در مقایسه با موج ۱ تمایل به یک اصلاح عمیق دارد: یعنی ۵۰ درصد، ۶۱.۸ درصد و ۷۸.۶ درصد. گاهی اوقات، ممکن است فقط در ۳۸.۲ درصد اصلاح کند.

در همین حال، موج ۴ در مقایسه با موج ۳ تمایل به یک اصلاح کم‌عمق دارد. قابل درک است که موج ۳ معمولاً طولانی‌ترین است؛ بنابراین، موج ۴ ممکن است یک اصلاح عمیق نباشد. در غیر این صورت، میتواند قلمرو موج ۱ را نقض کند. پولبک موج ۴ اغلب از ۲۳.۶ درصد تا ۵۰ درصد متغیر است. گاهی اوقات، ممکن است تا ۶۱.۸ درصد بازگردد، اما احتمال آن کم است. این امر منجر به یک استراتژی در معامله پولبک‌ها با یافتن همگرایی بین فیبوناچی و امواج الیوت میشود. یک اصلاح عمیق موج ۲ تا حدود ۵۰ درصد، ۶۱.۸ درصد یا ۷۸.۶ درصد ممکن است راه را برای یک حرکت صعودی بالقوه پس از آن هموار کند. بیایید به تصویر زیر نگاهی بیندازیم.



همانطور که مشاهده میشود، موج ۲ نسبتاً عمیق است (حدود ۷۸.۶ درصد از موج ۱). باز کردن معامله در قیمت بسته شدن الگوی پوششی درست در سطح اصلاحی، به شما این امکان را میداد که سوار یک موج بسیار طولانی (موج ۳ + موج ۵) شوید. توجه کنید که موج ۴ پس از تکمیل موج ۳ فقط یک اصلاح کمعمق بود. علاوه بر این، تصویر یک همبستگی مهم دیگر بین دو موج اصلاحی را نشان میدهد: اگر یکی از آنها (موج ۲) ساده باشد، دیگری (موج ۴) تمایل به پیچیده بودن دارد، و بالعکس. همچنین، در این مورد، موج ۵ موج توسعه یافته است. بازار کاملاً تحت سلطه خرسها بود.

موج ۳:

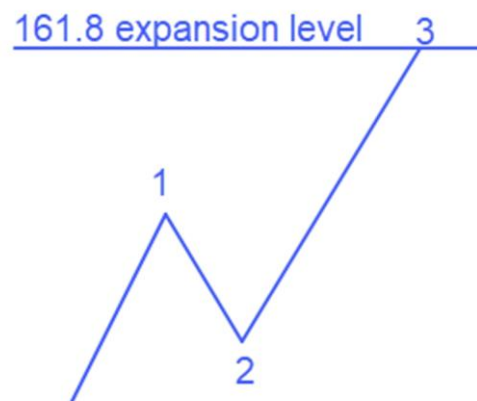
به یاد داشته باشید که اغلب حداقل یک موج توسعه یافته در بین سه موج ایمپالس وجود دارد. همه می‌خواهند سوار موج توسعه یافته شوند، زیرا این موج دارای دو ویژگی است که هر معامله‌گری آرزوی آن را دارد: سودهای بزرگ و سریع.

در مثال بالا، موج ۵ موج توسعه یافته است. با این حال، آمار نشان می‌دهد که در بیشتر موارد، موج ۳ موج توسعه یافته است. همانطور که قبلاً میدانید، این موج نمیتواند کوتاه‌ترین موج در بین سه موج ایمپالس باشد.

حال، فرض کنید معتقدید که یک موج توسعه یافته در یک رشته پنج موجی در حال شکل‌گیری است، برای شناسایی هدف احتمالی حرکت قیمت، چند کار باید انجام دهید. خوشبختانه، امتدادهای فیبوناچی میتوانند کمک کنند.

در فصل ۳، آموختیم که چگونه با استفاده از سه نقطه A، B و C امتدادهای فیبوناچی را رسم کنیم. یک موج توسعه یافته معتبر باید حداقل ۱۶۱.۸ درصد از فاصله بین نقطه A و نقطه B باشد. این بدان معناست که هدف باید حداقل سطح امتداد ۱۶۱.۸ درصد باشد.

به تصویر زیر نگاهی بیندازید:



به خاطر داشته باشید که امواج توسعه یافته اغلب حرکات انفجاری هستند و این به توضیح اینکه چرا معامله‌گران اغلب علاقه زیادی به این امواج دارند کمک میکند. همچنین، سطح امتداد ۱۶۱.۸ درصد در واقع حداقل سطحی است که یک موج توسعه یافته در نظر گرفته میشود. در واقع، امتدادها ممکن است تا سطح ۲۶۱.۸ درصد یا ۴۶۱.۸ درصد نیز برسند. این نشان میدهد که سوار شدن بر موج با استفاده از فیبوناچی و امواج الیوت چقدر مهم است.

به نمودار روزانه دلار نیوزلند در برابر دلار آمریکا (NZD/USD) در زیر نگاهی بیندازید.



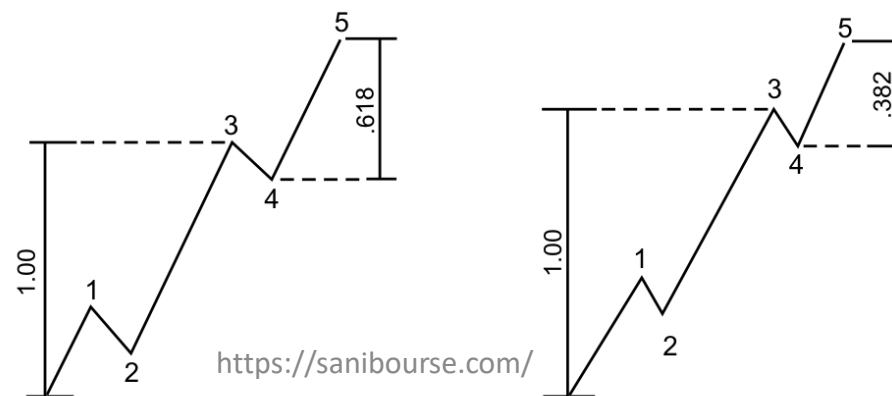
همانطور که میبینید، موج ۲ بار دیگر یک اصلاح عمیق بود، با بسته شدن کندل درست در سطح ۶۱.۸ درصد. از آن نقطه، قیمت بدون هیچ حرکت قابل توجهی در خلاف جهت، به شدت صعود کرد. انتهای موج ۳ بالاتر از سطح ۲۶۱.۸ درصد بود و کسانی که به این موج پیوستند، سودآور بوده‌اند. در این حالت، با قرار دادن حد ضرر زیر سطح ۶۱.۸ درصد و هدف برداشت سود در سطح ۲۶۱.۸ درصد، ممکن است نسبت ریسک به ریوارد فوق‌العاده ۱:۷ را به دست آورید.

موج ۵:

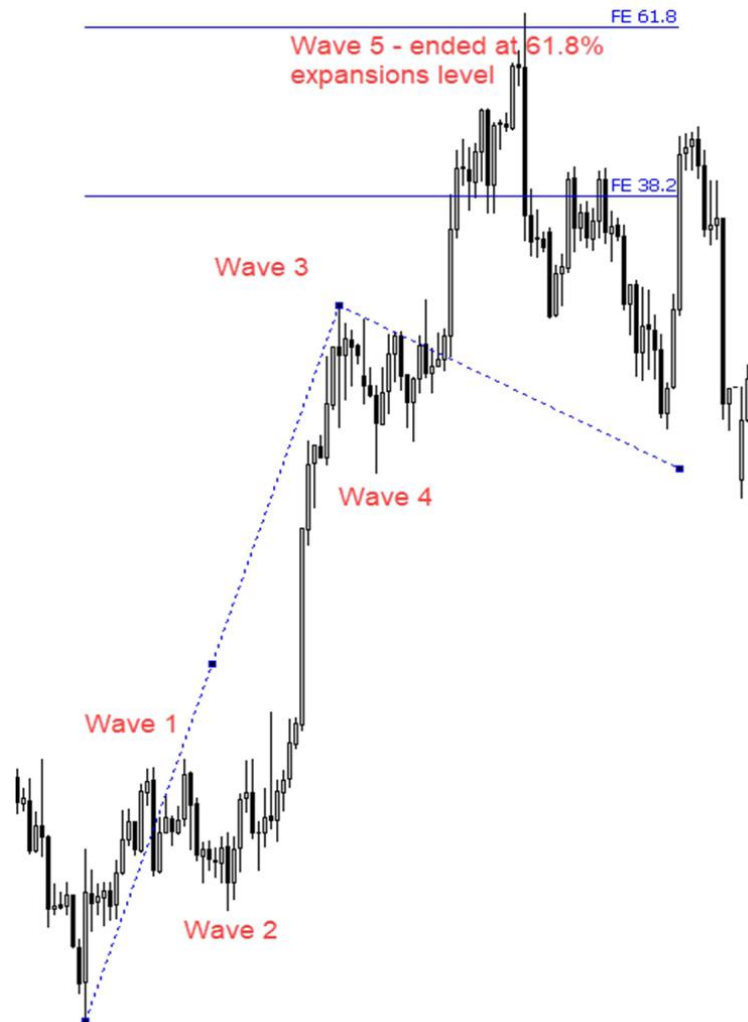
انتظار نمی‌رود این موج خیلی دور برود، به خصوص زمانی که موج ۳ توسعه یافته باشد. با این حال، شما همچنان می‌توانید بر اساس عملکرد موج ۴ از معامله موج ۵ استفاده کنید. همانطور که در بالا ذکر شد، موج ۴ اغلب یک اصلاح کم‌عمق است و انتظار می‌رود اصلاح عمیق‌تر از سطح ۵۰ درصد نباشد. اصلاح از ۶۱.۸ درصد تا ۷۸.۶ درصد احتمال کمتری دارد. به خاطر داشته باشید که اگر موج ۲ یک اصلاح عمیق باشد، شانس اینکه موج ۴ یک اصلاح کم‌عمق باشد حتی بیشتر است (قانون تناوب در چرخه امواج الیوت). به این ترتیب، یک موقعیت باز شده در حدود سطح ۲۳.۶ درصد یا ۳۸.۲ درصد می‌تواند راه خوبی برای معامله موج ۵ باشد. سوال مهم بعدی مربوط به زمان و مکان قرار دادن سطوح برداشت سود است.

یک ترفند برای محاسبه هدف بالقوه، مقایسه طول موج ۵ با فاصله از ابتدای موج ۱ تا انتهای موج ۳ است. یک هدف برای نشانه گرفتن، فاصله ۳۸.۲ درصد از موج ۱ تا موج ۳ است. ممکن است تا ۶۱.۸ درصد این فاصله نیز برسد، اگرچه احتمال آن کمتر است.

برای درک بهتر، به تصویر زیر نگاهی بیندازید.



اگر هنوز استفاده از امتدادهای فیوناچی را به خاطر دارید، میتوانید به راحتی هدف بالقوه موج ۵ را اندازه‌گیری کنید، با A در ابتدای موج ۱، B در انتهای موج ۳، و C در انتهای موج ۴. حالا، بیایید به یک مثال واقعی بپردازیم تا ببینیم چگونه میتوان از این برای تعیین یک هدف بالقوه برای موج ۵ استفاده کرد.



نمودار روزانه EUR/USD در بالا شاهد یک موج ۳ توسعه یافته قبل از تشکیل یک موج ۴ اصلاحی ملایم بود. پس از چند نوسان در موج چهارم، بازار روند صعودی خود را در موج ۵ ادامه داد و در امتداد ۶۱.۸ فیوناچی به پایان رسید. توجه داشته باشید که امتدادها از ابتدای موج ۱ تا انتهای موج ۳ رسم شده و سپس تا انتهای موج ۴ کشیده شده‌اند. به خاطر داشته باشید که موج ۳ توسعه یافته بود، بنابراین احتمال اینکه موج ۵ خیلی دور برود زیاد نبود. در این حالت، هدف از سطح امتداد ۳۸.۲ درصد تا ۶۱.۸ درصد مناسب‌تر است. با در نظر گرفتن این موضوع، اگر موج ۵ موج توسعه یافته باشد، طول آن میتواند بسیار بیشتر باشد (به مثال ابتدای این فصل نگاهی بیندازید). اگر موج ۳ نتواند به سطح ۱۶۱.۸ درصد برسد یا تقریباً به آن برسد، احتمال اینکه موج ۵ کاندیدای توسعه باشد زیاد است. در این صورت، باید برای یک حرکت بیشتر آماده باشید. روش سه قسمتی که در فصل ۸ مورد بحث قرار گرفت باید در آن سناریو استفاده شود.

به طور کلی، اگر بازار در یک روند قوی قرار دارد و میخواهید موقعیتهای بیشتری به معاملات خود اضافه کنید، معامله موج ۵ میتواند ایده خوبی باشد. به طور خلاصه، شمارش امواج الیوت در ترکیب با فیوناچی میتواند نتایج بسیار قابل اعتمادی ایجاد کند. در حالیکه معامله‌گران ممکن است بیشتر توجه خود را به موج ۳ معطوف کنند، درک امواج بر اساس اصلاحات فیوناچی ممکن است بهترین گزینه را برای ورود به معامله به آنها بدهد. موج ۵ میتواند یک انتخاب ایده‌آل برای افزودن یک موقعیت به معاملات شما، بر اساس یک پایان از پیش تعیین شده برای موج ۴ باشد. امتدادهای فیوناچی نقش مهمی در تعیین اهداف بالقوه برای هر دو موج ۳ و ۵ ایفا میکنند.

فصل ۱۰: اسرار مدیریت بهتر معاملات

به طور گسترده‌ای پذیرفته شده است که مدیریت سرمایه و روانشناسی معاملات حدود ۹۰ درصد موفقیت در معامله‌گری را تشکیل می‌دهند. ممکن است در تکنیک‌های فیوناچی مهارت داشته باشید، اما بدون مدیریت خوب سرمایه و روانشناسی خود، در نهایت با ضرر مواجه خواهید شد.

بازار هر روز فرصت‌های معاملاتی متعددی را فراهم می‌کند. گاهی اوقات، ممکن است آنقدر در مورد یک ستاپ معاملاتی هیجان‌زده شوید که حجم معاملات خود را دو یا سه برابر یا حتی بیشتر افزایش دهید. در مواقع دیگر، ممکن است آنقدر از یک ضرر عصبانی و افسرده شوید که حتی اگر سیگنال‌ها به اندازه کافی واضح نباشند تا طبق مجموعه قوانین اصلی خود عمل کنید، موقعیت‌های متوالی زیادی باز کنید.

در حالیکه احساسات می‌توانند بر توانایی شما در تصمیم‌گیری‌های هوشمندانه تأثیر بگذارند، خاموش کردن کامل آنها غیرممکن است. به همین دلیل است که باید یاد بگیرید چگونه احساسات خود را مدیریت کنید تا معاملات شما با قوانین و دستورالعمل‌های مورد نظر شما همسو باشد. در زیر برخی از روش‌های مؤثر برای حفظ مسیر معاملات شما آورده شده است.

۱. حد ضرر و قانون دو درصد

برخی از معامله‌گران هرگز حد ضرر تعیین نمی‌کنند. آنها می‌ترسند که با فعال شدن حد ضررشان، فرصت خوبی را از دست بدهند. آنها از دست دادن سودهای بالقوه می‌ترسند. اما به یاد داشته باشید، آنها همچنین کسانی هستند که اغلب دعا می‌کنند قیمت در جهت مورد انتظارشان بازگردد، فقط برای اینکه ببینند ضررشان بیشتر و بیشتر می‌شود. به عنوان یک معامله‌گر، شما باید همیشه برای معاملات خود حد ضرر تعیین کنید. همراه با تعیین حد ضرر، نکته مهم دیگر میزان ریسکی است که برای هر معامله می‌پذیرید. احتمالاً در مورد قانون ۲ درصد شنیده‌اید. ایده اصلی این است که شما نباید در هر معامله بیش از ۲ درصد از سرمایه معاملاتی فعلی خود را به خطر بیندازید. به عنوان مثال، اگر موجودی حساب معاملاتی شما ۱۰۰۰۰ دلار است، نباید بیش از ۲۰۰ دلار ریسک کنید.

اگر می‌خواهید ریسک بیشتری کنید، باید سرمایه معاملاتی خود را افزایش دهید. در حالیکه پیروی از این راهنمایی ممکن است دشوار به نظر برسد، این کاری است که باید انجام دهید.

معامله‌گری باید به عنوان یک سفر طولانی مدت دیده شود نه ثروت یک شبه.

مدیریت سرمایه خوب به شما کمک میکند در این سفر موفق شوید. همانطور که شنیده‌اید، قانون شماره یک در معامله‌گری حفظ سرمایه است. قانون شماره دو این است که "هرگز قانون شماره یک را فراموش نکنید."

اگر حساب شما به اندازه کافی بزرگ نیست چه باید کرد

اگر حساب شما به اندازه کافی بزرگ نیست، به سادگی معاملات خود را با مبالغ کمتری اجرا کنید. با انجام این کار، میتوانید به اصل ریسک ۲ درصد پایبند باشید. ممکن است استدلال کنید که با استفاده از مبالغ کمتر، به دست آوردن سود کافی دشوار است. ممکن است فکر کنید معامله به این روش کمی خسته‌کننده است. به یاد داشته باشید که معامله‌گری یک تلاش طولانی مدت است که نیاز به تمرین و صبر زیادی دارد. در حالیکه شروع با مبالغ کم ممکن است کسل کننده به نظر برسد، با انجام این کار تجربه و تکنیک‌های ارزشمندی کسب خواهید کرد که منجر به نتایج مثبت و سودهای بیشتر و بیشتر خواهد شد. بالاخره، آیا دلیل شروع معامله‌گری شما همین نبود؟

آیا راه‌های بهتری برای لذت بردن از معاملات وجود دارد؟

همانطور که اشاره کردم، پیروی از قوانین همیشه آسان نیست. در واقع، برخی از معامله‌گران در همان اولین معاملات خود قانون را نقض میکنند. اگر میخواهید بیش از ۲ درصد از حساب خود را ریسک کنید و معتقدید که برای آن آماده هستید، این توصیه را بگیرید: سرمایه معاملاتی خود را به دو حساب جداگانه تقسیم کنید، ۸۰ درصد پول خود را در یک حساب و ۲۰ درصد را در حساب دوم قرار دهید. شما قرار است با هر دو حساب معامله کنید، اما با رویکردهای متفاوت. با حساب بزرگتر، باید به قانون ۲ درصد پایبند باشید، زیرا بیشتر پول شما در این حساب است و باید به هر قیمتی از آن محافظت کنید. حساب دوم جایی است که میتوانید با درصد ریسک بیشتری در هر معامله معامله کنید. اگر بتوانید تصمیمات معاملاتی خوبی بگیرید، هر دو حساب شما رشد خواهند کرد. با ریسک‌های بالاتری که در حساب دوم گرفته میشود، سود بیشتری در مجموع خواهید داشت.

اگر، با این حال، به نظر میرسد تصمیمات معاملاتی شما اشتباه است، نگران نباشید، شما فقط ریسک‌های بیشتر را با درصد کمتری از سرمایه خود پذیرفته‌اید، بنابراین ضرر از نظر روانی چندان دردناک نخواهد بود. در حالیکه ممکن است مقدار قابل توجهی پول از حساب کوچکتر از دست بدهید، بیشتر پول نقد شما در حساب بزرگتر حفظ و تحت کنترل خواهد بود. با تقسیم حساب خود به دو حساب جداگانه، درک عمیق‌تری از این خواهید داشت که آیا آماده معامله با موقعیت‌های بزرگتر هستید یا خیر. گاهی اوقات، معامله‌گران بدون اینکه متوجه شوند، بیش از حد توان خود ریسک میکنند. آنها از خطرات معامله در اندازه‌های موقعیت بزرگ آگاه نیستند. با معامله محافظه‌کارانه‌تر با دو حساب برای یک دوره اولیه محدود، آنها میتوانند یک منطقه معاملاتی عمیق‌تر را درک کنند.

۲. بالا بردن دستور حد ضرر

در فصل‌های قبلی به بالا بردن حد ضرر اشاره کردم. بالا بردن حد ضرر یکی از بهترین راه‌ها برای مدیریت مؤثر معاملات است. در فصل‌های قبلی، توصیه کردم زمانی که معامله شما سودآور است، دستور حد ضرر را تغییر دهید. با این حال، نیازی نیست فوراً این کار را انجام دهید. میتوانید این مرحله را گام به گام بر اساس شرایط بازار انجام دهید. فرض کنید، برای مثال، یک موقعیت باز میکنید و حد ضرر را ۱۰ واحد زیر نقطه ورود تعیین میکنید. قیمت در حال افزایش است و در شرف شکستن آخرین سطح مقاومت است. سپس تصمیم میگیرید حد ضرر را به ۵ واحد زیر نقطه ورود تغییر دهید. پس از آن، قیمت به پیشروی بالاتر ادامه میدهد و اولین هدف (یعنی سطح ۱۲۷٪) محقق میشود. در این وضعیت، باید یک سوم موقعیت خود را ببندید و حد ضرر را به نقطه ورود منتقل کنید. اکنون میتوانید مطمئن باشید که معامله شما سودآور است. اگر اوضاع بدتر شود و بازار شاهد وخامت سریع باشد، حد ضرر شما قبلاً در نقطه ورود قرار دارد. در بدترین سناریو، این فقط معامله شما را بدون ضرر به صفر باز میگرداند.

رعایت قانون ۲٪ و بالا بردن حد ضرر، شانس موفقیت شما در معامله‌گری را افزایش میدهد.

هنگامی که وارد معامله میشوید، حد ضرر خود را در جایی زیر نقطه ورود (در یک روند صعودی) قرار دهید. وقتی میبینید که روند به خوبی در حال افزایش است، باید حد ضرر خود را به

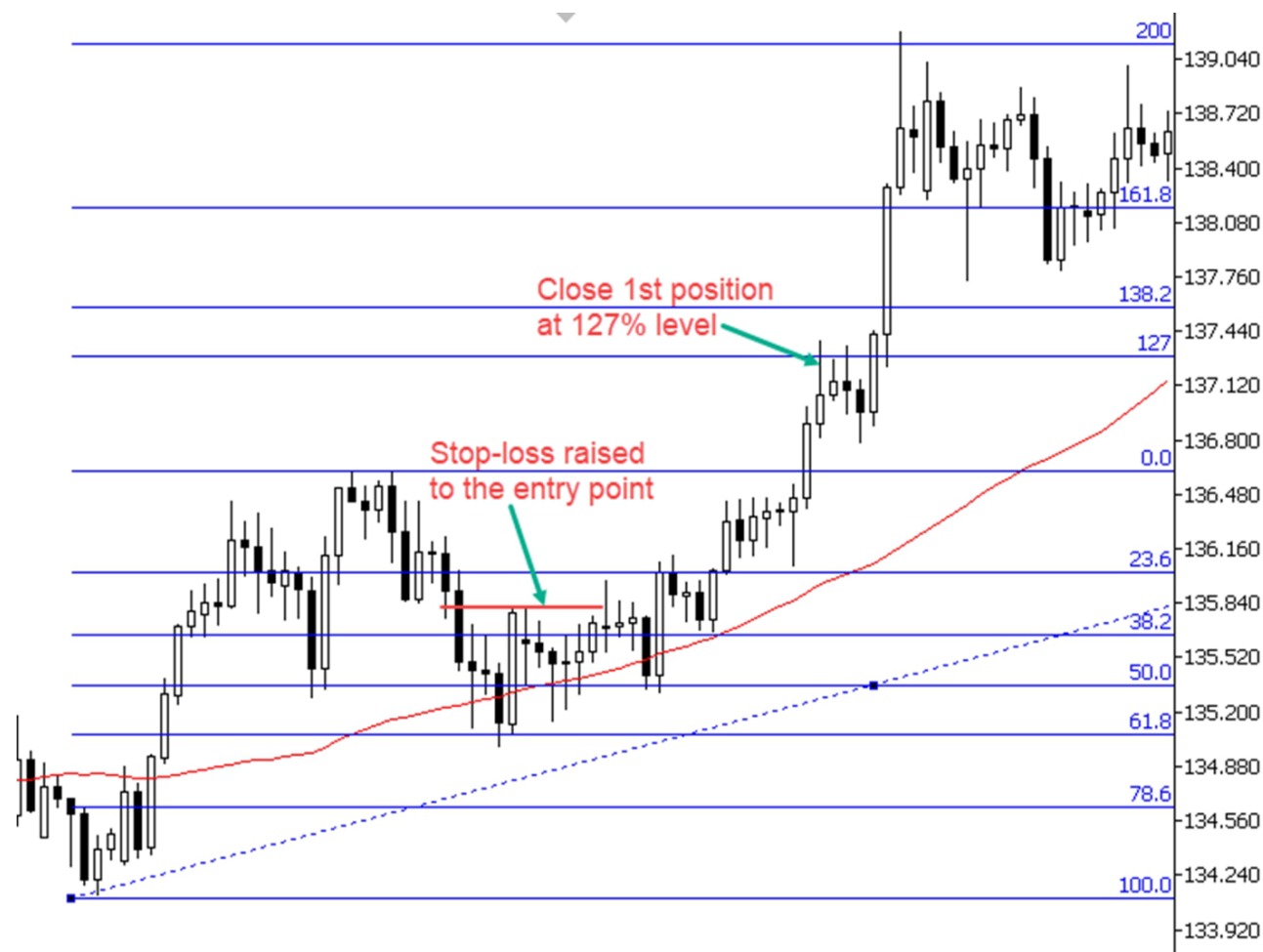
نقطه ورود منتقل کنید. با انجام این کار، حتی در صورت فروش شدید، شما سود نمیکنید، اما از ضرر نیز جلوگیری میکنید.

به نمودار چهار ساعته پوند انگلیس در برابر ین ژاپن (GBP/JPY) در زیر نگاهی بیاندازید. پس از یک اصلاح تا سطح ۶۱.۸٪، یک کندل استیک صعودی بلند تشکیل شد و میانگین متحرک ساده ۵۰ را شکست. میتوانید با بسته شدن کندل استیک ماروبوزو وارد معامله شوید، در حالیکه حد ضرر میتواند درست زیر کندل استیک قرار گیرد.



پس از چند ساعت، روند صعودی قوی به نظر میرسد. پس از بستن اولین موقعیت در سطح ۱۲۷٪، میتوانید حد ضرر را به نقطه ورود منتقل کنید. با انجام این کار، میتوانید اطمینان حاصل کنید که معامله حداقل در نقطه سر به سر بسته میشود.

اگر روند در جهت مورد انتظار شما ادامه یابد، می‌توانید حد ضرر را حتی بیشتر افزایش دهید تا مطمئن شوید که معامله شما قطعاً با سود بسته خواهد شد.



هر چقدر هم که ساده به نظر برسد، این تکنیک میتواند مقدار زیادی از پول به سختی به دست آورده‌تان را نجات دهد.

۳. عادت به استفاده از یک برنامه معاملاتی را در خود پرورش دهید

مگر اینکه یک ربات باشید، تحت تأثیر احساسات ترس و طمع قرار میگیرید که نتایج معاملات شما را به طور منفی تحت تأثیر قرار میدهد. هر معامله‌گر خوبی باید بتواند نحوه تعامل خود با بازار، نحوه ورود و خروج از معاملات را تعریف کند. با این حال، به راحتی میتوانید تحت تأثیر احساسات منفی قرار بگیرید.

هدف یک برنامه معاملاتی حذف آن احساسات است تا بتوانید به بهترین حالت ذهنی و همچنین بهترین نظم در معامله‌گری دست یابید. همانطور که بنجامین فرانکلین گفت: "اگر برای شکست برنامه‌ریزی نکنید، برای شکست برنامه‌ریزی کرده‌اید." برای هر معامله‌گری که به دنبال یک "راز" در معامله‌گری یا یک برتری در معامله‌گری است، این همان چیزی است که به آن نیاز دارند. مگر اینکه یک برنامه معاملاتی دقیق و به وضوح تعریف شده داشته باشید و به طور جدی به آن پایبند باشید، در غیر این صورت نمیتوانید به موفقیت بلندمدت در بازار مالی دست یابید.

اکثر مردم این را در مقطعی از دوران معاملاتی خود شنیده‌اند. تقریباً هر دوره آموزشی معاملاتی بر نیاز به یک برنامه معاملاتی تأکید میکند. با این حال، اکثر مردم حتی یک بار هم به صورت کتبی برنامه‌ریزی نمیکنند. آنها به سادگی افراد برنامه‌ریز نیستند.

یک برنامه معاملاتی مجموعه‌ای خاص از قوانین و دستورالعمل‌ها است که تمام جنبه‌های معامله‌گری شما را پوشش میدهد، از جمله (اما نه محدود به) ورود و خروج، حد ضرر، حجم موقعیت، میزان ریسک، نسبت ریسک به ریوارد، مدیریت معاملات و روانشناسی معاملات.

با غلبه بر دو احساس خطرناک‌ترین (طمع و ترس)، میتوانید کنترل بهتری بر عملکرد معاملاتی خود داشته باشید و تنظیمات لازم را برای ارتقای سطح معاملات خود انجام دهید. بدون یک برنامه معاملاتی، در طول کل فرآیند تصویری از نحوه عملکرد معاملات خود نخواهید داشت. نمیتوانید بین جایی که عملکرد خوبی دارید و جایی که نیاز به بهبود دارید تمایز قائل شوید.

به طور خلاصه، موفق شدن در معامله‌گری مستلزم استفاده از یک برنامه معاملاتی برای برنامه‌ریزی معامله و همچنین کنترل خود و احساساتتان است. ما در این کتاب استراتژی‌های زیادی را در رابطه با ورود، خروج، حد ضرر، نسبت ریسک به ریوارد، مدیریت معاملات و موارد دیگر با اصلاحات و امتدادهای فیبوناچی پوشش داده‌ایم. با این حال، مگر اینکه تمام این عناصر را

در یک برنامه از پیش تعیین کنید و به شدت از آنها پیروی کنید، احتمالاً آن استراتژی‌ها را به طور مؤثر اعمال نخواهید کرد.

برای دریافت یک برنامه معاملاتی با طراحی حرفه‌ای برای انواع مختلف معاملات، [اینجا](#) کلیک کنید.

توجه: در پوشه گوگل درایو، مطمئن شوید که با حساب جیمیل خود وارد شده‌اید. سپس، به دنبال جایزه مربوط به کتابی که میخوانید بگردید. به عنوان بخشی از تلاش‌های ما برای ارائه ارزش بیشتر به خوانندگان، ممکن است جوایز سایر کتاب‌هایی که هنوز نخوانده‌اید را در آنجا مشاهده کنید. در صورت تمایل میتوانید آنها را نیز دانلود کنید.

۴. پیام‌های یک کاهش سرمایه (Drawdown)

کاهش سرمایه (Drawdown) تفاوت بین اوج و فرود در یک دوره معین از معامله‌گری شما است. اغلب به صورت درصد کاهش از اوج بیان میشود. به عنوان مثال، اگر یک حساب معاملاتی ۲۰۰۰۰ دلار داشته باشد و موجودی قبل از بازگشت به ۲۰۰۰۰ دلار به ۱۸۰۰۰ دلار کاهش یابد، میگوییم حساب ۱۰ درصد کاهش سرمایه را تجربه کرده است.

کاهش سرمایه نرمال

کاهش سرمایه نرمال به عنوان یک عملکرد طبیعی از فراز و نشیب‌های معامله‌گری ناشی از شرایط غیرمنتظره بازار یا اشتباهات کوچک در پیروی از برنامه معاملاتی شما رخ میدهد. این به عنوان یک تهدید واقعی برای حساب شما تلقی نمیشود، اما باید به خوبی مدیریت شود تا از بزرگتر شدن از حد تحمل شما جلوگیری شود، که ممکن است نه تنها بر حساب معاملاتی شما بلکه بر احساسات شما نیز تأثیر بگذارد.

در صورت کاهش سرمایه نرمال، اولین کاری که باید انجام دهید این است که برنامه معاملاتی خود را دوباره بررسی کنید تا مطمئن شوید که حداقل به دقت از آن پیروی میکنید. اگر از قوانین معاملاتی خود پیروی میکنید، احتمالاً شرایط بازار در آن زمان برای استراتژی شما مساعد نیست.

ممکن است بخواهید به طور موقت حجم معاملات خود را کاهش دهید، حتی اگر پول از دست رفته ناچیز باشد. با انجام این کار، میتوانید دیدگاه عینی‌تری نسبت به حرکات بعدی بازار به دست آورید.

کاهش سرمایه مشکل ساز

این نوع کاهش سرمایه جدی تر است، اگرچه پایان دنیا نیست. اگر به درستی مدیریت شود، یک معامله گر میتواند از ضررها بهبود یابد و به زودی اعتماد به نفس خود را به دست آورد. هنگامی که دوره سختی را میگذرانید که ضرر به حداکثر تحمل شما میرسد، اولین کاری که باید انجام دهید این است که از آتش بیرون بیایید. هیچ چیز مهم تر از متوقف کردن معامله گری شما در آن زمان نیست. انجام این کار اغلب آسان تر از گفتن آن است زیرا بازار همیشه شما را وسوسه میکند تا معاملات بیشتر و بیشتری انجام دهید. با این حال، هنگامی که موفق شدید مدتی از میز معامله دور بمانید، حداقل میتوانید استرس زیادی را کاهش دهید. به نظر من، من اغلب تصمیم میگیرم وقتی به کاهش سرمایه حداقل ۲۰ درصدی میرسم، حداقل تا پایان ماه معامله را متوقف کنم، بسته به اینکه آیا وضعیت ذهنی قبلی خود را بازیابی کرده ام یا خیر.

گام بعدی تعیین علل کاهش سرمایه است. اغلب اوقات، ممکن است ناشی از مشکلات زیادی به طور همزمان باشد. با این حال، نباید سعی کنید همه آنها را همزمان حل کنید. در عوض، سعی کنید به جدی ترین مشکل بپردازید که از تجربه من، اغلب عدم مدیریت ریسک در معامله گری است. همچنین میتواند ناشی از معامله بیش از حد، معامله تکانشی یا هر دلیل دیگری باشد که میتواند منجر به کاهش سرمایه شود. در هر صورت، فقط به مهم ترین مشکل بچسبید تا زمانی که وضعیت تا حدودی بهبود یابد.

همچنین، برای کمک به دستیابی بهتر به یک دیدگاه تحلیلی عینی از نوسانات بازار، باید حجم معاملات خود را کاهش دهید.

فصل ۱۱: اشتباهات بزرگی که ممکن است هزینه زیادی برای شما داشته باشند

هر معامله‌گری ممکن است در مقطعی از معامله‌گری خود از اصلاحات فیبوناچی استفاده کرده باشد.

اگر از این ابزار قدرتمند به درستی استفاده کنید، فیبوناچی میتواند اطلاعات زیادی در مورد مناطق حمایت/مقاومت بالقوه و همبستگی بین خریداران و فروشندگان به شما بدهد. در مقابل، هرگونه استفاده نادرست از این ابزار فنی ممکن است منجر به زمان‌بندی نادرست ورود و خروج از معامله شده و باعث ضرر شود. در این فصل، برخی از اشتباهاتی را که هنگام استفاده از معاملات فیبوناچی باید از آنها اجتناب کنید، مشخص خواهیم کرد.

۱. انتظار بیش از حد

یکی از رایج‌ترین اشتباهاتی که شاهد آن بوده‌ام این است که معامله‌گران اغلب آنقدر انتظار وقوع چیزهای خاصی را دارند که به نظر میرسد روی برخی سطوح فیبوناچی قفل شده‌اند. این علت شماره یک اضطراب، افسردگی و معاملات انتقامی است.

به عنوان مثال، اگر یک امتداد را به عنوان هدف قیمت میبینید، ممکن است آنقدر وسواس آن سطح شوید که نتوانید سطوح حمایت یا مقاومت اصلی دیگر یا قدرت روند را برای استفاده بهینه از معامله خود ببینید. اگر به دنبال یک نقطه ورود هستید، آنقدر به بازگشت قیمت از یک سطح مطمئن میشوید که فقط شاهد شکست آن بدون بازگشت خواهید بود. ممکن است به راحتی فکر کنید که بازار به شما خیانت کرده است. فیبوناچی به شما خیانت کرده است. ممکن است فراموش کنید که معامله‌گری تماماً مربوط به احتمالات است. نیاز به تمرین و صبر زیادی دارد.

بنابراین، اگر از فیبوناچی به عنوان هسته سیستم معاملاتی خود استفاده میکنید، باید انتظار داشته باشید که حدود ۳۰ تا ۴۰ درصد مواقع کار نکند.

شما میتوانید از طریق نظم و مدیریت سرمایه، همانطور که در فصل قبل بحث شد، در دوران سخت از سرمایه خود محافظت کنید. لطفاً به خاطر داشته باشید که معامله‌گری در هیچ معامله‌ای درست یا غلط نیست. معامله‌گری در مورد میزان سودی است که از معاملات برنده به دست می‌آورید و میزان ضرری که از معاملات بازنده در یک دوره معین متحمل میشوید.

۲. استفاده از فیبوناچی برای حرکات کوتاه مدت

همانطور که در فصل‌های قبلی اشاره کردم، نوسانات در تایم فریم‌های کوتاه مدت (مانند نمودارهای ۵ دقیقه‌ای، ۱۵ دقیقه‌ای، ۳۰ دقیقه‌ای یا حتی یک ساعته) زیاد است که می‌تواند سیگنال‌های فیبوناچی را نادرست کند.

تایم فریم‌های کوتاه‌تر، سطوح اصلاحی را کمتر قابل اعتماد میکنند زیرا بازار ممکن است به سطح حمایت/مقاومت در آن تایم فریم‌ها احترام نگذارد. هنگامی که سطوح حمایت/مقاومت مورد احترام قرار نگیرند، استفاده از سطوح فیبوناچی برای تعیین نقاط ورود و خروج آسان نخواهد بود.

علاوه بر این، تایم فریم‌های کوتاه‌تر ممکن است با اسپایک‌هایی همراه باشند که می‌توان آنها را به انتشار ارقام مهم اقتصادی/مالی در طول روز نسبت داد. چنین اسپایک‌هایی می‌توانند تحلیل نمودار مالی را برای معامله‌گران دشوارتر کنند. به طور کلی، در مورد شاخص‌ها/ابزارهای فنی، هرچه دوره مشاهده طولانی‌تر باشد، داده‌ها/ارقام قابل اعتمادتر هستند. این امر در مورد فیبوناچی نیز صدق میکند. از این رو، استفاده از ابزارهای فیبوناچی در یک تایم فریم طولانی‌تر (یعنی حداقل نمودار چهار ساعته) برای به دست آوردن نتایج مثبت‌تر بسیار توصیه میشود.

۳. ناهمگونی در سقف و کف نوسانی مورد استفاده

هنگام رسم اصلاحات و امتدادهای فیبوناچی، توصیه میشود که از نقاط مرجع به طور مداوم استفاده کنید. این بدان معناست که سقف و کف نوسانی باید به صورت سایه به سایه یا بدنه به بدنه ارجاع داده شوند. همانطور که می‌بینید، در مورد مثال‌های این کتاب، من از سایه برای شناسایی سقف و کف نوسانی استفاده میکنم.

اگر از بالاترین سایه به عنوان سقف نوسانی و پایین‌ترین قیمت بسته شدن (پایین‌ترین بدنه) به عنوان کف نوسانی و بالعکس استفاده کنید، ممکن است کار نکند. به این ترتیب، معامله‌گران ممکن است در شناسایی قابل اعتمادترین سطوح حمایت یا مقاومت و تعیین زمان‌بندی صحیح نقاط ورود، حد ضرر و خروج با مشکل مواجه شوند.

نمودار دلار استرالیا در برابر دلار کانادا (AUD/CAD) در زیر این اشتباه را به تصویر میکشد. استفاده از سایه بالایی کندل و بدنه پایینی کندل در پایین روند منجر به شناسایی اشتباه سطوح مقاومت میشود. ببینید چگونه قیمت بین سطح ۲۳.۶ درصد و سطح ۳۸.۲ درصد بدون انتخاب یک سطح اصلی به عنوان نقطه اصلاح حرکت کرد.



در نمودار زیر، من از سایه کندل استیک برای شناسایی هر دو سقف و کف نوسانی استفاده میکنم. میبینید که اصلاحات فیبوناچی بینش‌های ارزشمندی در مورد اینکه اصلاح ممکن است در کجا قدرت خود را از دست بدهد (سطح ۳۸.۲ درصد) ارائه میدهد و راه را برای یک ورود فروش هموار میکند.



۴. تکیه صرف بر ابزارهای فیوناچی

از نظر فنی، معامله بر اساس ابزارهای فیوناچی به تنهایی ممکن است مانند برخی از نکات بالا یک "اشتباه" در نظر گرفته نشود. در بسیاری از موارد، میتوانید ابزارهای دیگر را نادیده بگیرید، نقاط ورود و خروج را فقط بر اساس اصلاحات و امتدادهای فیوناچی تعریف کنید و همچنان نتایج عالی کسب کنید.

با این حال، توصیه میشود برای افزایش قابلیت اطمینان سیگنال‌های بازار، فیبوناچی را با ابزارهای دیگر ترکیب کنید. من در بسیاری از فصل‌های این کتاب به سیگنال‌های تأیید اشاره کردم. سیگنال‌های تأیید را میتوان از طریق ابزارهای دیگری مانند الگوهای کندل استیک، خطوط روند، میانگین‌های متحرک، امواج الیوت و غیره جستجو کرد. هرچه سیگنال‌های بیشتری داشته باشید، پتانسیل مثبت معامله شما بیشتر خواهد بود. همیشه به یاد داشته باشید که بازار دائماً در حال تغییر است و نوسانات و تلاطمات زیادی دارد. ترکیب بیش از یک ابزار (اما نه خیلی زیاد) در تحلیل تکنیکال، شانس موفقیت را به نفع شما افزایش میدهد.

فصل ۱۲: ابزارهای قدرتمند فیبوناچی در معاملات واقعی

مثال ۱. طلا - نمودار روزانه

نمودار روزانه طلا در زیر یک روند صعودی را نشان میدهد. واضح بود که یک اصلاح تا سطح ۵۰ درصد فیبوناچی وجود داشته است. توجه کنید که میانگین متحرک ساده ۵۰ با سطح ۵۰ درصد فیبوناچی همزمان شده و یک همگرایی قدرتمند را در آنجا تشکیل داده است.

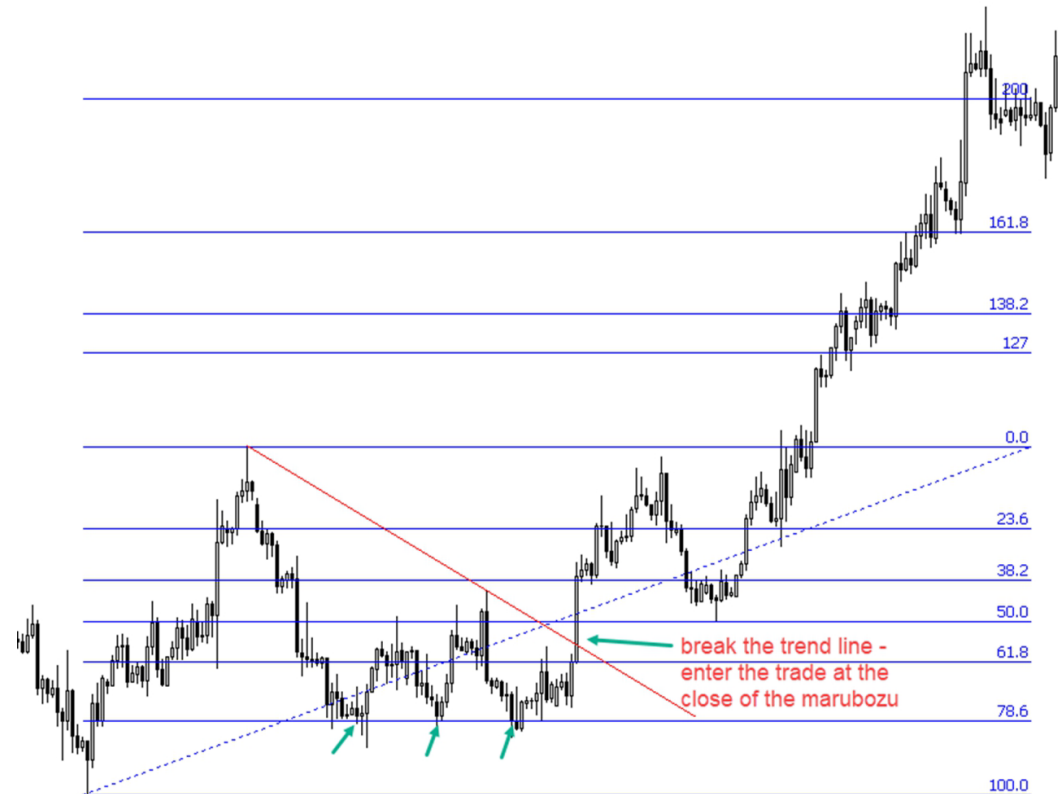


یک سیگنال دیگر که باعث ورود به معامله میشود، کندل استیک ماروبوزو است که از میانگین متحرک ساده ۵۰ جهش میکند. پس از آن، قیمت یک مومنتوم صعودی را حفظ کرد. در مرحله بعد، بیاپید هدف احتمالی برداشت سود را در این وضعیت پیدا کنیم. به حرکات بعدی در تصویر زیر نگاهی بیاندازید.



حرکت صعودی تا سطح ۱۶۱.۸ درصد بسیار قوی بود، جایی که نوسانات شدیدی رخ داد. به عنوان یک معامله‌گر محافظه‌کار، می‌توانید در اینجا موقعیت خود را ببندید. همچنین، می‌بینیم که چگونه سطح ۱۶۱.۸ درصد پس از شکسته شدن به عنوان یک سطح مقاومت، به یک حمایت قوی تبدیل شد. یک معامله‌گر تهاجمی‌تر ممکن است روش سه قسمتی را برای بستن معاملات انتخاب کند و با توجه به اینکه خریداران در سطح ۱۶۱.۸ درصد همچنان بسیار قوی بودند، هدف قیمتی بالاتری را برای برداشت سود در نظر بگیرد.

مثال ۲. یورو/دلار آمریکا (EUR/USD) در نمودار چهار ساعته



در مثال بالا، قیمت چندین بار سطح ۷۸.۶ درصد را لمس کرد بدون اینکه بازگردد، که ممکن است باعث سردرگمی قابل توجهی برای معامله‌گران شود.

در این حالت، استفاده از یک خط روند میتواند راه حل کاملی برای این مشکل باشد. بار دیگر، یک کندل استیک ماروبوزو صعودی بلند ظاهر شد، خط روند را شکست و قیمت را بسیار بالاتر برد. با قرار دادن حد ضرر درست زیر کندل استیک ماروبوزو و تعیین هدف برداشت سود در سطح ۱۶۱.۸ درصد، به راحتی میتوانید از نسبت ریسک به ریوارد ۱:۳ لذت ببرید.

مثال ۳. دلار آمریکا/ین ژاپن (USD/JPY) در نمودار چهار ساعته



این مثال یک ترکیب عالی از فیبوناچی و امواج الیوت است.

در این مورد، موج ۳ موج توسعه یافته است، با سطح امتداد در خط ۲۶۱.۸ درصد. توجه کنید که چگونه قیمت در انتهای موج ۳، که با سطح امتداد ۲۶۱.۸ درصد فیبوناچی همزمان بود، واکنش شدیدی نشان داد.

موج ۲ از نظر شکل‌گیری اصلاحی در مقابل موج ۴ قرار دارد. در حالی که اولی عمیق و ساده است، دومی کم‌عمق و پیچیده به نظر می‌رسد.

شما همچنین می‌توانید سوار موج ۵ شوید، اگرچه به اندازه موج ۳ طولانی نیست. اگر به خاطر داشته باشید، هدف موج آخر باید بین ۳۸.۲ درصد و ۶۱.۸ درصد (امتدادهای فیبوناچی) فاصله از موج ۱ تا موج ۳ باشد که از انتهای موج ۴ محاسبه می‌شود. همانطور که از تصویر می‌بینید، بستن موقعیت در حدود سطح ۳۸.۲ درصد به گرفتن بیشتر حرکت کمک می‌کند.

بعد چی؟

این ما را به پایان کتاب میرساند.

اول از همه، من می‌خواهم به شما برای تکمیل این فصل‌ها در مورد معامله‌گری با فیبوناچی تبریک بگویم. اگر این بخش را می‌خوانید، یک قدم به ارتقای نتایج معاملات خود نزدیک‌تر شده‌اید.

به یاد داشته باشید که معامله‌گری چیزی نیست که بتوانید پس از خواندن یک یا دو کتاب در آن استاد شوید. معامله‌گری موفق مستلزم تمرین زیاد، توانایی تفسیر آنچه بازار واقعاً می‌گوید، بهینه‌سازی مداوم و موارد دیگر است. در حالیکه یک طرح ثروتمند شدن سریع نیست، اما قطعاً می‌توانید با اختصاص زمان، انرژی و تمرکز بیشتر به معامله‌گری، منحنی یادگیری را کوتاه کنید.

در نهایت، اگر متوجه شدید که چیز مفیدی در این کتاب آموخته‌اید، لطفاً در نظر بگیرید که یک نظر صادقانه در بخش نظرات بگذارید. من از شما بسیار سپاسگزار خواهم بود.

بهترین آرزوها!

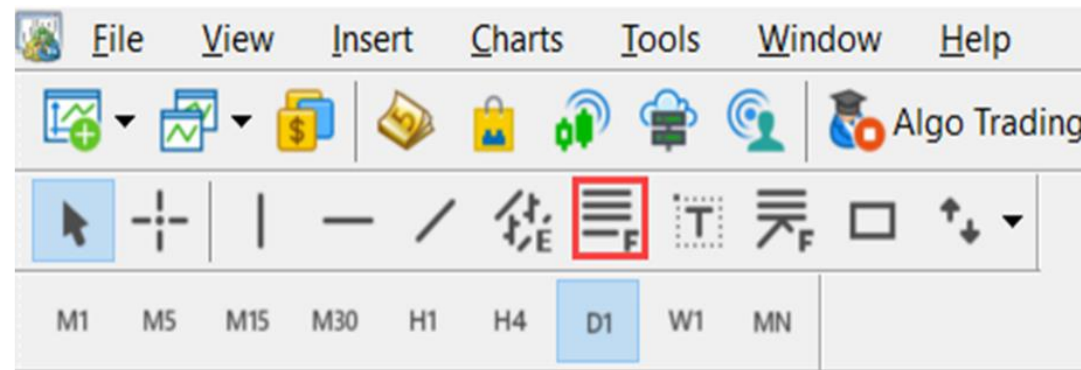
فرانک میلر

پیوست: نحوه تنظیم اصلاحات و امتدادهای فیوناچی

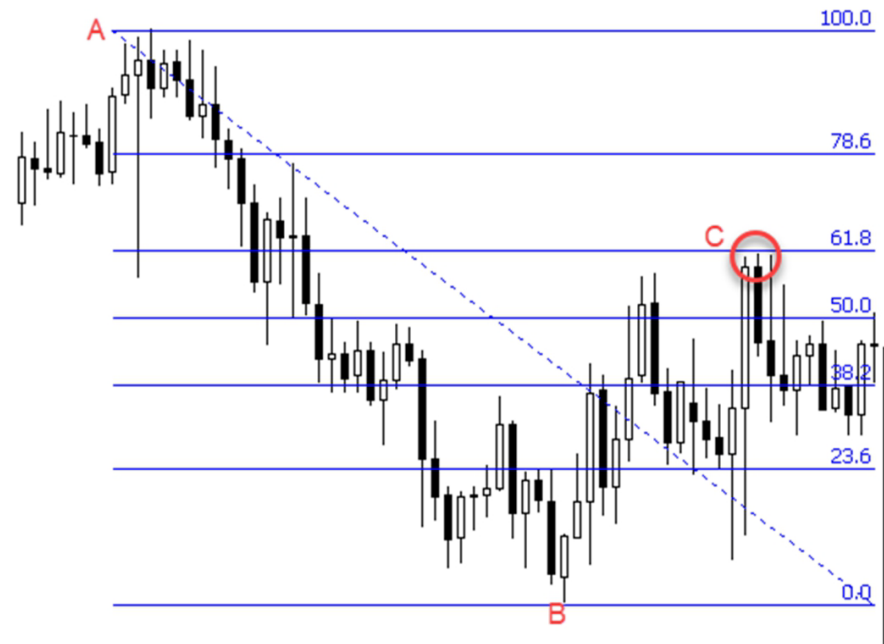
در صورتی که برای شناسایی و هدایت معاملات خود با استفاده از فیوناچی، پلتفرم معاملاتی MetaTrader را انتخاب کنید، نکات زیر مفید خواهند بود:

۱. نحوه رسم اصلاحات و امتدادهای فیوناچی در MetaTrader

- ابزار اصلاح فیوناچی را از منوی سریع انتخاب کنید:



- اگر نتوانستید آن را پیدا کنید، به منوی بالا (Insert) بروید، روی Fibonacci کلیک کنید و سپس Retracement را انتخاب کنید.
- خطوط اصلاحی را از کف نوسانی به سقف نوسانی (در یک روند صعودی) و از سقف نوسانی به کف نوسانی (در یک روند نزولی) رسم کنید.



- آنها را انتخاب کنید تا خطوطی که از ۰ تا ۱۰۰ می‌روند برجسته شوند.
- روی دکمه سمت راست ماوس کلیک کرده و اولین گزینه Fibو properties را انتخاب کنید.
- در یک پنجره جدید، به تب دوم Fibو levels بروید.
- اینجا است که می‌توانید سطوح فیبوناچی خود را اضافه، حذف یا ویرایش کنید. برای ویرایش مقدار، فقط روی آن دوبار کلیک کنید.

Daily Fibo 2980
?
X

Common
Levels
Parameters
Visualization

Level	Description
0	0.0
0.236	23.6
0.382	38.2
0.5	50.0
0.618	61.8

Add
Delete
Edit
Default

Blue

OK
Cancel

ستون اول در جدول (Level) جایی است که شما سطوح را تعریف میکنید. ستون دوم (Description) توضیحی را نشان میدهد که در نمودار نمایش داده خواهد شد.

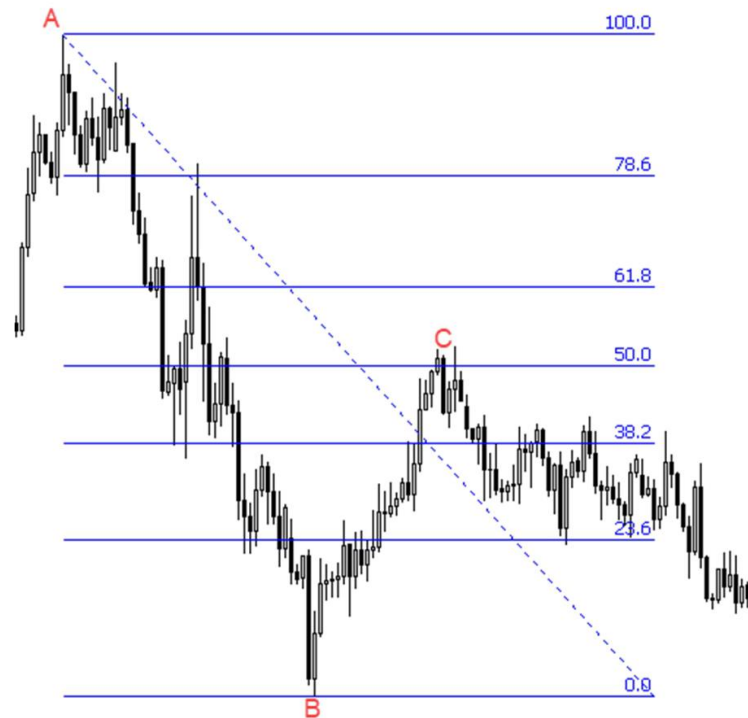
در زیر محبوبترین سطوحی که من اغلب استفاده میکنم آورده شده است:

Level	Description
0	0
0.236	23.6
0.382	38.2
0.5	50
0.618	61.8
0.776	77.6
1	100
-0.27	127
-0.382	138.2
-0.618	161.8
-1	200
-1.618	261.8

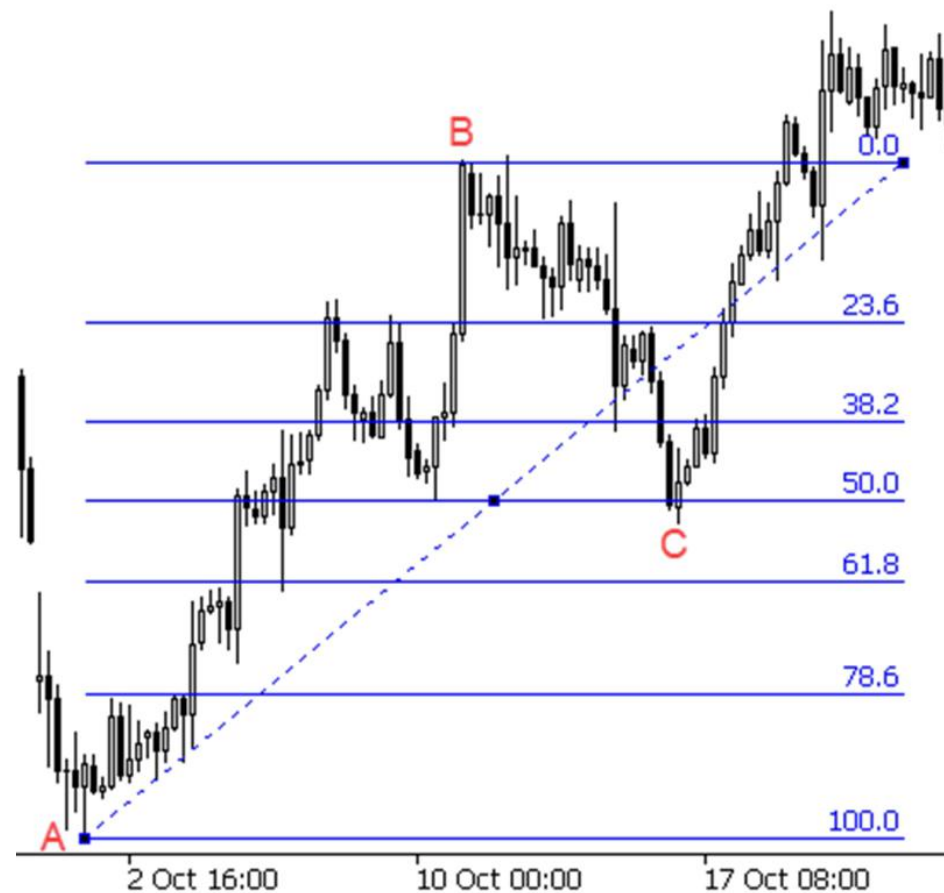
با استفاده از این ترند، هم سطوح اصلاحی و هم سطوح امتدادی را به طور همزمان نمایش خواهید داد.



شما میتوانید در صورت تمایل این سطوح را ویرایش کنید. به نظر من، این برای تجزیه و تحلیل معاملات شما بیش از اندازه کافی است.
در یک روند نزولی، هنگامی که به دنبال فرصت فروش میگردید، اصلاح را از سقف نوسانی (A) به کف نوسانی (B) رسم میکنید:



در نقطه A، سطح ۱۰۰ درصد فیبوناچی قرار خواهد داشت. در همین حال، نقطه B در سطح ۰ درصد فیبوناچی قرار دارد.
در یک روند صعودی، هنگامی که به دنبال فرصت خرید میگردید، اصلاح را از کف نوسانی (A) به سقف نوسانی (B) رسم میکنید:

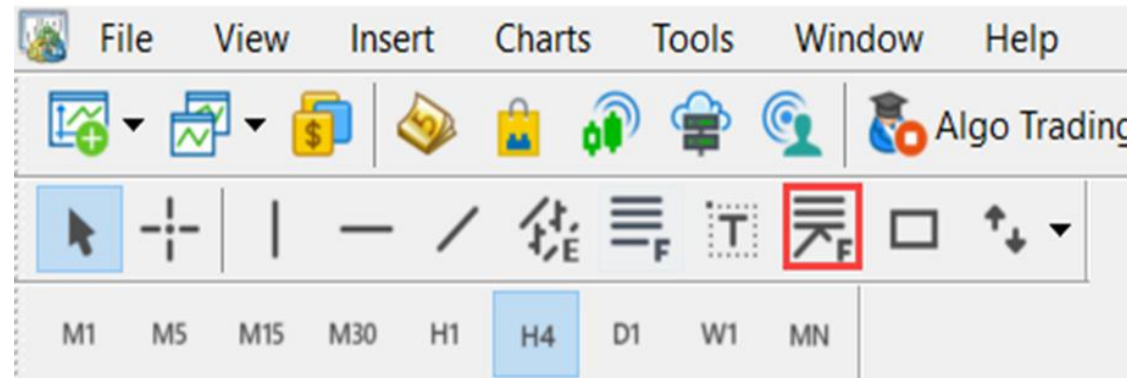


در این حالت، در نقطه A، سطح ۱۰۰ درصد فیبوناچی قرار خواهد داشت در حالیکه نقطه B در سطح ۰ درصد فیبوناچی قرار دارد.

۲. نحوه رسم امتدادهای فیبوناچی در MetaTrader

بیایید یک روند نزولی را به عنوان مثال در نظر بگیریم. در یک روند صعودی همه چیز یکسان است.

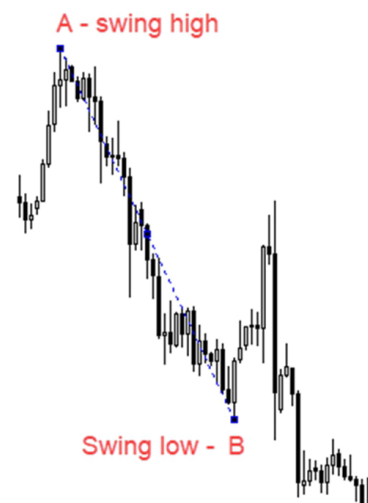
روی نماد ابزار امتدادهای فیبوناچی کلیک کنید.



سپس، روی سقف نوسانی کلیک کنید، یک نقطه کوچک ظاهر می‌شود (نقطه A)



همین کار را در کف نوسانی انجام دهید (نقطه B) ، و هر دو نقطه به طور خودکار به هم متصل میشوند.



از نقطه B، کلیک کرده و نشانگر ماوس را به انتهای اصلاح - C بکشید.



<https://sanibourse.com/>

<https://t.me/sanibabourse>